



پژوهشنامه موعود

دو فصلنامه علمی

سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

تأملی بر نظریه فراگیری اسلام در جامعه عصر ظهور
حسین الهی نژاد

بررسی تطبیقی آیه ۱۵۸ انعام از دیدگاه فریقین
علی مزیدی

مهدویت، کلان آرمان انقلاب اسلامی و الزامات فرهنگی آن در اندیشه امام خامنه‌ای
حسن ملایی

نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
حسین علی جباری

بررسی سیر مهدی‌پژوهی در غرب بعد از انقلاب اسلامی ایران
زهرا دهقانی آرنی، محمد کزازی

مآخذ شناسی و بررسی سندی دعای سلامتی
علی ربانی

دو فصلنامه علمی پژوهشنامه موعود

سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛
مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی

سر دبیر:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام و المسلمین حسین علی جباری

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

مترجم انگلیسی:

زینب فرجام فرد

مترجم عربی:

ضیاء الذهاوی

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقرالعلوم قم)
دهقانی آرائی، زهیر (پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و
موعودگرایی)

شاکری زواردهی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران
پردیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه المصطفی
العالمیه)

عرفان، امیر محسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی
قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)

معنوی، سید مجتبی (فاضل حوزوی، پژوهشگر
پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)

یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، استادیار جامعه
المصطفی العالمیه)

آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹.

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پرننگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/ تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

ب) نحوه تنظیم مقاله

نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.

۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
 - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
 - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
۵. **نتیجه‌گیری:** نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله،

جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود:

- **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
- **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
- صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):
 - از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
 - از طریق سایت به آدرس: www.mouoodmag.ir؛
 - از طریق رایانامه به آدرس: mouoodmag@gmail.com؛
 - از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag.

فهرست مقالات

- تأملی بر نظریه فراگیری اسلام در جامعه عصر ظهور ۵
حسین الهی نژاد
- بررسی تطبیقی آیه ۱۵۸ سوره انعام از دیدگاه فریقین ۲۷
علی مؤیدی
- مهدویت، کلان آرمان انقلاب اسلامی و الزامات فرهنگی آن در اندیشه امام خامنه‌ای ۵۱
حسن ملایی
- نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۷۳
حسین علی جباری
- بررسی سیر مهدی‌پژوهی در غرب بعد از انقلاب اسلامی ایران ۹۵
زهیر دهقانی آرانی ؛ محمد کزازی
- مأخذ شناسی و بررسی سندی دعای سلامتی ۱۱۷
علی ربانی
- ترجمه چکیده مقالات به عربی - انگلیسی ۱۴۳

تأملی بر نظریه فراگیری اسلام در جامعه عصر ظهور

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

مقاله پیش رو، به تبیین و تحلیل گسترش اسلام در جامعه جهانی زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه و نفی دین‌های دیگر، نظیر مسیحیت، یهودیت و زردشت می‌پردازد. برای اثبات این مدعا، به دلایل مختلفی از آیات و روایات تمسک شده است؛ مثلاً قرآن در چند آیه به نزول حضرت عیسی علیه السلام و مسلمان شدن همه اهل کتاب و نیز غلبه ظاهری و منطقی اسلام بر ادیان دیگر و تسلیم شدن پیروان همه ادیان در برابر دین حق که اسلام باشد، تأکید می‌کند. حضرات معصوم علیهم السلام نیز در روایات گوناگونی به اثبات این موضوع پرداخته و با نفی تشبث در ادیان به وحدت عقیدتی و دینی در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام نوید داده‌اند. علاوه بر آیات و روایات متعددی که توجیه کننده گسترش اسلام در فرجام تاریخ می‌باشند؛ دلایل دیگری نظیر رشد یافتگی عقلی و معرفتی مردم در عصر ظهور، رسالت ویژه امام زمان در برخورد با مخالفان و به سر آمدن احکام جزیه و تقیه در عصر ظهور؛ همگی گویای وحدت عقیدتی و دینی در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام می‌باشند.

واژگان کلیدی: جامعه عصر ظهور، امام مهدی، فراگیری اسلام، مسیحیت، یهودیت، جزیه، تقیه.

^۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ایمیل: hosainelahi1212@gmail.com

مقدمه

یکی از خواسته‌های همه انسان‌ها که از زمره گرایش‌های فطری او به شمار می‌رود، گرایش به وحدت و وحدت‌طلبی بر محور دین حق است؛ یعنی انسان‌ها بر اساس وجدان خدادادی علاوه بر گرایش به دین راستین و حق، علاقه دارند در جامعه وحدت اعتقادی حاصل شود و همه مردم، در اطراف دین حق با اتحاد و انسجام حلقه زنند؛ زیرا گرایش و اتحاد حول دین حق، از جمله خواسته‌های متعالی انسان‌ها است که این گرایش در جهت کمال‌خواهی انسان‌ها توجیه می‌شود و بی‌تردید خواسته‌های متعالی انسان که در جهت کمال‌خواهی توجیه شود، جزو خواسته‌های فطری انسان‌ها محسوب می‌گردد.^۱ پس گرایش به دین حق و اتحاد انسان‌ها بر محور امور فطری بشر است. این موضوع از دیرباز جزو آرزوهای بشر بوده و تا به حال نیز بشر به این آرزوی فطری خویش نرسیده است. در دوران نظام مقدس مهدوی که نظام جهانی و فراگیر می‌باشد، بشر به این خواسته فطری خود نایل می‌آید. از این رو، برای همه باورمندان ادیان ابراهیمی، این پرسش مطرح است که کدام‌یک از ادیان ابراهیمی این شایستگی را دارد که خاستگاه نظام جهانی موعود باشد و آیا می‌توان چنین ادعایی را مطرح کرد که همه ادیان ابراهیمی با تعامل و مشارکت عمومی به تدوین ساختار نظام موعود جهانی می‌پردازند؟

قبل از ورود به بیان «نظریه فراگیری اسلام در عصر ظهور»، ابتدا به صورت اجمال، پاسخ را همراه با دلایل توجیهی مطرح کرده و دین اسلام را به عنوان دین برتر، خاستگاه نظام جهانی مهدوی اعلام می‌کنیم؛ زیرا اولاً، در سلسله ارسال ادیان آسمانی، همیشه نزول آن‌ها به صورت صعودی و تکاملی بوده است؛ ثانیاً، همیشه آخرین دین به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین شناخته می‌شود و ثالثاً، روش است که کامل‌ترین و جامع‌ترین دین بهترین برنامه و راهکار را برای آینده بشر طراحی می‌کند. نتیجه این‌که همه ادیان ابراهیمی به صورت جمعی در تدوین قانون نظام جهانی منجی نقش ندارند، بلکه آخرین و کامل‌ترین و جامع‌ترین دین، یعنی دین اسلام عهده‌دار سعادت و رستگاری جامعه انسانی در فرجام تاریخ است و لذا همین آیین بهترین بهترین و برترین گزینه برای تدوین قانون و برنامه برای حکومت جهانی منجی تلقی می‌گردد و منجی جهانی نیز با راهکار و ابزار مناسب به گسترش و نشر همین دین در پهنه جهانی مبادرت می‌ورزد.

۱. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۶۰.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰.

بر این اساس، در مباحث پیش رو، مبتنی بر منابع عقلی و نقلی به اثبات فراگیری اسلام در عصر ظهور پرداخته و این ادعا را بر اساس آیات، روایات و عقل مستند می‌کنیم.

غلبه ظاهری و منطقی اسلام بر ادیان

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ او است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

در این مقوله که اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می‌گردد و این پیروزی به چه شکلی خواهد بود؛ میان مفسران و اندیشمندان قرآنی اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی صاحب‌نظران این پیروزی را منطقی و استدلالی دانسته و می‌گویند این پیروزی تحقق پیدا کرده است؛ زیرا از نظر منطقی و استدلال هیچ‌یک از ادیان و آیین‌های موجود با اسلام قابل مقایسه نیست.^۱ بی‌تردید کسانی که پیروزی اسلام را تنها در قالب استدلال و منطقی خلاصه می‌کنند، به فراگیر شدن اسلام و مسلمان شدن همه مردم در عصر ظهور اعتقاد نداشته و موجودیت ادیان و آیین مختلف را در آن دوران می‌پذیرند.

ولی غالب مفسران، برخلاف دیدگاه قبلی، به غلبه و برتری اسلام در دو حوزه منطقی و قدرت ظاهری معتقدند؛^۲ زیرا موارد استعمال ماده «اظهار» در آیات قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیش‌تر به معنای غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است؛ چنان‌که در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم: (إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ)؛^۳ اگر آن‌ها [=دقیانوس و دار و دسته‌اش] بر شما غالب شوند، سنگسارتان می‌کنند و نیز درباره مشرکان آمده است: (كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةَ)؛^۴ هرگاه آن‌ها بر شما چیره شوند، نه خویشاوندی و قرابت را ملاحظه می‌کنند و نه عهد و پیمان را.

بدیهی است غلبه در این‌گونه موارد، غلبه منطقی نیست، بلکه غلبه عملی و عینی است. به هر حال، صحیح‌تر این است که پیروزی و غلبه مذکور را، غلبه همه‌جانبه بدانیم؛ زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می‌باشد؛ یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر

۱. توبه: ۳۳.

۲. سمرقندی، بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۵ و اندلسی ابورحیان، البحر المحیط، ج ۵، ص ۴۰۸.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۸۷؛ طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۲۰۹ و خمینی (امام)، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۳۶.

۴. توبه: ۸.

۵. همان: ۹۰.

منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.^۱

آیه مذکور که عیناً و با همین الفاظ در سوره "صف" و با تفاوت مختصری در سوره "فتح" آمده است، واقعه مهمی را خبر می‌دهد که اهمیتهش موجب تکرار آن شده است؛ خبر از جهانی شدن اسلام و عالم‌گیر گشتن این آیین.

چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید:

وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَ أَقْتُلْهُ^۲؛ به خدا هنوز تاویلش نیامده است تا این که قائم عليه السلام ظهور کند و چون قائم عليه السلام ظهور کرد، کافری به خدای بزرگ باقی نماند و هیچ مشرکی به امام نباشد، جز آن که از ظهور او اکراه دارد؛ تا آن جا که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ فریاد کشد: ای مؤمن! در دل من کافری است؛ مرا بشکن و او را بکش.

در این خصوص در کتاب‌های تفسیری، نظیر نور الثقلین^۳، البرهان^۴، الصافی^۵، تاویل الآیات^۶، الصراط المستقیم^۷ و... در جهت تأیید مطلب مذکور، نکاتی از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است.

نزول حضرت عیسی علیه السلام و مسلمان شدن اهل کتاب

(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ^۸)؛ و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست، مگر این که به او [حضرت عیسی] قبل از مرگش ایمان می‌آورد.»
در تفسیر آیه دو احتمال وجود دارد که هر یک به جهاتی قابل توجه است:

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

۳. عروسی حوزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. بحرانی، برهان، ج ۴، ص ۳۲۷.

۵. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۶. استرآبادی، تاویل الآیات، ج ۲، ص ۶۸۹.

۷. بروجردی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۷۴.

۸. نساء: ۱۵۹.

احتمال اول: اگر در آیه ضمیر «موتّه» به «اهل کتاب» برگردد، این چنین معنا می‌شود: "هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر این که وی به مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ پیش از مرگ خود ایمان می‌آورد" و آن، هنگامی است که انسان در آستانه مرگ قرار می‌گیرد و ارتباط او با این جهان ضعیف و با جهان بعد از مرگ قوی می‌گردد؛ پرده‌ها از برابر چشم او کنار می‌رود و بسیاری از حقایق را می‌بیند و نسبت به آن آگاهی می‌یابد. در این موقع است که چشم حقیقت بین او، مقام مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ را مشاهده می‌کند و در برابر او تسلیم می‌گردد. آن‌ها که منکر او شدند، به او مؤمن می‌شوند و آن‌ها که او را خدا دانستند، به اشتباه خود پی می‌برند.

احتمال دوم: اگر در آیه ضمیر «موتّه» به "مسیح" برگردد، آیه این چنین معنا می‌شود: «و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر این که به مسیح قبل از مرگش (مسیح) ایمان می‌آورد.» پس منظور این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ پیش از مرگ او ایمان می‌آورند. یهودیان او را به نبوت می‌پذیرند و مسیحیان دست از الوهیت او می‌کشند و این، هنگامی است که مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ طبق روایات اسلامی در موقع ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گذارد و یهود و نصارا نیز او را می‌بینند و به او و مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایمان می‌آورند و روشن است که مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ به حکم این که آیینش به گذشته مربوط بوده است، وظیفه دارد در این زمان از آیین موجود، یعنی اسلام که مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مجری آن است، پیروی کند.^۱ بعد از ترجمه و تفسیر آیه و طرح دو احتمال، در صورت انتخاب احتمال دوم، بیان سه نکته قابل توجه است:

۱. ایمان آوردن اهل کتاب به اسلام: زیرا وقتی که یهودیان و مسیحیان به حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایمان می‌آورند و حضرت مسیح نیز به اسلام ایمان آورد؛ به‌طور طبیعی اهل کتاب به دین اسلام ایمان می‌آورند.

۲. عمومیت ایمان اهل کتاب به اسلام: عمومیت ایمان اهل کتاب به اسلام، از ترکیب آیه قابل برداشت است؛ زیرا بر اساس قواعد نحو، استثنای پس از نفی، بر عمومیت موضوع دلالت می‌کند. پس همه اهل کتاب در جهت پیروی از پیامبرشان، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به دین اسلام می‌گروند.^۲

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲. صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۵۲۱.

۳. رخداد موضوع در آینده: موضوع ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام به گذشته یعنی زمان ظهور دین مسیحیت مربوط نیست؛ زیرا در آیه مورد نظر، واژه «لیؤمنن» که فعل مضارع است بر آینده دلالت می‌کند؛ آینده‌ای که حضرت مهدی علیه السلام و آمدن حضرت عیسی علیه السلام را در ظرف خود دارد.^۱

در این خصوص یعنی در باره فراگیری اسلام و نفی ادیان یهودیت و مسیحیت علاوه بر آیات، روایات فراوانی از معصومان علیهم السلام نقل شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ... یُنْصَرُهُ بِآيَاتِهِ يُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُوراً وَ بُرْهَاناً يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ^۲؛ خدا او [=مهدی] را با آیات خویش یاری کرده و بر سرتاسر سرزمین مسلط می‌گرداند تا همگان در برابر او خواه ناخواه تسلیم شوند. [مهدی] زمین را با قسط و عدل و نور و برهان پر می‌کند. طول و عرض جهان به تسلط او در می‌آید و در روی زمین کافری نمی‌ماند، جز این که ایمان می‌آورد و شخص ناشایست نمی‌ماند، جز این که به صلاح و تقوا روی می‌آورد.

امیر مؤمنان علیه السلام در این روایت که فضای عصر ظهور را به تصویر کشیده است، به نکات ریز و دقیقی اشاره می‌کند مثلاً سیطره فراگیر و همه جانبه حکومت جهانی مهدی بر زمین و اهالی زمین که این سیطره و تسلط در دو مرحله اجرایی می‌شود: مرحله اول که بر اساس جبر و ضرورت اجتماعی صورت می‌گیرد و نتیجه آن فراگیری قسط و عدل و نورانیت و برهان در جامعه است. در مرحله بعد همین مؤلفه چهارگانه، یعنی قسط، عدل، نورانیت و برهان به صورت اختیاری بستر ایمان آوردن همه کافران و صالح شدن همه طالحان را فراهم می‌کنند. البته ایمان آوردن کافران و متدین شدن طالحان تنها به "اسلام" نیست؛ بلکه به خود امام زمان علیه السلام نیز تدین و ایمان پیدا کرده یعنی به مذهب "تشیع" ایمان می‌آورند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: فَوَاللَّهِ يَا مُفْضَلُ لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلَلِ وَ الْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِداً كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)^۳؛ به خدا سوگند، ای مفضل!

۱. شهر آشوب، مشابه القرآن و مختلفه، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

که اختلاف ادیان و مذاهب را از بین ببرد و فقط یک دین در سراسر گیتی حاکم می‌گردد؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده: به راستی دین نزد خدا اسلام است.

باز حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أُمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُرْكَاتَهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ^۱؛ چون قائم قیام کند، به عدالت داوری می‌کند و در زمان او ستم ریشه‌کن می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد و زمین برکت‌های خود را ظاهر می‌کند و هر حقی به صاحب حق بر می‌گردد و پیرو هیچ آیینی نمی‌ماند، جز این که به اسلام می‌گردد و به آن ایمان می‌آورد.

از روایات ذکر شده پیام‌هایی قابل برداشت است که برخی از آن پیام‌ها میان همه روایات مشترک است؛ نظیر صراحت در فراگیری اسلام و قطعیت در تحقق آن؛ یعنی همه روایات به فراگیری اسلام در دوران حکومت جهانی صراحت دارند. اما علاوه بر پیام‌های مشترک، تعدادی پیام‌های اختصاصی وجود دارند که برخی از روایات بدان اشاره می‌کنند؛ مثلاً از روایت اول برداشت می‌شود که امام زمان علیه السلام برای گسترش اسلام در سراسر جهان و نفی ادیان غیر اسلام از راه اعجاز وارد می‌شود «يُنْصَرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ» در این صورت؛ یعنی زمانی که موضوع با اعجاز بر مردم روشن شد، کسانی که به دنبال حقیقت و دین حق هستند، با دیدن معجزه به حضرت ایمان می‌آورند و کسانی که به رغم دیدن معجزه، از روی عناد و لجبازی به انکار حقانیت امام زمان علیه السلام و دین او اصرار می‌ورزند حضرت با آن‌ها شدیداً برخورد می‌کند: «حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً». اما پیام اختصاصی روایت سوم این است که پیروان ادیان دیگر نه تنها به اسلام می‌گروند، بلکه آن قدر حقانیت دین اسلام برای آن‌ها روشن می‌شود که به این گرایش اعتراف و به ایمان خود اذعان می‌کنند: «وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ».

رشد یافتگی مردمان عصر ظهور

انسان‌ها بر اساس مؤلفه‌های "فطری" به سوی دین حق گرایش دارند؛ از جمله امور فطری که وجه مشترک میان همه انسان‌ها بوده و در آن میان نژادها، ملیت‌ها، زبان‌ها، رنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف جغرافیایی، هیچ‌گونه تمایزی نیست؛ علاقه به دین، خصوصاً دین حق است:

^۱ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾^۱؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن؛ با همان سرشتی که خدا مردم را با آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست این همان دین پایدار است. با این که پذیرش دین حق جزء امور فطری است و باید همه مردم تن به دین حق داده و از آن پیروی کنند؛ چرا در طول تاریخ خلاف آن را می‌بینیم؟ یعنی دین‌های باطل یا غیر کامل، دارای طرفداران بسیاری که در موارد فراوانی از لحاظ کثرت از تعداد طرفداران دین حق نیز بیش‌تر هستند.

در پاسخ به پرسش بالا گفته می‌شود که دو عامل مهم و اساسی سبب عدم گرایش مردم به دین حق و یا عدم پذیرش آن می‌شود: جهل و نادانی و دیگری تعصب و جمود. در صورتی می‌توان انتظار داشت که مردم علاوه بر گرایش به دین حق، بدان تن داده و از آن پیروی کنند که اولاً، زمینه‌های رشد معرفت و عقلانیت آن‌ها فراهم شود و ثانیاً، با بسترسازی‌های مناسب، مردم به سوی از بین بردن آن دو عامل (جهل و تعصب) تشویق شوند. این مهم (رشد معرفت و عقلانیت مردم) در دوران نظام جهانی مهدوی اجرایی شده و با تدبیر و راهکارهای مناسب که از طرف نظام جهانی مهدوی ارائه می‌شود بسترهای جهل و تعصب از بین می‌رود. پس می‌توان با استناد به رشد معرفت و عقلانیت مردمان عصر ظهور و نیز از بین رفتن جهل و نادانی به نتیجه دلخواه رسید که همان فراگیری اسلام و از بین رفتن ادیان غیر اسلام است. در ادامه نوشتار فرآیند بحث را در قالب دو دلیل ارائه خواهیم کرد:

۱. رشد معرفت و از بین رفتن جهالت

عوامل مختلفی به عنوان راهنمای انسان در مسیر حرکت به سوی حق و حقیقت وجود دارند و انسان را به سوی انحرافات و گمراهی سوق می‌دهند؛ از جمله آن‌ها جهل و نادانی است که نقش آن در زمینه‌سازی انحرافات و گمراهی انسان، تأثیرگذار و اساسی می‌باشد. هر چه جهالت و نادانی بیش‌تر باشد، گمراهی بشر نیز بیش‌تر خواهد بود. در مقابل آن، معرفت و آگاهی قرار دارد. هر چه معرفت و آگاهی مردم بیش‌تر باشد، هدایت و احتمال نیل انسان به سوی حقیقت نیز بیش‌تر خواهد بود.

در پیامد منفی جهل و نادانی همین بس که علاوه بر انحراف‌سازی و گمراه کردن بشر، زمینه‌ساز نفوذ و وسوسه‌های شیاطین (اعم از انس و جن) در وجود انسان است. شیطان و

^۱ روم: ۲۵.

انسان‌های شیطان‌نما از جهالت و نادانی مردم سوء استفاده کرده و با گمراهی کردن مردم به دنبال خواسته‌های نفسانی خویش هستند.

بی شک اگر معرفت و شناخت مردم بیش‌تر باشد، نه تنها وسوسه‌های شیطانی در آن‌ها کارگر نمی‌افتد، بلکه مسیر حرکت آن‌ها به سوی هدایت و سعادت هموارتر می‌گردد و آنان برای رسیدن به حقیقت با مشکلات کم‌تری روبه‌رو خواهند شد.

لذا در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَيَّ قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ^۱؛ اگر شیاطین در اطراف قلوب فرزندان آدم دور نمی‌زدند، آن‌ها می‌توانستند ملکوت و باطن آسمان‌ها را نظاره‌گر باشند.» به همین دلیل، اولین شرط برای کسانی که می‌خواهند در مسیر هدایت قرار گرفته و حقیقت را بدون مانع ببینند، داشتن معرفت و بصیرت است؛ یعنی باید از لحاظ شناخت متعالی شده و جهل و نادانی را از وجود خود دور کرده تا چلچراغ هدایت و حقیقت‌شناسی در وجود آن‌ها روشن شود. پس میان مقوله «معرفت» با «حقیقت‌شناسی» رابطه متقابل برقرار است؛ یعنی معرفت، مساوی است با حقیقت‌یابی و حقیقت‌یابی جز از طریق معرفت حاصل نمی‌شود. به تعبیر دیگر، انسان بصیر و عالم زودتر به حقیقت و دین حق راه پیدا می‌کند تا انسان جاهل و غیر بصیر (اگر بتوان هدایتی برای انسان جاهل و غیر بصیر متصور شد).

علم و معرفت در عصر ظهور

از جمله تمایزات مردمان عصر ظهور با مردمان قبل از ظهور، این است که مردمان عصر ظهور به دلیل لیاقت و شایستگی به درجه‌ای رسیده‌اند که مسئله ظهور (که نقطه عطف تاریخی برای همه انسان‌هاست) در آن دوران رخ می‌دهد. لیاقت و شایستگی مردمان عصر ظهور دارای نشانه‌هایی است که یکی از آن‌ها، همان رشد و تعالی معرفت و آگاهی آنان است.

در این باره امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يُبْتَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ علم و دانایی از بیست و هفت حرف تشکیل شده است. همه آن‌چه پیامبران آورده‌اند، دو حرف می‌باشد و مردمان، بیش

^۱ رازی، تفسیر رازی، ج ۱، ص ۸۳.

^۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

از دو حرف علم تاکنون نشناخته‌اند. آن گاه که قائم قیام کند، بیست و پنجم حرف دیگر را ظاهر سازد و میان مردم گسترش دهد تا در مجموع بیست و هفت حرف گسترش پیدا کند. روایت مذکور که به صورت رمز و سمبلیک بیان شده، میان دوران قبل و بعد از ظهور مقایسه‌ای صورت داده است. این مقایسه، تاریخ هزاران ساله بشر و دوران همه انبیای الهی که تنها دو حرف از علوم بازگشایی می‌شود؛ اما در دوران بعد از ظهور بیست و پنج حرف از علوم بازگشایی می‌شود. در واقع با این مقایسه، تمایز دوره ظهور نسبت به قبل از آن به صورتی واضح ترسیم شده است.

در این زمینه از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده است: تَسْعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا؛^۱ نهمین [امام از فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام] قائم است که خداوند به دست او تاریکی زمین را نورانی و روشن می‌کند و او زمین را از عدل پر می‌کند، بعد از جور و از علم پر می‌کند، بعد از جهل و نادانی.

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه در خصوص ره‌آورد حکومت جهانی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام چنین می‌فرماید: أَلَا وَ إِنِّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ تَعْتَقَ [يُعْتَقَ رِقًّا وَ يَصْدَعُ شَعْبًا وَ يَشْعَبُ صَدْعًا فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ ثُمَّ لَيْشْحَدَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُعْبَثُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ]؛^۲ بدانید کسی [=یعنی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام] آن آشوبها را درک کند؛ در تاریکی آن فتنه‌ها با چراغی روشن [=نور امامت] راه خواهد رفت و به روش نیکان رفتار کند. در آن وضع بحرانی بندی را بگشاید و اسیری را [از بند جهل و نادانی] آزاد گرداند، و جمعیت گمراهان را پراکنده سازد و پراکندگی حق‌جویان را گرد آورد. او از نظر مردم پنهان می‌ماند و بیننده هر چند در پی او نظر اندازد، او را نمی‌بیند. پس گروهی پاک و ثابت و مهذب گردند، مانند شمشیری که آهنگر آن را صیقل دهد. دیدگان به نور قرآن روشن شود و تفسیر آن در گوش‌هایشان جایگزین گردد و جام حکمت را در صبح و شام به آن‌ها بنوشانند. واژه «غبوق» به معنای نوشیدن شراب در عصر^۳ و «صبوح» به معنای نوشیدن شراب در صبح می‌باشد.^۱

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۸۱.

نوشیدن حکمت در صبح و شام به این معناست که مردمان عصر ظهور در کل روز و شب حکمت و علم می‌آموزند. به تعبیر دیگر، به حدی علم‌آموزی فراگیر می‌شود که در همه ساعات، چه روز و چه شب، یعنی در همه شبانه‌روز مردم در حکمت و علم‌آموزی به سر می‌برند. نتیجه سخن این که مردمان عصر ظهور، به طور کلی مسلمان و غیر مسلمان دارای شاخصه‌های شایستگی و لیاقت و نیز دارای وصف معرفت و شناخت بوده و این اوصاف به منزله فرهنگ غالب و فراگیر در جامعه مهدوی نهادینه می‌شود. با وجود چنین شاخصه‌هایی است که نگرش مردم به دین حق تصحیح و تعمیق شده و گرایش آن‌ها به منظور پیروی از دین حق شدت پیدا می‌کند. در این فرآیند، با معرفت بخشی نظام مهدوی به مردم و ایجاد بسترهای معرفتی، به منظور گرایش آنان به سوی دین حق، زمینه‌های گرایش به ادیان محرف و منحرف کند شده و در نهایت مردم به وحدت دینی و عقیدتی که دین اسلام باشد، رسیده و آن را در نظام جهانی مهدوی احساس می‌کنند.

۲. رشد عقلانیت و از بین رفتن تعصب و عصیبت

در اسلام، «عقل» از جایگاه مهم و خطیری برخوردار است. بسیاری از اصول و مبانی اسلام، نظیر مبدأشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی بر اساس عقل اثبات و توجیه می‌شود. در قرآن نیز در آیات بسیاری ماده عقل و مفاهیم همسو با آن عنوان شده است و این آیات، انسان‌ها را به خردورزی و عقل‌گرایی و اندیشیدن و تفکر و تدبیر دعوت و آن‌ها را از قبول نظرها و باورها بدون حمایت و پشتوانه عقل نهی کرده است.

بی‌شک نقش و کارکرد عقل، نه تنها در اثبات و استحکام اصول و مبانی اسلام مهم است، بلکه در فروع و مبادی احکام نیز نقش آن غیر قابل کتمان می‌باشد. به تعبیر دیگر، عقل، هم در جهان‌بینی و هم در ایدئولوژی اسلام نقش محوری دارد.^۱

با بررسی قرآن کریم، ملاحظه می‌شود که این کتاب الاهی در بیش از سیصد آیه مردم را به تفکر و تذکر و تعقل دعوت کرده است؛ یا به پیامبر ﷺ استدلالی را از پیامبران و اولیای خود چون نوح، ابراهیم، موسی، لقمان، مؤمن آل فرعون نقل می‌کند. خداوند در قرآن (حتی در یک آیه) بندگان را امر نفرموده است که نفهمیده به قرآن یا به هر چیزی که از جانب او است، ایمان آورند یا راهی را کورکورانه بپیمایند.^۲

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰۴.

۲. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۱۹۰.

۳. طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۲۶۰.

علاوه بر قرآن، در روایات به طور مکرر و فراوان به جایگاه و نقش عقل در هدایت و تکامل انسان‌ها تأکید شده و سعادت و فلاح انسان‌ها را رهین عقل و عقلانیت دانسته است؛ چنان‌که در این باره رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «اسْتَرَشِدُوا الْعَقْلَ تَرَشِدُوا وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدُمُوا؛ از عقل راهنمایی بجوئید، تا راهنمایی شوید و از آن نافرمانی نکنید که پشیمان می‌شوید. نیز از امیرمؤمنان، علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ؛ از عقل تو را همین اندازه کافی است که راه را از بیراهه نشانت دهد.» بر اساس مطالب مذکور این پرسش مطرح می‌شود: منظور از رشد عقلانیت که تعصب و عصبیت را در میان انسان‌های عصر ظهور از بین می‌برد، چیست؟

برای رسیدن به پاسخ مناسب، لازم است نیم‌نگاهی به اقسام عقل، یعنی «عقل نظری» و «عقل عملی» و رشد آن در عصر ظهور داشته باشیم:

«عقل نظری» به نیرویی گفته می‌شود که در وجود انسان قرار داده شده و انسان به وسیله آن، به دنبال کسب معرفت و شناخت می‌رود. به تعبیر دیگر، عقل نظری از مقوله علم و معرفت است و با هست و نیست و بود و نبود اشیا سر و کار دارد و به وسیله آن نسبت به مبدا و معاد جهان‌بینی و معرفت حاصل می‌شود.^۳

«عقل عملی» در مقابل و به تعبیر درست‌تر مکمل عقل نظری است و موضوعات آن غیر از موضوعات عقل نظری است. عقل عملی درباره موضوعاتی بحث می‌کند که بر اساس اراده انسان شکل می‌گیرد؛ مانند بایدها و نبایدها، مسائل اخلاقی، حقوق فردی و اجتماعی و مقررات و نظام‌های بشری.^۴

پاسخی که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره چیستی «عقل» می‌دهد، در جهت مفهوم عقل عملی توجیه می‌شود: «مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل، چیزی است که به وسیله آن خدای رحمان عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید.»

روشن است در هر جامعه‌ای؛ چنان‌چه میان مردم، عبادت و بندگی خدا و نیز اخلاق نیک و صالح بیشتر باشد، عقل عملی آن جامعه بیشتر است. البته در جای خود ثابت می‌شود که

۱. سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱.

۳. جوادی آملی، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ص ۱۵.

۴. همان.

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱.

مردمان عصر ظهور از لحاظ عبادت و بندگی خدا و نیز دوری از گناه و معصیت، به حدی ارتقا پیدا می‌کنند که رشدیافتگی عقل عملی در میان آنان کاملاً هویداست و مظهر بروز و ظهور این قسم از عقل قرار می‌گیرند.

چنان‌که از مفهوم‌شناسی اقسام عقل به دست می‌آید، آثار عقل نظری، رشد جهان‌بینی، هستی‌شناسی، مبدأشناسی، فرجام‌شناسی و... است و آثار عقل عملی، رشد عبادت، تهذیب نفس، پرورش روح، رعایت بایسته‌های اخلاقی و در یک کلام رشد ایدئولوژی است.

امام باقر علیه السلام در مورد رشد یافتگی عقلی نظری در جامعه جهانی مهدوی می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ!»؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد تا خرده‌های آن‌ها بیش‌تر شده و فکرشان کامل گردد.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «و تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرَأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ!»؛ در زمان حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به همه مردم حکمت بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضاوت کنند.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در مورد رشد عقل عملی در نظام جهانی مهدوی می‌فرماید: وَ يَذْهَبُ الزَّيْنِي وَ شَرِبُ الْخَمْرِ وَ يَذْهَبُ الرِّبَا وَ يَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَ تُؤَدَّى الْأَمَانَاتُ وَ تَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَ يَبْقَى الْأَخْيَارُ. [در دوران بعد از ظهور] روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین برود و مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند. امانت‌ها را به‌خوبی رعایت می‌کنند، اشرار نابود و افراد صالح باقی می‌مانند.

در این زمینه امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال یکی از اصحابش می‌فرماید: عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ^۳ سبحان الله؛ مگر نمی‌خواهید که خدای تبارک و تعالی حق و عدل را در شهرها ظاهر سازد و همگان را به یک کلمه گرد آورد، دل‌های پراکنده و پریشان را الفت بخشد و مردم در روی زمین گناه و معصیت نکنند؟!

۱. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰.

۲. نعمانی، الغیبه نعمانی، ص ۲۳۹.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

موارد مذکور نمونه‌هایی از تعالی و رشد عقل نظری و عقل عملی انسان‌ها در دوران حکومت جهانی مهدوی است که می‌توان آن‌ها را به صورت برهانی و استدلالی چنین بیان کرد:

استدلال اول:

در جامعه مهدوی عقل نظری و عملی مردم ارتقا پیدا می‌کند؛ هر جامعه‌ای که عقل نظری و عملی در آن ارتقا پیدا کند، عصبیت جاهلی از آن جامعه رخت بر می‌بندد؛

پس، از جامعه مهدوی تعصب و عصبیت جاهلی رخت بر می‌بندد.

استدلال دوم:

در جامعه مهدوی عصبیت و تعصب جاهلی وجود ندارد؛ هر جامعه‌ای که در آن عصبیت وجود نداشته باشد، مردم به دین حق بیش‌تر گرایش پیدا می‌کنند؛

پس، مردم در جامعه‌ی مهدوی به دین حق (اسلام) بیش‌تر گرایش دارند.

رسالت ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه و رفتار خاص آن حضرت با مخالفان

بی‌شک رهبر نهضت جهانی در برخورد با مخالفان ابزار و مکانیزم خاصی را به کار می‌گیرد؛ ابزار و مکانیزی که در خدمت نهضت جهانی قرار دارد، کم‌تر در خدمت انبیا و اولیای الهی بوده است؛ زیرا انبیای گذشته به دلیل محدودیت در رسالت، از معجزات محدود و خاصی استفاده می‌کردند؛ اما امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نهضت جهانی او به دلیل برخورداری از شاخصه‌های انحصاری می‌طلبد؛ نظیر «آخرین نهضت الهی بودن»، «اولین و آخرین نهضت جهانی بودن»، «تحقق بخشیدن به بعثت همه انبیا» و «بشارت همه انبیا را به همراه داشتن». می‌طلبد بر اساس قانون تناسب و سنخیت از ابزار و وسایل متناسب و در خور که زمینه ساز تحقق بعثت همه انبیا و پیشبرد اهداف نظام جهانی را فراهم می‌کند، استفاده نماید. بر این اساس رهبر نهضت جهانی از همه ابزارها و اعجازها و امدادهای غیبی که در خدمت انبیا و اولیای الهی بوده است، استفاده می‌کند.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه در این باره می‌فرماید: «ما من معجزة من معجزات الانبياء و الاوصياء الا يظهر الله تبارك و تعالی مثلها علی يد قائمنا، لاتمام الحجة علی الاعداء^۱؛ هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا

^۱ حر عاملی، اثبات الهدی، ج ۵، ص ۳۲۸.

و اوصیاء نیست، مگر این که خداوند آن را در اختیار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار می‌دهد تا بر دشمنان اتمام حجت باشد.»

در این زمینه امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرَ مُوسَى وَ عَصَاهُ؛ هرگاه قائم ظهور کند، با پرچم رسول الله صلى الله عليه وآله و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی علیه السلام ظاهر گردد.»

و نیز از آن حضرت در این زمینه آمده است: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ... وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ؛ قائم به وسیله القای رعب در دل‌های مخالفان یاری می‌شود؛ زمین برای او جمع و گنج‌های آن ظاهر می‌شود؛ حکومت او به شرق و غرب عالم می‌رسد... و عیسی بن مریم از آسمان فرود آمده، پشت سر او نماز می‌خواند.

در این باره رسول اکرم صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «وَ لَأَسْحَرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحُ وَ لَأُدْلِنَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأُرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي؛ و بادهای او را به تسخیر او در آورده و ابرها را زیر پای او قرار می‌دهم. برترین ابزارها را در اختیار او گذاشته، با سپاه خود، او را یاری نموده، با فرشتگانم او را تأیید می‌کنم.

شایان ذکر است امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای پیشبرد نهضت جهانی و رسیدن به حکومت جهانی از دو روش «طبیعی» و «غیبی» استفاده خواهند کرد؛ یعنی به دلیل اهمیت نهضت جهانی و عظیم بودن آن، حضرت علاوه بر روش عادی و طبیعی، از روش غیبی و ماورایی بهره خواهند برد. البته این بهره‌گیری در نهضت مهدوی بطور یک‌سان صورت نخواهد گرفت، بلکه از سه حیث کمیت، تقدم و تأخر، و اصل و فرع از یکدیگر متفاوت خواهند بود؛ زیرا بر اساس داده‌های قرآنی و روایی، رخداد ظهور و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به آمادگی مردم و یاران عام و خاص منوط شده و نیز وقوع غیبت و پنهان زیستی حضرت متفرع بر عدم آمادگی مردم قلمداد گردیده است و همچنین روایات مختلفی به درگیری‌های شدید و مبارزات فراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با دشمنان اسلام در عصر ظهور اشاره کرده‌اند همه این‌ها به نوعی توجیه‌گر این مقوله هستند که رهبر

۱. نعمانی، الغیبه نعمانی، ص ۲۳۸.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱ ص ۳۳۱.

۳. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷.

نهیست جهانی در روش مبارزاتی خویش از لحاظ کمیت بیشترین استفاده را از روش‌های عادی و طبیعی می‌برد و نیز در جایی که حضرت می‌تواند از هر دو روش مبارزاتی طبیعی و غیبی استفاده ببرند، تقدم را به روش عادی خواهند داد؛ زیرا کاربرد و استفاده از اعجاز همیشه در موارد نادر خواهد بود؛ یعنی در جایی که اسباب عادی از کار افتاده و نمی‌توان از آن بهره گرفت؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ خدا خودداری فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد. پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داده است.»

پس رهبر نهضت جهانی در کاربست دو روش مبارزاتی، همیشه تقدم و اصالت را به روش عادی داده و بیشترین استفاده را نیز از این روش خواهد کرد.

نفی تقیه و قاطعیت امام زمان علیه السلام

از جمله تفاوت‌های رفتاری میان سیره امام مهدی علیه السلام با سیره معصومان گذشته علیهم السلام، رفتارهای قاطع و بدون ملاحظه امام زمان علیه السلام با مخالفان است؛ زیرا یکی از بسترهایی که مصلحت اندیشی و وجود ملاحظه را توجیه می‌کند، نبود قدرت خودی و وجود تهدیدهای غیر خودی نسبت به اصل دین و مذهب می‌باشد. با توجه به این که بعد از ظهور و تشکیل حکومت جهانی، قدرت و توانمندی نظام جهانی مهدوی به حدی پرگستره و پردامنه می‌شود که هیچ قدرت و نیرویی توان مقابله با چنین نظام جهانی را ندارد و برای هیچ افراد و گروهی امکان تهدید و آسیب زدن به آن وجود ندارد؛ رهبر حکومت جهانی در سیستم نظام حکومتی خویش، به طور کلی «تقیه» را مردود اعلام کرده و با دشمنان و معاندان هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نخواهد کرد. قابل ذکر است که از جمله باورهای مسلم اسلامی که ریشه قرآنی دارد^۱، «تقیه» است. تقیه در واقع نوعی تاکتیک، به منظور حفظ جان و مال مؤمن از دست دشمنان به‌شمار می‌آید؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ التَّقِيَةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ؛ تقیه سپر مؤمن و وسیله حفظ جان مؤمن است.»

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶.

۲ «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتًا وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ نباید مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند، او را با خدا رابطه‌ای نیست. مگر این که از آن‌ها بیمناک باشید و خدا شما را از خودش می‌ترساند که بازگشت به سوی اوست. «آل عمران: ۲۸.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۱.

تقیه قبل از آن که دستور اسلامی باشد، دستوری عقلی است. در همه دنیا معمول است که اقلیت‌های مجاهد و مبارز، برای واژگون کردن اکثریت خودکامه ستمگر و متجاوز غالباً از روش «استتار» استفاده می‌کنند؛ جمعیت زیرزمینی تشکیل می‌دهند؛ برنامه‌های سری دارند و با کتمان و مخفی کردن اعتقادات و اهداف خود به دنبال تحقق آن اهداف و برنامه‌ها در جامعه هستند. هیچ عقل و عاقلی اجازه نمی‌دهد که در این گونه شرایط، مجاهدانی که در اقلیت هستند، علناً و آشکارا خود را معرفی کنند و به آسانی از طرف دشمن شناسایی و نابود گردند. به همین دلیل تقیه قبل از آن که برنامه‌ای اسلامی باشد، نوعی روش عقلایی و منطقی است.^۱

با عنایت به این نکته که پیروان مذهب تشیع در طول تاریخ دارای مؤلفه‌هایی نظیر اقلیت، حقانیت و ناسازگاری با ظالمان و ستمگران بوده‌اند، بیش تر به موضوع تقیه و سری کاری التزام داشته‌اند. بر این اساس می‌بینیم امامان معصوم علیهم‌السلام نه تنها خودشان در جامعه و معاشرت با مردم، خصوصاً مخالفان، تقیه را در دستور کار خویش داشتند، بلکه به شیعیان و پیروان خویش نیز جهت حفظ جان و مالشان و کیان تشیع به تقیه و سری برخورد کردن با مخالفان توصیه می‌کردند.

نکته قابل ذکر، این که باورهای اسلامی از لحاظ برد زمانی به دو قسم «مطلق» و «مقید» تقسیم می‌شوند. باورهای مطلق باورهایی هستند که از نظر زمانی «مطلق» بوده و شارع آن را برای زمان نامحدود وضع کرده است. باورهای مقید باورهایی هستند که از نظر زمانی «مقید» بوده و شارع آن را برای زمانی مشخص و محدود وضع کرده است؛ نظیر تقیه. بر اساس آموزه‌های شیعه این باور به زمان خاصی محدود بوده و در همان محدوده زمانی قابل اجرا است؛ یعنی اگر تاریخ اسلام را به دو مقطع زمانی قبل از ظهور و بعد از ظهور تقسیم کنیم، تقیه به زمان قبل از ظهور تعلق دارد و تنها در آن زمان قابل اجرا است و بعد از آن که رهبر جهانی به اذن خدا از پس پرده غیبت بیرون آمد، زمان اجرای تقیه نیز و رهبر نهضت جهانی و مسلمانان، دیگر به تقیه عمل نمی‌کنند، بلکه با قاطعیت با مخالفان برخورد و آنان را به سوی پذیرش دین حق دعوت می‌کنند.

امام رضا علیه‌السلام درباره جایگاه تقیه و زمان اجرای آن می‌فرماید:

لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ وَ
أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ فَفِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۲۴.

هُوَ يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا؛ کسی که تقوا ندارد، دین ندارد و کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما در پیش خدا کسی است که بیش از دیگران تقیه را رعایت کند. گفته شد: ای فرزند پیامبر! تا به کی؟ فرمود: تا روز وقت معلوم که آن روز خروج قائم عجل الله فرجه ماست. هر کسی پیش از خروج قائم عجل الله فرجه ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.

همچنین در بیان سیره امام زمان عجل الله فرجه از امام صادق عجل الله فرجه سؤال می‌شود که آیا سیره حضرت همانند سیره امیر مؤمنان علی عجل الله فرجه است. حضرت می‌فرماید:

لَسِيرَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَأَنَّ خَيْرًا لَشِيْعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ إِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ سَبَيْتُ شِيْعَتَهُ قَالَ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي عَنْ الْقَائِمِ عجل الله فرجه يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قَالَ لَا إِنَّ عَلِيًّا عجل الله فرجه سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ لِمَا عَلِمَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِيهِمْ بِخِلَافِ تِلْكَ السَّيْرَةِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَةَ لَهُمْ؛ سیره و رفتار علی بن ابی طالب عجل الله فرجه در بین اهل بصره برای شیعیانش بهتر بود از تاییدن آفتاب بر آن‌ها. حضرت می‌دانستند که اهل بصره بعداً صاحب دولت می‌شوند؛ لذا اگر آن‌ها را اسیر می‌فرمود، بعدها نیز شیعیان حضرت اسیر آن‌ها می‌شدند. راوی می‌گوید: عرضه داشتیم: بفرمایید: آیا حضرت قائم عجل الله فرجه نیز به همین نحو عمل می‌فرمایند؟ حضرت فرمودند: خیر؛ علی عجل الله فرجه که بر اهل بصره منت گزاردند و متعرض آن‌ها نشدند، به خاطر این بود که آن حضرت می‌دانستند ایشان در آینده صاحب دولت می‌گردند؛ ولی حضرت قائم عجل الله فرجه می‌دانند که ایشان دولتی نخواهند داشت؛ لذا بر خلاف آن سیره با ایشان عمل می‌کنند.

بر اساس روایات مذکور، حضرت در برخورد با مخالفان شیوه خاصی را برگزیده و با قاطعیت تمام بدون هیچ‌گونه ملاحظه و تقیه‌ای با آنان برخورد می‌کنند و دین اسلام را در سراسر جهان می‌گسترانند.

نتیجه‌گیری

نتیجه این پژوهش، این است که در عصر ظهور و تشکیل حکومت جهانی، تنها دینی که در جهان گسترش پیدا کرده و همه انسان‌ها با اعتقادات و باورهای مختلف به آن ایمان می‌آورند، دین

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱

۲. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۰.

«اسلام» است و در نتیجه بساط ادیانی نظیر مسیحیت، یهودیت و زرتشت جمع شده و پیروان آن‌ها به دین اسلام ایمان می‌آورند. دلیل و شاهد این قضیه اولاً، آیات مختلفی از قرآن است که گویای گستردگی اسلام در جهان و غالب آمدن آن بر همه ادیان و نزول حضرت عیسی علیه السلام برای تسهیل این امر می‌باشد؛ ثانیاً، روایات مختلفی است که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت آمده و گویای اضمحلال همه ادیان غیر از دین اسلام و یک پارچگی همه مردم حول دین واحد به نام اسلام است؛ ثالثاً، رشدیافتگی معرفتی و عقلی مردمان عصر ظهور است که این، امری روشن و بر نقل و عقل مبتنی است. این رشدیافتگی باعث از بین رفتن جهالت و نادانی مردم از یک طرف و نابودی تعصب و عصبیت آن‌ها از طرف دیگر شده و زمینه وحدت عقیدتی و دینی فراهم می‌شود؛ رابعاً، رسالت ویژه‌ای است که امام زمان علیه السلام جهت پیش‌برد نهضت جهانی و تشکیل حکومت جهانی دارد که در تحقق این مورد با قاطعیت به نفی تقیه و جزیه پرداخته و همه مردم را ابتدا با قوه رحمانیه به اسلام دعوت می‌کند. غالب پیروان ادیان بدان پاسخ مثبت داده و مسلمان می‌شوند و افراد محدود و قلیلی که باقی می‌مانند، در صورت استنکاف و تعصب‌ورزی با قوه قهریه نظام جهانی روبه‌رو خواهند شد.

*قرآن کریم.

۱. ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۲. اندلسی ابوریحان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، دارالفکر، بیروت ۱۴۲۰ ق.
۳. انصاری، محمد علی، الموسوعة الفقهية الميسرة، مجمع الفكر اسلامي، قم ۱۴۲۰ ق.
۴. بحرانی، سید هاشم، برهان، بعثت، تهران ۱۴۱۶ ق.
۵. بروجردی، حسین، جامع الاحادیث الشیعه، منشورات مدینه العلم، قم، ۱۳۶۶ ش.
۶. بروجردی، سید حسین، الصراط المستقیم، انصاریان، قم ۱۴۱۶ ق.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۸. جوادی آملی عبدالله، فطرت در قرآن، اسراء، ج ۳، قم، ۱۳۷۱ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، اسراء، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. حر عاملی، محمد، اثبات الهدی، اعلمی، بیروت ۱۴۲۵ ق.
۱۲. حسینی استرآبادی، سید شریف الدین علی، تاویل الایات،، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، موسسه انتشارات میراث ماندگار، چاپ شانزدهم، قم، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار، دارالکتب الاسلامیه، قم ۱۳۷۳ ش.
۱۵. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر رازی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۱۶. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، موسسه الامام المهدی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. سمرقندی، نصرین محمد، بحر العلوم، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۸. سیوطی، جلالالدین، الدر المنثور، دار المعرفة بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۱۹. شهر آشوب، محمد، متشابه القرآن و مختلفه، انتشارات بیدار، بی جا، بی تا.
۲۰. صدر، محمد، تاریخ ما بعد الظهور، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. صدوق، محمد، علل الشرایع، انتشارات مکتبه الداوری، قم، ۱۴۲۱ ق.

۲۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۲۳. صفار، محمد، بصائر الدرجات، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ج ۲، قم ۱۴۰۴ق.
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، اسماعیلیان، قم ۱۳۷۱ش.
۲۵. طبرسی، احمد، الاحتجاج، مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ق.
۲۶. الطبری، محمد، دلائل الامامه، انتشارات رضی، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۷. طوسی، محمد، التبیان، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. عروسی حوزی، عبد علی، نور الثقلین، اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم ۱۴۱۵ق.
۲۹. عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۳۰. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۳۱. کلینی، محمد، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۳ش.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، اسلامیه، تهران بی تا.
۳۳. مفید، محمد، ارشاد، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، قم ۱۳۵۷ش.
۳۵. نعمانی، محمد، الغیبه نعمانی، نشر صدوق، تهران ۱۳۹۷ق.

بررسی تطبیقی آیه ۱۵۸ سوره انعام از دیدگاه فریقین

علی مؤیدی^۱

چکیده

در آخر آیه ۱۵۸ سوره انعام، از آمدن روزی در آینده امت خاتم خبر داده شده است که برخی از آیات الاهی در آن روز آشکار می‌شوند و افرادی که قبل از آن روز ایمان و یا عمل صالح نداشته‌اند، ایمان آوردن آنان در آن روز برای آنان سودی در پی نخواهد داشت. در مورد این بخش آیه سه قول مطرح است: قول مشهور فریقین، آن را در مورد "اشراط الساعه" می‌دانند؛ تعدادی آن را به "عذاب دنیوی" مربوط می‌دانند و برخی مفسران شیعی نیز آن را مربوط به "قیام حضرت مهدی علیه السلام" مرتبط می‌شمارند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که ارتباط این قسمت از آیه با قیام حضرت مهدی علیه السلام چگونه توجیه و تحلیل می‌شود؟ نظریه مختار، تلفیقی از هر سه قول است؛ بدین صورت که در آخرالزمان در زمان قیام امام مهدی علیه السلام برخی از آیات الاهی که از آن تعبیر به اشراط الساعه شده است، نمایان می‌شود و بر اساس سنت‌های الاهی، میان امت قضاوت دنیوی رخ می‌دهد که این داوری با نزول عذاب الاهی به منظور نابودی ظالمان و استخلاف صالحان با محوریت خلیفه خدا، همراه خواهد بود. نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

واژگان کلیدی: اشراط الساعه، آیات عذاب، قیام مهدی علیه السلام، عذاب استیصال، استخلاف صالحان.

^۱ دانش‌آموخته سطح ۴ مهدویت گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت. ایمیل: Alim313@chmail.ir

مقدمه

یکی از مؤلفه‌هایی که در معارف مهدویت مورد بحث است، بخش آخر آیه ۱۵۸ سوره انعام می‌باشد، با این مفاد که در آینده امت خاتم، برخی از آیات الاهی آشکار می‌شوند و افرادی که قبل از آن روز ایمان و یا عمل صالح نداشته‌اند، ایمان آوردن آنان در آن روز سودی برایشان نخواهد داشت. به عبارت دیگر، توبه آنان پذیرفته نمی‌شود. اکثر مفسران شیعه و سنی با توجه به روایات، این بخش آیه را به اشراف الساعه و نشانه‌های قبل از قیامت مربوط می‌دانند. برخی از مفسران فریقین و نیز برخی روایات شیعی، آن را به عذاب دنیوی و برخی دیگر از روایات شیعی و برخی مفسران شیعی نیز آن را به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مربوط می‌دانند.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که ارتباط این بخش از آیه با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چگونه توجیه و تحلیل می‌شود؟ لذا سؤالات فرعی که باید ذیل آن بررسی شوند تا به این سؤال پاسخ داده شود؛ این است که مراد از آمدن فرشتگان و پروردگار در عبارت ابتدایی چیست و با عبارت مذکور چه ارتباطی دارد؟ مراد از بعض آیات الاهی چیست و مصادیق آن کدام است؟ رابطه ظهور آیات الاهی با عدم پذیرش توبه و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و نیز ارتباط آن‌ها با عذاب دنیوی و استخلاف صالحان در زمین، چگونه تحلیل می‌شود؟

در مورد این آیه نوشتاری مستقل یافت نشد؛ ولی در تفاسیر فریقین، این آیه مورد بررسی قرار گرفته است که نوعاً آن را بر اساس روایات تفسیری، مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین در پژوهش‌هایی مورد پذیرش یا عدم پذیرش توبه در عصر ظهور نگاشته شده است، مانند مقاله «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و توبه‌پذیری»^۱؛ این آیه مورد بررسی محققان قرار گرفته است. امتیاز نوشتار پیش رو در آن است که با نگاهی جامع به آیات قرآنی و روایات، به مسئله پرداخته شده و میان اقوال مفسران و روایات، جمع و تنافی ظاهری آن‌ها را برطرف کرده است.

در این نوشتار، از روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی بهره برده شده است. ابتدا اقوال مفسران شیعی و سنی، در پنج قول تقسیم‌بندی شده؛ سپس مفاد روایات عامه و خاصه و نیز مفاد سوره انعام، مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز به منظور کشف نظریه مختار، از روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز تفسیر قرآن به روایات، بهره برده شده است.

۱. آیتی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و توبه‌پذیری، ص ۹.

(هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ)؛ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان [مرگ] به سراغشان آیند، یا خداوند [خودش] به سوی آن‌ها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: انتظار بکشید ما هم انتظار می‌کشیم!^۱

مستفاد از معنای آیه این که ای پیامبر! اینان به تو در حالت عادی و اختیار، به ایمان و انجام دادن عمل صالح روی نمی‌آورند. گویا منتظرند یکی از این امور سه‌گانه برای آنان رخ دهد، تا به ایمان و عمل صالح، روی بیاورند: آمدن ملائکه یا آمدن رب یا آمدن برخی آیات قاهره از جانب رب. بنابراین، مخالفان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، واقعاً منتظر وقوع چنین حوادثی نبودند؛ چون این سه حادثه؛ چنان که بیان خواهد شد، موجب هلاکت آنان می‌شود. پس اینان شبیه افراد منتظر هستند که وقوع این حوادث را به انتظار نشسته‌اند. در پایان آیه به همین دلیل به صورت تهدید آمیز آنان را به انتظار امر می‌کند، و خبر می‌دهد که جبهه حق نیز منتظر وقوع این رخدادها خواهد بود. از این‌جا معلوم می‌شود آیه شریفه متضمن تهدید جدی است، نه تهدیدی صوری، و استفهام در آن انکاری است، نه برای تحکم؛ چنان که تفصیل آثار و بیان حقایق در عبارت (أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ... فِي إِيْمَانِهَا)؛ بر جدی و حتمی بودن این امور دلالت دارد و با تحکم و تمسخر مشرکان و این که این آیات اقتراحی و معجزات درخواستی آنان باشد، سازگار نیست.^۲ بنابراین، می‌توان گفت: اموری که در آیه شریفه ذکر شده، قضاوت حتمی و حکم قطعی خداوند است، مبنی بر این که آنان را از بین برده، زمین را از لوث وجودشان پاک سازد؛^۳ چنان که خداوند متعال خبر می‌دهد از این که مردم به ایمان و استغفار در حالت عادی روی نمی‌آورند، مگر این که عذاب و هلاکت خود را مشاهده کنند: (وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا).^۴

^۱. انعام: ۱۵۸.

^۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۸۸.

^۳. همان، ص ۳۸۶.

^۴. کهف: ۵۵.

۱. مراد از آمدن فرشتگان

قول مشهور در شیعه و اهل سنت، که از مجاهد، قتاده و سدی نقل شده، این است که آمدن فرشتگان به جهت قبض ارواح معاندان و مخالفان است و قول دومی که احتمال داده‌اند، آمدن فرشتگان به جهت نزول عذاب بر معاندان است.^۱ قول اول به نظر صحیح‌تر می‌رسد؛ زیرا چنان‌که بیان خواهد شد، بخش آخر آیه به عذاب دنیوی مربوط است. پس این عبارت به امر دیگری مانند مرگ و هلاکت شخصی، مربوط خواهد بود. شاهد بر قول اول، برخی از آیات قرآنی است که ملائکه به جهت قبض ارواح کفار و تعذیب آنان حاضر می‌شوند: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَنفَخُونَ الْفُؤَادَ مِنَ الْأَشْمَاقِ يَخْرُجُ مِنْهَا شَرٌّ مُّكْرَمٌ وَيُدْبِرُ مِنْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾.^۲

۲. مراد از آمدن پروردگار

شیخ طبرسی می‌نویسد:

در مورد آمدن پروردگار اقولی بیان کرده‌اند: ۱. آمدن امر پروردگار نسبت به عذاب، بنابر حذف مضاف (قول حسن)؛ ۲. آمدن امر پروردگار در مورد قتل مخالفان (ابن عباس)؛ ۳. آوردن پروردگار آیات عظیمش را؛ ۴. آمدن هلاکت آنان از جانب پروردگار به واسطه عذاب عاجل یا أجل یا قیامت (زجاج).^۳

اما قول مشهور آن است که مراد از «آمدن رب»، آمدن بزرگ‌ترین آیات الهی در روز قیامت است؛ چنان‌که در آیات دیگر، آمدن رب از ویژگی‌های قیامت بیان شده است: (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا وَجِيءٌ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ) علامه طباطبایی می‌نویسد:

و مراد از آمدن پروردگار، آمدن قیامت است که روز ملاقات پروردگار است؛ زیرا آن روز، روز انکشاف تام و جلوه حق و ظهور توحید است. در آن روز دیگر حجابی بین او و بین مخلوقات نیست، چون شأن قیامت، همین است که پرده از روی حقیقت هر چیز بردارد. همین انکشاف و ظهور بعد از خفا، و حضور بعد از

^۱ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۹۸؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۲۶؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و

أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ج ۲، ص ۱۹۰ و آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۴، ص ۳۰۴.

^۲ انفال: ۵۰.

^۳ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۹۸.

^۴ فجر: ۲۲-۲۳.

غیبت، مصحح اطلاق آمدن خدا است. نه این که - العیاذ باللّه - آمدن او مانند آمدن دیگران، مستلزم اتصاف به صفات اجسام، بوده باشد.^۱

آلوسی نیز می نویسد: «مراد آمدن پروردگار در روز قیامت در سایبان هایی از ابر می باشد؛ چنان که خود خبر داد. این تفسیر را برگزیده اند: ابن مسعود، قتاده و مقاتل.»^۲ منظور آلوسی این آیه از قرآن است: (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ)^۳ و این دیدگاه را آیات سوره فرقان نیز تقویت می کند که خبر می دهد روز قیامت، آسمان شکافته می شود، و ابرهایی هم که روی آن را پوشانده نیز باز می شود، و ملائکه که ساکنان آسمانند، نازل می شوند، و کفار ایشان را می بینند: (وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا)^۴

۳. مراد از بعض آیات

۳-۱. قول اول: اشراط الساعة

قول مشهور مفسران شیعه و سنی این است که مراد از بعض آیات پروردگار، اشراط الساعة یا همان نشانه های قیامت است.^۵ فخر رازی و نظام الاعرج نیز، در این زمینه، ادعای اجماع کرده اند.^۶ قائلان به اشراط الساعة، خود بر سه دسته اند: دسته اول: مراد از «بعض آیات» را کلّ ده نشانه قیامت می دانند که در روایت پیامبر آمده است؛ دسته دوم: برخی از اشراط الساعة، سه علامت دجال، دابه و طلوع شمس از مغرب را بیان کرده اند؛ دسته سوم: فقط طلوع خورشید از مغرب را ذکر کرده اند.^۷

^۱. طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۸۶.

^۲. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۴، ص ۳۰۴.

^۳. بقره: ۲۱۰.

^۴. فرقان: ۲۵-۲۶.

^۵. مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۲۸۹؛ شعراوی، تفسیر الشعراوی، ج ۷، ص ۴۰۱۳ و بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ج ۲، ص ۱۹۰؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۸۲؛ طبرانی، التفسیر الکبیر: تفسیر

القرآن العظیم (الطبرانی)، ج ۳، ص: ۱۰۶.

^۶. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۴، ص ۱۸۸؛ نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۱۹۱.

^۷. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۴، ص ۳۰۴.

۲-۳. قول دوم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

برخی از مفسران شیعی، بر این باورند که مراد از آیات پروردگار، همان آیات و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و مراد از روزی که برخی آیات الاهی نمایان می‌شود، قیامت صغرا و روز ظهور ایشان است؛ زیرا اگر مراد، ظهور آیه در قیامت کبرا بود، نمی‌فرمود: «بعض آیات پروردگار»؛ چون قیامت، روز ظهور تمام آیات الاهی است، نه برخی از آن‌ها. پس ظهور برخی از آیات، جز قیامت صغرا که روز ظهور است، نخواهد بود. از این‌جاست که یکی از اسمای آن حضرت، «امام منتظر» است و دلیل دیگر آن است که فرمود: ایمان در آن روز سود نمی‌دهد؛ در حالی که در قیامت کبرا، ایمان و اسلام معنا ندارد، بلکه آن‌جا دار جزا است نه دار عمل. کفر و ایمان جز در قیامت صغرا، هنگام ظهور حضرت، معنا ندارد، هر چند ایمان سود ندهد.^۱

۳-۳. قول سوم: آیات مربوط به عذاب الاهی

برخی از مفسران شیعه این نظر را برگزیده‌اند که مراد از آیات، آیات عذاب است، آیاتی خارق العاده و مختص معاندان، مانند آنچه بر امت‌های سابق، نازل شده است: از قبیل طوفان، غرق، صیحه و مانند آن از مظاهر عذاب.^۲ هنگام نزول آنها، توبه سودمند نیست. چنان که خدای تعالی می‌فرماید: (فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُّؤُسُّ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ)^۳ از اهل سنت، ابن عاشور در این زمینه می‌گوید: مراد از آیه، آیه عذاب است از جمله آیات الاهی، آیاتی است که خداوند برای عموم مردم، قرار داده و آن، اشراف الساعه است و یکی از آنان طلوع خورشید از مغرب است که هنگام اذن به انقراض نظام عالم دنیوی، اتفاق می‌افتد.^۴

از سخنان ابن عاشور بر می‌آید که مراد از این آیات، همان نشانه‌های وقوع عذاب دنیوی است، وی اشراف الساعه و طلوع خورشید از مغرب را نیز از جمله آیات عذاب می‌داند. در واقع ایشان، بین آیات عذاب و اشراف الساعه، جمع کرده است.

۱. املی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲. فضل الله، من وحی القرآن، ج ۹، ص ۳۸۸؛ طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۵۴؛ صادقی تهرانی، البلاغ فی

تفسیر القرآن بالقرآن، ص ۱۵۰؛ حسینی همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳. یونس: ۹۸.

۴. ابن عاشور، تفسیر التحرير و التنویر، ج ۷، ص ۱۳۸.

مفاد روایات

۱. مفاد روایات اهل سنت

روایات عامه در مورد این بخش آیه فراوان است که به طور مختصر، مفاد برخی از آن‌ها از این قرار است:

۱. مراد از «آیه»، طلوع خورشید از مغرب است؛
۲. همه مردم ایمان می‌آورند؛ ولی برایشان سودی نخواهد داشت؛
۳. برخی از افراد امت، به میمون و خوک مسخ می‌شوند و نامه اعمال و نوشتن آن برجیده می‌شود؛
۴. طلوع خورشید از مغرب، اولین آیه است؛
۵. شب طلوع خورشید از مغرب، به اندازه دو یا سه شب طولانی می‌شود؛
۶. در واقعه طلوع خورشید از مغرب، با چرخش و جا به جایی قطب (شمال و جنوب) زمین، جای مشرق و مغرب زمین تغییر می‌یابد؛
۷. این آیات، پی در پی، در عرض شش یا هشت ماه رخ می‌دهند؛
۸. در برخی روایات نیز، پیامبر صلی الله علیه و آله، اشراط الساعة را عبارت از ده نشانه می‌داند: دخان، دجال، نزول عیسی علیه السلام خروج یاجوج و ماجوج، دابه، طلوع خورشید از مغرب، وقوع سه خسف در مشرق، مغرب و جزیره العرب، و آتشی از قعر عدن یا یمن که مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد.
۹. در روایتی نیز آمده است روزی که خورشید از مغرب طلوع می‌کند، همان «یوم الوقت المعلوم» و روز مرگ ابلیس است که به سجده و تضرع می‌افتد، و دابه الارض از صفا خارج می‌شود و ابلیس را به قتل می‌رساند.^۱

۲. مفاد روایات شیعی

۱. مراد از «آیات»، حضرات ائمه علیهم السلام و مراد از «آیه» مورد انتظار، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه است و روزی که توبه، پذیرفته نمی‌شود، روزی است که او قیام بالسیف می‌کند؛ هرچند آن شخص به پدران او علیهم السلام ایمان داشته باشد^۲؛

^۱ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۵۷-۶۲.

^۲ ابن بابویه، الإمامه و التبصره من الحیره، ص ۱۲۸ و ۱۰۱؛ ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸ و ۳۰ و ۳۳۶.

۲. منظور از آمدن آیات پروردگار، همان نزول عذاب الاهی در دنیا است؛ همانند عذاب امت‌های پیشین و مراد از آیه‌ای که با آمدنش توبه سود نمی‌دهد، طلوع خورشید از مغرب می‌باشد؛^۱
۳. مراد از آیات، طلوع خورشید از مغرب، خروج دابه الارض و دجال است؛^۲
۴. روزی است که خورشید از مغرب طلوع می‌کند و جنگ‌ها به پایان می‌رسند و همه ایمان می‌آورند؛ ولی ایمانشان سودی ندارد.^۳

بررسی سیاق سوره انعام

سوره انعام، یک‌جا در مکه نازل شده است.^۴ مفاد سوره انعام این است که اکثر افراد آخرین امت، مانند امت‌های پیشین، از دین خدا و کتاب آسمانی رویگردان هستند و بهانه‌آنان این است که می‌گویند: قرآن معجزه نیست و تقاضای آیات و معجزات متعدّد و متفاوت دارند و به همین علت، پیامبر را تکذیب می‌کردند و این امر، مایه‌ حزن پیامبر شده بود؛ در حالی که رسولان گذشته نیز تکذیب شدند؛ آنان در برابر مخالفان صبر کردند، تا این که نصرت الاهی و عذاب الاهی نازل شد و نیکان رها شدند و دشمنان دچار هلاکت گردیدند و این هلاکت تکذیب کنندگان، وعده و سنت تغییرناپذیر خداوند است. خداوند قادر است، آیت دیگری نازل کند؛ ولی نمی‌دانند که به ضررشان تمام می‌شود و موجب هلاکت آنان می‌گردد. ارائه آیات الاهی، در حیطة اختیارات رسول خدا نیست؛ زیرا منشأ آیات، عالم غیب و کلیدهای آن نیز منحصرأ در دستان پروردگار است. اگر به دست پیامبر می‌بود، به طور سریع آنان هلاک می‌گردند و روزی که برخی از آیات عذاب را مشاهده کنند، توبه آنان پذیرفته نمی‌شود، و دچار عذاب و هلاکت دنیوی می‌شوند. چنین روزی در آینده در امت خاتم خواهد آمد که با ظهور برخی از آیات الاهی، عذاب جهت هلاکت ظالمان نازل شده و صالحان نجات یافته، جانشین آنان در زمین خواهند شد و وارث زمین و منافع آن می‌گردند.

بنابراین، مفاد سوره انعام، با نظم و سیاقی واحد با مفاد آیه بسیار هماهنگ و مرتبط است و در این سوره میان ارائه آیات الاهی با عذاب استیصال و همچنین میان عذاب استیصال با استخلاف و جانشینی صالحان، پیوند برقرار شده است؛ زیرا صالحان از چنین عذاب‌هایی نجات

۱. ابن بابویه، التوحید (للمصدق)، ص ۲۶۶ و طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. عیاشی، التفسیر (تفسیر العیاشی)، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. کلینی، الکافی (ط-الإسلامیه)، ج ۵، ص ۱۰.

۴. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۲۷۸؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲ و

طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۵

یافته و جانشین گمراهان هلاکت یافته می‌شوند. بنابراین، مفاد سوره و خصوصاً آیه مذکور با استخلاف و وراثت صالحان و به تعبیر دیگر با «مهدویت»، ارتباط کامل دارد.

تبیین نظر مختار در مورد مفاد آیه

همان‌طور که ذکر شد، طبق نظر مشهور مفسران شیعه و سنی، آمدن فرشتگان، کنایه از قبض ارواح انسان‌ها توسط فرشتگان و مرگ و هلاکت شخصی است و آمدن پروردگار، کنایه از برپایی قیامت و مرگ کل موجودات است. اما آمدن برخی آیات پروردگار، کنایه از نزول عذاب استیصال و مرگ دسته‌جمعی ظالمان است؛ چنان‌که از کلام برخی مفسران شیعه و سنی و برخی روایات این مطلب دانسته شد. علامه طباطبایی در همین زمینه می‌فرماید:

استفهام در این آیه انکاری است در مقامی که موعظه سود نمی‌دهد و دعوت به حق مفید نمی‌افتد. بنابراین، می‌توان گفت: اموری که در آیه شریفه ذکر شده، قضاوت حتمی و حکم قطعی خداوند است به اینکه آنان را از بین برده، زمین را از لوٹ وجودشان پاک سازد.^۱

این آیه در مقام بیان ناامیدی از ایمان آوردن مخالفان به قرآن در حالت عادی است؛ همان‌طور که آیات سابق، در مقام بیان یأس از ایمان آنان، حتی در صورت مشاهده معجزات درخواستی و آیات قاهره پروردگار بود. پس مفاد آیه این است که مخالفان ایمان نخواهند آورد، مگر در سه حالت که مضطر شوند و حیات دنیوی خود را در خطر ببینند و هلاکت و عذاب را با چشم خود، مشاهده کنند؛ ولی چنین ایمان اضطراری، برای آنان سودی ندارد و پذیرفته نمی‌شود. آن سه حالت عبارتند از: ۱. روز آمدن فرشتگان قبض ارواح و مشاهده مرگ و هلاکت شخصی؛ ۲. روز ظهور ربّ و هلاکت کلی مخلوقات هنگام برپایی قیامت؛ ۳. روز ظهور برخی آیات ربّ و هلاکت کلّ منحرفان امت با نزول عذاب استیصال.

با توجه به این که فعل «اتیان» در هر مورد آمده است، فهمیده می‌شود که در مورد سه روز و سه حادثه متفاوت است، نه یک حادثه و روزی خاص. ولی این سه حادثه با یکدیگر، چند وجه اشتراک دارند؛ از قبیل: ۱. ایمان و تسلیم اضطراری؛ ۲. عدم مهلت و فرصت برای استمرار حیات؛ ۳. عدم پذیرش توبه.

دلیل دیگر بر این مدعا آن است که آیه از روزی در آینده امت خبر می‌دهد که برخی از آیات خارق‌العاده الهی در آن ظهور می‌یابند که یک ویژگی دارند و آن عدم نفع ایمان در آن روز است. این ویژگی، یکی از ویژگی‌های عذاب استیصال در آیات قرآنی است؛ چنان‌که فرمود:

^۱ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۸۶.

(فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ)^۱

پس مراد از آیات، معجزات اقتراحی و درخواستی مخالفان نیست؛ زیرا آوردن ایمان در صورت مشاهده معجزات اقتراحی، سودمند است و توبه، ایمان و عمل صالح، پذیرفته می‌شود؛ چنان‌که افرادی که از حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام ناچه درخواست کردند، پس از وقوع معجزه، فرصت ایمان و عمل صالح یافتند و وقتی ناچه را کشتند، دچار هلاکت شدند. بنابراین، مراد از «آیات» در آیه مذکور، آیات مربوط به عذاب است که موجب هلاکت می‌شوند و در نتیجه ایمان اضطراری و توبه پذیرفته نمی‌شود و معنای عدم نفع ایمان، این است که ایمان آوردن در چنین حوادثی موجب برطرف شدن عذاب الهی نمی‌گردد و به آنان مهلت و فرصت استمرار حیات، داده نمی‌شود. فقط ایمان قوم یونس، برایشان سود داد که قبل از وقوع عذاب و با دیدن نشانه‌های عذاب، توبه کردند و ایمان آنان، سودمند واقع شد و عذاب برطرف گردید و تا مدتی از حیات، بهره‌مند شدند: (فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ)^۲

خدای سبحان در آیات متعدد قرآن، از دو وعید عمومی و فراگیر امت، علاوه بر وعید شخصی مرگ، سخن گفته و مخالفان امت خاتم را نسبت به آن دو وعید، هشدار داده است: ۱. وعده عذاب استیصال، ۲. وعده قیامت: (حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَعْفُ جُنْدًا)^۳ قرار گرفتن وعده عذاب در مقابل وعده قیامت، گویای این نکته است که وعده عذاب به دنیا مربوط است.^۴ در آیه دیگر از عذاب استیصال به عذابی فراگیر که همه عاصیان را احاطه می‌کند، تعبیر شده است:^۵ (أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ)^۶ در آیه دیگر نیز، عذاب روز عقیق در مقابل قیامت بیان شده که گویای دنیوی بودن آن است: (وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ

۱. مؤمن: ۸۵.

۲. یونس: ۹۸.

۳. مریم: ۷۵.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۲۵.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۷۴.

۶. یوسف: ۱۰۷.

بَعْتَهُ أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ^۱) روز وقوع عذاب استیصال، عقیم و نازا است؛ چون آن روز برای کفار روز پایان است و روز دیگری به دنبال نخواهد داشت و فردایی از آن متولد نخواهد شد.^۲ پس این امت به طور کلی فقط سه روز الهی را به انتظار نشسته است: ۱. روز مرگ، ۲. روز عذاب استیصال ۳. روز قیامت. از طرفی، استیصال کفار با استخلاف صالحان تلازم دارد، پس روز استیصال کفار، همان روز استخلاف صالحان و یکی از مصادیق سه گانه «ایام الله» است.

۱. تبیین ارتباط ظهور آیات الهی با عذاب استیصال در قرآن

با این که قرآن معجزه است (چرا که کل جن و انس قادر به آوردن مثل آن نیستند^۳)؛ اکثر مردم به قرآن ایمان نمی آورند؛^۴ بدان بهانه که قرآن معجزه نیست و لذا تقاضای معجزات متعدد، می کردند.^۵ آن ها می پنداشتند ارائه آیات و معجزات الهی، تحت اختیار رسولان است؛ در صورتی که ارائه آیات الهی، تحت اختیار خداوند است و وظیفه و شأن پیامبران هدایت و هشدار به عذاب الهی است؛ نه آوردن آیات و عذاب: (وَقَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٍ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ)^۶. معاندان، در صورت تحقق آیات و معجزات الهی نیز، ایمان نخواهند آورد و فقط در یک صورت، ایمان می آورند و آن مشاهده عذاب الهی است: (إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ)^۷.

خداوند در پاسخ به آنان می فرماید: منشأ آیات الهی، عالم غیب و ملکوت است و تهدید می کند که منتظر باشید تا روزی آیاتش را از عالم غیب، هویدا سازد: (وَيَقُولُونَ لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ)^۸ آنچه از آیه استفاده می شود این است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منتظر رسیدن آیتی غیر قرآن بوده که حق را از باطل، جدا سازد، و بین آن

۱. حج: ۵۵.

۲. طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴، ص ۳۹۴.

۳. اسراء: ۸۸: (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهْمِرًا)

۴. اسراء: ۸۹: (وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا)

۵. همان: ۸۸-۹۳.

۶. عنکبوت: ۵۰.

۷. یونس: ۹۶-۹۷.

۸. همان: ۲۰.

جناب و بین امتش، داوری کند.^۱ به بیان دیگر، این آیت برای مخالفان، هلاکت و عذاب الاهی را به همراه خواهد داشت.

در جای دیگر نیز در پاسخ به درخواست و تعجیل کفار، در مورد ظهور آیات الاهی، می‌فرماید: به‌زودی آیات الاهی، ارائه خواهند شد: (خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)^۲

اما ظهور آیات الاهی، مستلزم وقوع قضاوت الاهی میان صالحان و ظالمان امت است و نتیجه داوری الاهی این می‌شود که اهل باطل، دچار خسارت گردند؛ یعنی مشمول عذاب استیصال می‌شوند، و این وعده الاهی بر این امت، حتمی است؛ خواه در زمان حیات رسول خاتم^{صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} باشد و یا پس از وفات ایشان: (فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّئَنَّكَ فَالِئِنَّا يَرْجِعُونَ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ)^۳ مراد از آیه در این‌جا، آوردن معجزه توسط رسول به منظور تأیید رسالت و یا معجزات اقتراحی و درخواستی مخالفان نیست؛ چون ارائه این‌گونه آیات، فقط در زمان حیات رسولان معنا دارد؛ ولی آیه مذکور، ممکن است در حال وفات رسولان نیز ارائه شود.^۴ بلکه مراد آیتی است که به جهت نصرت حق و قضاوت میان امت، نازل می‌شود. و مراد از آمدن امر خدا، «امر عذاب» است که موجب خسارت اهل باطل می‌شود؛ چون در دنیا به عذاب دنیوی و در آخرت نیز به عذاب ابدی، گرفتار می‌شوند.^۵

این تعبیر یعنی نشان دادن برخی از وعده‌ها در حال حیات یا ممات به رسول خاتم^{صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ}، در آیات متعدد در مورد عذاب دنیوی آمده است: (وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ وَ إِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّئَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا... وَ سَيَعْلَمُ

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۴.

۲. انبیاء: ۳۸.

۳. غافر: ۷۷-۸۵.

۴. صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۲۵، ص ۴۹۰.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۸۲.

الْكَفَّارُ لِمَنْ عُتْبَى الدَّارُ»^۱ از این آیات فهمیده می‌شود که اولاً ارائه آیه، اجل و وقت معینی دارد؛ دوم، اجل ممکن است اجل معلّق و مشروط و نوشته شده در لوح محو و اثبات باشد و یا اجل مسماً و محتوم و نوشته شده در لوح محفوظ؛ سوم، ارائه آیه حتمی است؛ ولی ممکن است در زمان حیات پیامبر، بلکه پس از وفات ایشان، آورده شود؛ چهارم، حسابرسی الهی همان‌طور که در آخرت حتمی است، در دنیا نیز جریان خواهد داشت^۲؛ پنجم، ارائه آیه با حسابرسی دنیوی و عذاب استیصال تلازم دارد و ششم، این‌ها همه مقدمه و اگذاری عاقبت دنیا به صالحان است.

مشابه این تعبیر در سوره یونس نیز آمده است که سنت قضاوت دنیوی در امت خاتم همانند امت‌های پیشین تا اجل امت به تأخیر می‌افتد و با نزول عذاب استیصال، همراه خواهد بود:^۳ (وَ إِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ... وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ فَجُذِبُوا بِالنَّفْسِطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ... لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَا ذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ)^۴

از این رو در پایان سوره یونس تأکید می‌کند که منحرفان این امت نیز گویا منتظر روزی همانند ایام هلاکت امت‌های سابق هستند. پس منتظر چنین روزی باشند که ما هم منتظر چنین روزی هستیم تا آنان را هلاک کنیم و مؤمنان را نجات بخشیم: (فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ)^۵ در آیه مورد بحث گذشت که خدای سبحان کفار را با لحن تهدیدآمیز، وعده داد که منتظر آمدن روزی باشند که برخی آیات الهی را مشاهده کنند، ما هم منتظر چنین روزی، خواهیم بود. این آیه هشدار می‌دهد که کفار منتظر مشاهده ایام پیشینیان، یعنی روز وقوع عذاب استیصال هستند، و ما هم منتظر چنین روزی خواهیم بود. از جمع این دو آیه و این اختلاف تعبیر فهمیده می‌شود روزی که آیات الهی نمایان شوند، همان روز وقوع عذاب استیصال در امت خاتم است؛ چون به‌طور کلی این امت، سه روز الهی را انتظار می‌کشند: روز مرگ، روز

^۱ رعد: ۳۸-۴۲.

^۲ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۷۸.

^۳ همان، ج ۱۰، ص ۷۰-۷۵.

^۴ یونس: ۴۶-۵۵.

^۵ همان: ۱۰۲-۱۰۳.

قیامت و روز عذاب استیصال. پس روز ظهور برخی آیات الهی، باید با یکی از این سه روز که تناسب بیش‌تری دارد و آیات قرآن نیز به آن، دلالت داشته باشد، منطبق شود؛ چنان که در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام روز ظهور برخی آیات، با عذاب استیصال تطبیق داده شد.^۱

۲. تبیین ارتباط عذاب استیصال طالحان با استخلاف و وراثت صالحان در زمین

عذاب استیصال منحرفان، استخلاف و وراثت صالحان را در پی خواهد داشت؛ زیرا سنت الهی این است که آنان را از عذاب نجات می‌دهد و جانشین هلاکت یافتگان در زمین قرار می‌دهد؛ چنان که در قوم نوح علیه السلام و هود علیه السلام این چنین بود: (فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا)^۲، «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ... وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابِ غَلِيظٍ»^۳ و چون چنین عذابی در این امت، قطعی است، پس وعده وراثت و استخلاف صالحان در این امت، نیز با نزول عذاب، محقق می‌شود.

علامه طباطبایی، ذیل آیه ۴۴ سوره ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

جمله (وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ)؛ انذار مردم به عذاب استیصال است که نسل ستمکاران را قطع می‌کند و در تفسیر سوره یونس و غیر آن این معنا گذشت که خدای تعالی در امت‌های گذشته و حتی در امت محمدی این قضا را رانده که در صورت ارتکاب کفر و ستم، دچار انقراضشان می‌کند و این مطلب را بارها در کلام مجیدش تکرار نموده است و روزی که چنین عذاب‌هایی بیاید، روزی است که زمین را از آلودگی و پلیدی شرک و ظلم، پاک می‌کند و دیگر به غیر از خدا، کسی در روی زمین، عبادت نمی‌شود؛ زیرا دعوت، دعوت عمومی است و مقصود از امت هم، تمامی ساکنین عالمند و وقتی به وسیله عذاب انقراض، شرک ریشه کن شود، دیگر جز مؤمنین، کسی باقی نمی‌ماند. آن وقت است که دین هر چه باشد، خالص برای خدا می‌شود؛ هم‌چنان که فرموده: (وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)^۴،

۱. ابن بابویه، التوحید (للمصدق)، ص ۲۶۶ و طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للمطهری)، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. یونس: ۷۳.

۳. هود: ۵۷-۵۸.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

با توجه به آیات متعدد قرآن و سخن علامه، عذاب استیصال در این امت قطعی است و با استخلاف و وراثت صالحان، تلازم دارد. از طرفی این امر، در هر امت، یک مرتبه رخ می‌دهد. پس روز عذاب استیصال در این امت که با ظهور آیات عذاب، از قبیل طلوع خورشید از مغرب حاصل می‌شود؛ در ایام قیام قائم عجله، خواهد بود و روایاتی که طلوع خورشید از مغرب را نشانه حتمی ظهور بیان داشته‌اند، شاهد و مؤید این سخن است.^۲ در غیر این صورت، پس از استخلاف صالحان در زمان ظهور، پس از سالیان طولانی، دوباره باید شاهد بود که جامعه پُر از ظلم و فساد شود، تا زمینه نزول عذاب با طلوع خورشید از مغرب، فراهم گردد و صالحان نجات یافته، وارث زمین شوند و تعدد قضاوت دنیوی و استخلاف، امری باطل و برخلاف اجماع امت است و با محکمت قرآنی و روایی نیز که می‌گویند: پایان جهان از آن اهل تقوا و اهل صلاح است، منافات دارد. بنابراین طلوع خورشید و سایر آیاتی که از اشراف الساعه شمرده شده‌اند، با قیام قائم عجله، تنافی و فاصله ندارند.

۳. محوریت خلیفه خدا در عذاب استیصال و استخلاف صالحان

از آیات قرآن دانسته می‌شود که از جهات مختلف، نقش اصلی و محوری در استخلاف صالحان بر عهده خلیفه خدا در زمین است و بدون خلیفه خدا و درخواست او، استخلاف در زمین ممکن نیست. سنت الاهی در امت‌های پیشین این بوده است که نصرت حق و غلبه حق بر باطل، پیروزی مؤمنان بر دشمنان و خاتمه یافتن نزاع بین آنان و داوری الاهی بین آنان، با درخواست خلیفه خدا، نسبت به عذاب منحرفان و نجات صالحان، صورت می‌گرفته است. چنان که در قوم نوح عجله چنین رویکردی تحقق یافت: (قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ثُمَّ أَعْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ) ^۳ در قوم شعیب نبی عجله نیز داوری الاهی بین امت و نزول عذاب الاهی با درخواست ایشان واقع شد:

^۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۸۲-۸۳.

^۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۵ و شیخ مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۷۱: «عَنْ أَبِي حَمْرَةَ السَّمَاوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجله إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عجله كَانَ يَقُولُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمُخْتَوِمِ وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمُخْتَوِمِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْمُخْتَوِمِ...»

^۳. شعراء: ۱۱۷-۱۲۰.

(رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ... فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ^۱)

بر این اساس جریان سنت استخلاف صالحان و هلاکت منحرفان در امت آخرالزمان نیز با محوریت خلیفه خدا و دعای او رقم خواهد خورد: (أَمَّنُ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ^۲) در این آیه سخن از فرد مضطری است که دعایش مورد اجابت الاهی قرار می‌گیرد و نتیجه این اجابت، برطرف شدن موانع سد راه جانشینی مؤمنان و استخلاف آنان در زمین می‌باشد که با توجه به سنت الاهی در استخلاف صالحان، این شخص مضطر باید خلیفه خدا در زمین باشد. روایات نیز بر این مطلب صحه می‌گذارند که با دعای حضرت مهدی عج استخلاف صالحان در امت خاتم، حاصل می‌شود.^۳ همچنین سنت الاهی هنگام نزول عذاب این است که مؤمنانی که با خلیفه خدا معیت و همراه باشند، از نجات عذاب پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، علت اصلی نجات مؤمنان، همراهی با خلیفه الاهی است و خدای سبحان به حرمت او، آنان را نجات می‌دهد و نجات آنان فرع نجات اوست: (فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ مَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ^۴)

از اینجا سر اختلاف تعبیر در روایات ذیل آیه مذکور، مشخص می‌شود، چون در یک روایت آمد که روز ظهور بعض آیات ربّ، روز وقوع عذاب الاهی، همانند امم پیشین است و در روایت دیگر آمد که روز قیام قائم عجل الله فرجه است. همچنین راز این روایت نیز آشکار می‌شود که فرمود: «إِيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْمَوْتِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۵ این روایت مبتنی بر آیات قرآنی، خصوصاً آیه مورد بحث است؛ زیرا روز آمدن فرشتگان، همان روز مرگ است، و روز آمدن ربّ، همان روز قیامت است، و روز ظهور برخی آیات رب، همان روز عذاب استیصال است که ایام قیام قائم عجل الله فرجه است؛ چون استیصال کفار با استخلاف صالحان تلازم دارد و استیصال کفار در زمان ظهور و قیام

۱. اعراف: ۸۹-۹۱.

۲. نمل: ۶۲.

۳. "قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عجل الله فرجه وَ هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ فِيهِ: «أَمَّنُ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ.» فِيهِ نَزَلَتْ وَ لَهُ" (الغیبه للنعمانی، النص، ص ۱۸۲). و نیز نگاه کنید (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۲۵ و تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، ص: ۳۹۹).

۴. اعراف، آیه ۷۲.

۵. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۸.

حضرت یا به دست اصحاب ایشان صورت می‌پذیرد و یا با نزول عذاب الاهی؛ چنان که سپاه سفیانی با خسف و فرو رفتن در زمین، نابود می‌شود.

سنت الاهی این است که نزول عذاب استیصال، به جهت نصرت مؤمنان نازل می‌شود: (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ)^۱. در این آیه انتقام از مجرمان را مصداق نصرت مؤمنان بیان داشته است. پس روز قیام قائم ﷺ و نزول عذاب، برای مؤمنان رحمت است و برای مخالفان، نقمت. روز آمدن فرشتگان و رب نیز چنین است.

تحقق استخلاف صالحان در زمین با نزول عذاب استیصال و محوریت خلیفه خدا، امر جدیدی نیست، بلکه سیره مستمر الاهی در طول تاریخ است؛ چنان که در قوم نوح، عاد، ثمود، شعیب و غیره این چنین بوده است و استخلاف در این امت نیز مشابه استخلاف در امت‌های مذکور است:^۲ (وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)^۳.

۴. مصادیق آیات عذاب

بر اساس مطالبی که بیان شد، مراد از «بعض آیات ربّک»، آیات مربوط به عذاب است؛ یعنی امور و حوادثی خارق العاده که منشأ آن عالم غیب و ملکوت است و ظهور آن آیات، عذاب ظالمان این امت را به دنبال دارد. لذا چون ظالمان، هلاکت خود را بالعیان می‌بینند، ایمان و توبه آنان پذیرفته نیست. آیاتی که در متون روایی شیعه و سنی ذیل آیه مذکور آمده نیز تأیید می‌کنند که این آیات، معجزات مؤید رسالت یا معجزات اقتراحی نیستند، بلکه آیات مربوط به عذاب ظالمان امت هستند؛ از قبیل دخان، خروج یاجوج و ماجوج، نزول عیسی ﷺ، دجال، وقوع سه خسف در مشرق، مغرب و جزیره العرب، خروج دابه الارض و خروج آتشی از یمن. نیز مدعای ما را تقویت می‌کنند مبنی بر این که آیات مذکور، آیات عذاب هستند. برخی از این‌ها منشأ قرآنی دارند و به آنان تصریح شده است:

۱. عذاب به واسطه خروج دابه الارض:^۴ (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ)؛

^۱. روم: ۴۷.

^۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۵۱.

^۳. نور: ۵۵.

^۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۹۵.

۲. عذاب به واسطه دخان: (فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ)؛^۲

۳. خسف و فرو رفتن در زمین: مانند خسف سپاه سفیانی: ^۳ (أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ

يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ)؛^۴

۴. خروج یاجوج و ماجوج: (وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ

وَمَا جُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا

وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ)؛^۵

۶. نزول عیسی صلی الله علیه و آله: (وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ

شَهِدًا)؛^۷

از مجموع روایات شیعی و سنی بر می آید که میان اشراف الساعه و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

فاصله و یا تنافی وجود ندارد؛ چنان که بر اساس دیدگاه فریقین، نزول عیسی، دابه الارض، طلوع

خورشید از مغرب و خروج دجال از اشراف الساعه، محسوب می شوند. در عین حال، این نشانه‌ها

در زمان قیام مهدی علیه السلام آشکار می شوند.^۸ البته لزومی ندارد که همه مصادیق اشراف الساعه در

زمان قیام ایشان رخ بدهد؛ ممکن است برخی در آستانه قیامت اتفاق بیافتد. سخن این است که

برخی از اشراف الساعه، قطعاً در زمان قیام حضرت، آشکار می شوند؛ چنان که خود قیام ایشان

یکی از مصادیق اشراف الساعه است. همان گونه که قرآن تصریح می کند، برخی از نشانه‌های

قیامت، مانند بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، واقع شده است: (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ

جاءَ أَسْرَاطُهَا)؛^۹

۱. نمل: ۸۲.

۲. دخان: ۱۰-۱۱.

۳. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۱۸.

۴. نحل: ۴۵.

۵. انبیاء: ۹۵-۹۷.

۶. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص: ۵۸۴؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۲۴۱.

۷. نساء: ۱۵۹.

۸. کوفی، تفسیر فرات الکوفی؛ ص ۱۳۸؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۷.

۹. محمد: ۱۸.

نتیجه گیری

بر اساس مجموع آنچه گفته شد، معاندان، قرآن را به عنوان معجزه، قبول نداشتند و معجزات و آیات الهی را تقاضا می کردند. خدای سبحان در پاسخ می فرماید: اگر همه آیات الهی را هم ببینند، ایمان نمی آورند و هشدار می دهد که اینان به ایمان و عمل صالح اقدام نمی کنند، مگر در سه صورت: ۱. مشاهده مرگ شخصی و ملائکه عذاب؛ ۲. مشاهده قیامت و مرگ کل موجودات؛ ۳. مشاهده برخی آیات عذاب و هلاکت ظالمان. خداوند هشدار می دهد که آیات عذاب، در آینده، واقع خواهند شد؛ پس منتظر چنین روزی باشید و آن، زمانی است که خداوند متعال، میان امت، قضاوت عادلانه، خواهد کرد. لذا آیاتش را از قبیل طلوع خورشید از مغرب، دابه الارض و نزول عیسی ارائه می کند، و ظهور این آیات، مستلزم نزول عذاب استیصال برای نابودی ظالمان، کفار و منافقان است و با هلاکت آنان، زمین و امکانات آن را که در دست آنان بوده است، به صالحان منتقل می کند تا وعده وراثت ارض به صالحان محقق شود و صالحان جانشین و جایگزین هلاک یافتگان در زمین گردند. نیز سنت خدای سبحان این است که این امور با محوریت خلیفه اش صورت می گیرد. استخلاف صالحان و عذاب ظالمان، در صورت دعا و درخواست او محقق می شود و کسانی اهل نجات خواهند بود که به او ایمان داشته باشند و او را همراهی کنند. با این بیان روشن شد که بین روایات ذیل آیه تعارضی نیست و قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» نیز با این بیان محقق شد و این تحلیل مطابق آیات فراوان است که ما به سبب اختصار به برخی از آن ها پرداختیم. خود حضرت مهدی علیه السلام نیز، آیه الهی است؛ چرا که او با داشتن عمری بیش از هزار سال، جوان است، پس ایشان یکی از بزرگ ترین آیات الهی است که برای صالحان آیت رحمت و برای ظالمان، آیت عذاب است، لذا در صورت قیام به سیف، ایمان و توبه آنان پذیرفته نمی شود؛ زیرا از ظهور تا قیامت، مخالفان، فرصت توبه داشته اند. اگر بخواهیم میان روایات و آیات قرآنی، جمع کنیم، به نظر می رسد، پس از شروع قیام مسلحانه حضرت مهدی علیه السلام با مخالفان، در ادامه، با توجه به قدرت باطل و داشتن تسلیحات کشتار جمعی، جبهه حق، به نصرت ویژه الهی یعنی نزول عذاب، جهت پیروزی بر دشمنان، نیاز پیدا می کند. نکته ای که باید متذکر شد، این است که با توجه به آیات قرآن و روایات، فقط در ایامی که عذاب الهی، نازل می شود و یا قیام به سیف صورت می گیرد، توبه پذیرفته نیست؛ ولی پس از قیام یا تمام شدن عذاب، تکلیف، ایمان و عمل صالح، همچنان ادامه خواهد داشت. نتیجه نهایی از این آیه این می شود که آیه قطعاً با مهدویت و ظهور منجی در آخرالزمان مرتبط است.

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للصدوق)، بی‌نا، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، ۳۰ جلد، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۶. آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، ۷ جلد، نور علی نور، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق.
۷. آیتی، نصرت الله، امام مهدی و توبه پذیر، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳، سال اول، پاییز ۱۳۸۶.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۹. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸ جلد، لطفی، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بی‌تا، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۶ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، ۱۲ جلد، اخبار الیوم، اداره الکتب و المكتبات، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۱ م.

۱۴. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱ جلد، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰ جلد، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه (للطوسی) / کتاب الغیبه للحجة، بی تا، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. _____ التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۹ ق.
۲۱. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴ جلد، اسلام، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، ۲ جلد، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ۲۵ جلد، دار الملائک، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الکتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الإسلامیه)، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۱ جلد، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳۲. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۶ ق.

مهدویت، کلان‌آرمان انقلاب اسلامی و الزامات فرهنگی آن در اندیشه امام خامنه‌ای

حسن ملایی^۱

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، از اهمیت ممتازی برخوردار است؛ اما سؤال این است که «کلان‌آرمان» این انقلاب چه بوده و برای حفظ و استمرار انقلاب اسلامی در جهت تحقق اهداف عالی، چه الزاماتی را باید رعایت کرد؟ این پژوهش، با محور قرار دادن اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده است که اولاً، مهدویت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه آرمان‌گایی انقلاب اسلامی ایران است و ثانیاً، برای زمینه‌سازی این آرمان مقدس و دستیابی به آن باید به الزاماتی فرهنگی، از قبیل توجه مستمر به آرمان مهدویت، جهاد فرهنگی برای زمینه‌سازی ظهور، انتظارمحوری در سبک زندگی، عدالت‌گستری در همه سطوح و تربیت انسان‌های صالح منتظر، ملتزم بود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، آرمان، مهدویت، انتظار، وظایف منتظران، آیت‌الله خامنه‌ای.

^۱ دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا، ایمیل:

مقدمه

انقلاب اسلامی در ایران، همانند همه انقلاب‌هایی که در طول تاریخ و در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته است، برای دستیابی به هدفی بزرگ بوده و انقلابیان نیز به شوق رسیدن به آرمان‌های ویژه تمام سختی‌ها را به جان خریدند. آنچه بیش از خود انقلاب اهمیت دارد، استمرار آن انقلاب در مسیر آرمان تعیین شده و تهیه سازکاری برای عدم انحراف از هدف بزرگ خود است و بدیهی است که این موضوع میان باورمندان به انقلاب اسلامی ایران نیز مورد دغدغه و توجه جدی است. سؤال مهم این است که آرمان انقلاب اسلامی ایران چیست و لازمه حرکت مستمر به سمت این آرمان، مستلزم رعایت کدام بایسته‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است؟

جایگاه زعامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حضور مستمر و جهادی ایشان در فرایند انقلاب اسلامی از آغاز تا شکل‌گیری حکومت اسلامی و نیز بیانات منطقی، منظم و حکیمانه، انگیزه دستیابی به این سؤال در اندیشه‌های ایشان بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه سخنان مقام معظم رهبری در منابع مختلفی - از جمله در کتاب‌ها و سایت‌های مربوط به معظم له - وجود دارد؛ با موضوع این مقاله، پیشینه قابل توجهی نمی‌توان یافت که به صورت تحلیلی سخنان معظم له را مورد کاوش قرار داده باشد. پژوهش پیش رو که نوآوری آن در همین انسجام بخشیدن و تحلیل سخنان امام خامنه‌ای برای رسیدن به پرسش مذکور است، در یافتن پاسخ به این پرسش در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است تا همه معتقدان به انقلاب اسلامی، با آگاهی به آن و التزام به آرمان انقلاب اسلامی، به استمرار حرکت انقلاب در قالب جمهوری اسلامی تا رسیدن به آن، کمک کنند. برای پاسخ به پرسش مطرح شده، تلاش شده است تا مجموعه بیانات رهبر معظم، به ویژه سخنان ایشان مربوط به مهدویت مورد توجه قرار گرفته و به روش توصیفی - تحلیلی از داده‌های کتابخانه‌ای، به این پژوهش، پاسخ‌های مستندی ارائه شود.

آرمان

«آرمان» در لغت فارسی به معنی آرزو و کمال مطلوب^۱ بوده و در زبان انگلیسی تقریباً به همین معنا به کار می‌رود.^۲ به بیانی دیگر، آرمان، بیش‌تر به هدفی گفته می‌شود که کم‌ترین عیب و نقص را داشته باشد و به همین جهت در نزد عرف، معمولاً دست‌نیافتنی است. امروزه از چنین

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه آرمان.

۲. آراسته‌خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، ص ۶۱.

تعریفی با واژه «ایده» و مکتب مرتبط با آن به ایدئالیسم (Idealism) یا آرمان‌گرایی یاد می‌شود. در حقیقت، ایده، یعنی تصورات ذهنی (حسی، خیالی یا عقلی) و ایدئالیسم، یعنی روش و مسلک کسانی که فقط تصورات ذهنی را واقعی دانسته و به وجود جهان مستقل از ادراک قائل نیستند. همین معنا به صورت اصطلاح، در فلسفه و در آثار افلاطون، به ویژه در بحث آرمان‌شهر دیده می‌شود؛ چرا که وی آن را به اعتبار یکی از معانی واژه ایده، یعنی نمونه و مثال، در مورد یک سلسله حقایق مجرد یا همان مثل به کار برد.^۱

آنچه درباره این تعریف از آرمان، قابل ذکر است، این که طبق این تعریف، آرمان‌گرایی (ایدئالیسم) در مقابل واقعیت‌گرایی (رئالیسم) قرار دارد^۲ و این درست همان نکته مهمی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با آن مخالف بوده و از این مخالفت می‌توان چنین استنباط کرد که ترجمه ایدئالیسم به آرمان‌گرایی از منظر ایشان، صحیح نیست؛ چنان که به صراحت می‌فرماید: بعضی‌ها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر این‌ها، واقع‌بینی نقطه مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیت‌ها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدف‌های بلند می‌تواند واقعیت‌ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد؛... این خودش بزرگ‌ترین واقعیت و قانون زندگی است.^۳ چنان که برخی اندیشمندان علوم تربیتی نیز در ترجمه ایدئالیسم، به جای آرمان‌گرایی واژه تصورگرایی یا پندارگرایی را برگزیده‌اند.^۴

نتیجه آنکه آنچه از واژه «آرمان» در این نوشتار مقصود است، همان معنایی است که مقام معظم رهبری در بیانات گوناگون، از آن قصد می‌کنند که عبارت است از «اهداف والایی که قابلیت تحقق خارجی دارد.»^۵

الزامات فرهنگی

مراد از «الزامات»، بایسته‌هایی است که در صورت تعهد به اجرای آن‌ها، رسیدن به هدف مطلوب، میسر خواهد شد. در مورد الزامات تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی که مورد بحث این

^۱ ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، ج ۶ ص ۷۸.

^۲ گاهی ایدئالیست در ادبیات روزمره به فردی اطلاق می‌گردد که استانداردهای بسیار بالا دارد؛ در حالی که ممکن است این استاندارد با توجه به شرایط، غیر واقعی یا غیر قابل دسترس باشد. از این رو، ایدئالیسم را می‌توان با مفهوم پراگماتیسم یا عمل‌گرایی متضاد دانست.

^۳ بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

^۴ ابراهیم‌زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸، ص ۷۶.

^۵ برای آگاهی از دیدگاه ایشان برای نمونه به بیانات ایشان در دیدار دانشجویان به تاریخ ۱۳۹۲/۵/۶ مراجعه شود.

نوشتار است، به دلیل آن که تحقق این آرمان‌ها به فراهم بودن بایسته‌های مختلفی، از جمله بایسته‌های فرهنگی، بستگی دارد؛ این پژوهش به بررسی این بُعد می‌پردازد. قابل ذکر است که در تفکرات مقام معظم رهبری «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است.»^۱ بنابراین، مراد از الزامات فرهنگی، بایسته‌هایی است که در زمینه مسائل فرهنگی (باورها، ارزش‌ها، رسوم و عادت‌ها) باید به آن ملزم بود تا بخش فرهنگی آرمان‌های انقلاب اسلامی محقق گردد.

انقلاب اسلامی و لزوم توجه به آرمان‌های آن

پدیده انقلاب اسلامی در ایران، رخداد مهمی بود که نه تنها ایران که جهان را به شدت تحت تأثیر قرار داد و زنگ خطری برای همه مترفان و مستکبران در داخل و خارج از کشور بود. بنابراین، طبیعی است که مراکز زر و زور در مقابل این پدیده موضع‌گیری کنند و تمام تلاش خود را برای از بین بردن آن به کار اندازند. از طرفی دیگر اعتبار این انقلاب به تحقق وعده‌هایی است که رهبران آن داده‌اند و این امر میسر نمی‌شود، مگر این‌که این نهال بتواند به درخت تنومندی تبدیل شود و آن‌گاه همگان از میوه‌های شیرین این شجره طیبه برخوردار گردند. از این رو، حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی از اضمحلال و انحراف، از اولین و اصلی‌ترین وظایف ملت انقلابی ایران محسوب می‌شود. این نکته هم در بیان حضرت امام خمینی دیده می‌شود:

مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند.^۲

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره فرمود:

بار سنگین حفظ این امانتِ الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و آرزوی همه اولیا و ائمه بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبرا و ولایت

^۱ بیانات در حرم مطهر رضوی ۱/۰۱/۱۳۹۳.

^۲ خمینی (امام)، صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۱۵۳.

عظمای حضرت بقیه‌الله فی‌الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد.^۱

این نکته را باید در نظر داشت که مراد از حفظ و استمرار جمهوری اسلامی، معنای معقول آن است؛ زیرا برای استمرار انقلاب اسلامی سه معنا می‌توان اراده کرد: اول آن که همان‌گونه که مردم در وقوع انقلاب حضور داشتند، باید با جبران کمبودها و فراهم کردن مقتضیات، تا رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی، در صحنه باشند؛ دوم آن که مردم در مقابل دسیسه‌های همه کسانی که با وقوع انقلاب اسلامی منافع آنان از بین رفته و به همین دلیل در صدد از بین بردن پشتوانه مردمی انقلاب در نسل‌های بعدی هستند؛ همواره هوشیار بوده و از فعالیت‌های نرم دشمنان انقلاب اسلامی جلوگیری و فعالیت‌های فرهنگی آن‌ها را خنثی کنند.

مطابق سومین برداشت از معنای استمرار انقلاب، که غیر قابل قبول می‌باشد، رهبران و زمامداران هر انقلابی، پس از آن که نظام سابق را سرنگون ساختند و خود بر اریکه قدرت تکیه زدند، اهتمامشان همه مصروف حفظ وضع موجود می‌شود، روحیه انقلابی‌شان به روحیه محافظه‌کاری جای می‌سپرد و عزمشان بر ایجاد دگرگونی‌های اساسی، کلی و فراگیر سستی می‌پذیرد. اهداف و مقاصد انقلاب، آهسته‌آهسته فراموش می‌شود و انقلابیان دیروز و حاکمان امروز، کسانی را که هنوز شور و گرمای انقلاب را در دل و جان دارند، به تندروی، خیال‌پردازی، آرمان‌گرایی غیر واقع‌بینانه و عدم توجه به مسایل و مشکلات موجود و محدودیت‌هایی که نهاد حکومت و سیاست در میدان تغییر اجتماعی دارد، متهم می‌کنند و به این ترتیب، پا جای پای نظام سابق می‌گذارند.^۲

بنابراین، مراد از استمرار انقلاب اسلامی توجه به دو معنای اول و مراقبت از معنای انحرافی سوم است که تبیین آن در ادامه خواهد آمد.

اهمیت آرمان شناسی انقلاب اسلامی و مصادیق آن

عنوان «انحراف» در مورد یک انقلاب، زمانی صدق می‌کند که هدفی در نظر گرفته شود و در مقایسه با آن هدف، گفته شود که این حرکت از مسیر آن هدف دور شده و به آن مقصد نمی‌رسد. در مورد انقلاب اسلامی نیز باید همین معیار را لحاظ کرد؛ یعنی باید نخست آرمان آن را شناخت و آن‌گاه بر اساس آن، به استقامت یا انحراف انقلاب اسلامی حکم داد. بنابراین، تا آرمان انقلاب اسلامی شناخته نشود، صحبت از استمرار یا انحراف جمهوری اسلامی سخنی

^۱ بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵.

^۲ مصباح یزدی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۱۸۴-۱۸۵.

علمی نخواهد بود. مرجع مفسر شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز بنیانگذار آن، یعنی حضرت امام خمینی و شاگرد و خلف صالح او، امام خامنه‌ای است که به مقتضای این نوشتار از بیانات مقام معظم رهبری بیش‌تر بهره خواهیم برد. توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی آن‌قدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب، آن را یکی از شاخصه‌های انقلابی‌گری بر شمرده و فرمودند: «شاخص دوم، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همّت بلند برای رسیدن به آن‌ها که آرمان‌های انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همّت برای رسیدن به آن‌ها داشته باشیم.»^۱ پر واضح است که تا آرمان‌های انقلاب شناخته نشود، همتی برای رسیدن به آن وجود نخواهد داشت. بحث آرمان‌خواهی کارکردهای دیگری نظیر شوق‌افزایی و در نتیجه تسریع حرکت انقلاب اسلامی به سمت اهداف نیز دارد؛ کما این‌که رهبر انقلاب فرمودند: «آنچه که موجب شوق به پیشرفت و حرکت در ملت‌ها می‌شود، آرمان‌ها هستند.»^۲

به دلیل اهمیت شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی برای نقد و فهم میزان صحت حرکت جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف و به ویژه با جوانان، برخی از مصادیق اهداف انقلاب اسلامی را بیان کردند؛ ایشان در جمع تشکل‌های انقلابی، ضمن آن‌که اعضای این تشکل‌ها را به توجه دائمی به آرمان‌ها دعوت و به مواردی از آرمان‌های انقلاب اسلامی اشاره کردند و رسیدن به جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه پیشرفته، جامعه مؤمن، جامعه متعبد، جامعه مرفّه، جامعه متحد، جامعه قوی و مستحکم و جامعه مستقل را از این موارد برشمرند.^۳ در بیانی دیگر ایشان حاکمیت اسلام و موارد دیگری را مورد توجه قرار می‌دهند و آن را از هدف‌های درجه اول انقلاب می‌دانند و البته ریز اهدافی همچون آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی فرهنگ غرب را نیز در همین جهت بر می‌شمارند.^۴ در برخی از مقاطع زمانی نیز ایشان عناوین «کلی‌تر»ی را به عنوان هدف آرمان انقلاب اسلامی معرفی می‌فرمایند. به عنوان نمونه ایشان فرمودند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد»^۵ و

۱. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۲. دیدار برگزیدگان جشنواره مالک اشتر با فرمانده کل قوا، ۱۳۹۶/۹/۱۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.

۴. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶.

۵. همان، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

یا تعبیر «حیات طیبه» را به عنوان آرمان انقلاب معرفی کردند: «آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، حیات طیبه است.»^۱

علاوه بر همه این موارد، مقام معظم رهبری در سال‌های متمادی به «مهدویت» به عنوان آرمانی کلان دیگری پرداخته و آن را نه تنها موتور و پشتوانه انقلاب اسلامی، بلکه غایت و آرمان انقلاب اسلامی دانسته و بیان کردند: «ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت‌ها و روش‌هایی داریم. این روش‌ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجه است... غایت، جامعه آرمانی مهدوی است.»^۲ ایشان به شدت معتقد هستند که ملت انقلابی ایران باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت و به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه که تمام عالم را خواهد گرفت هم خود نزدیک شده و هم دیگر انسان‌ها را نزدیک کنند.^۳ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به صراحت آینده انقلاب اسلامی را به ظهور امام زمان این چنین گره زدند: «انقلاب، پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواهد کرد.»^۴

در بخش‌های دیگری از سخنان مقام معظم رهبری نیز می‌توان به صورت التزامی، همین نکته را نتیجه گرفت؛ آن‌جا که ایشان استقرار عدالت را در گستره عالم هدف انقلاب اسلامی می‌دانند و در برداشت خود از مبارزات ملت، انگیزه آن‌ها را چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن، این می‌دانند که حرکت همگی به سوی آرمان بشریت، یعنی «عدالت فراگیر» بوده است.^۵ بدیهی است از آن‌جا که چنین آرمانی به وسیله حکومت مهدوی محقق می‌شود، باز می‌توان آرمان انقلاب اسلامی را مهدویت دانست.

نظم‌بخشی آرمان‌های جمهوری اسلامی بر محور کلان‌آرمان مهدوی

اگر بخواهیم در مورد آرمان‌های انقلابی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جمع‌بندی منطقی برسیم، باید هدف غایی و آرمان نهایی انقلاب اسلامی را «مهدویت» و «ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه» دانست، اما رخداد ظهور در منظومه فکری مقام معظم رهبری نیازمند آمادگی‌ها و زمینه‌سازی‌هایی است که برای رغبت عمومی به حکومت مهدوی - که یکی از زمینه‌های ظهور

^۱ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۶/۲۵.

^۲ خامنه‌ای (امام)، در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳.

^۳ همان، ج ۳، ص ۲۵۱.

^۴ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.

^۵ بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

است- و نیز تحقق دعای: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ»^۱ می‌باشد، باید تلاش‌هایی را در سطح جامعه انجام داد و طبعاً تشکیل حکومت برای حاکمیت اسلام در جهت همین نگاه است؛ اما کار به این‌جا تمام نمی‌شود و تشکیل حکومت، تنها قدرت و پشتوانه‌ای برای کارها و الگوسازی‌های بعدی است. از این رو ایشان معتقدند ایجاد تمدن جدید اسلامی و تحقق حیات طیبه را به عنوان یک هدفی کلان در جمهوری اسلامی باید نگاه کرد. پس از این چینش و نظم منطقی، سایر موضوعات در بیانات ایشان در باب اهداف جمهوری اسلامی، نظیر، عدالت، معنویت، اقتصاد و رفاه دیده می‌شود که همگی در همین قالب قابل ارزیابی است.

الزامات فرهنگی اعتقاد به کلان‌آرمان بودن مهدویت در جمهوری اسلامی

نباید به صرف معرفی مهدویت و انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه به عنوان کلان‌آرمان انقلاب اسلامی بسنده کرد، بلکه این شناخت، مسئولیت‌ها و لوازمی را با خود خواهد داشت که به مهم‌ترین آن‌ها در سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌شود:

۱. آرمان مهدویت، کانون توجه مستمر همگان

توجه دائمی به کلان‌آرمان مهدویت و عدم فراموشی آن در مسیر تلاش برای اهداف دیگر انقلاب از بایسته‌های فرهنگی و غیر فرهنگی است که توده مردم و مسئولان نظام اسلامی باید آن را مورد نظر قرار دهند و این همان نکته مهمی است که امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نیز به آن توجه داشته و دیگران را متوجه آن کردند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند؛ خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.^۲

۱. طوسی، مصباح‌المتجهد، ج ۲، ص ۵۸۱.

۲. خمینی (امام)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

عبارات متعددی در سخنان رهبر معظم انقلاب نیز وجود دارد که ایشان همگان را به این امر مهم متذکر شدند. ایشان مسئله «انتظار» را از کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام می‌دانند.^۱ رهبر انقلاب در بین شاخص‌هایی که در بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی کردند، شاخص دوم را در این دانستند که ملت از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند هرگز منصرف نشده و در مقابل فشارها تسلیم نگردند، چرا که نتیجه رضایت به وضعیت موجود برگشت به عقب خواهد بود.^۲

مقام معظم رهبری علاوه بر آن که در جلسات عمومی، همگان را به مهدویت و زمینه‌سازی ظهور به عنوان آرمان بزرگ توجه داده‌اند؛ در نشست‌هایی که با مسئولان کشور داشته‌اند، بدون تصریح به مقوله مهدویت، تمرکز بر آرمان جمهوری اسلامی را اولین وظیفه مجموعه مسئولان دانستند که باید در همه تصمیم‌گیری‌ها و همه اقدام‌ها در نظر گرفت. اگر این تأکید را در کنار دیدگاه‌های دیگر ایشان قرار دهیم، در این صورت، بررسی منظومه فکری مقام معظم رهبری این نکته را ثابت می‌کند که رمز و معیار پیشرفت در جمهوری اسلامی، «آرمان مهدویت» است و لزوم اهتمام مدیران نظام به آرمان‌های انقلاب در بیانات مختلف ایشان را باید در همین سمت و سو مورد تفسیر قرار داد با آن‌جا که به روشنی فرمودند:

اهتمام جدی به آرمان‌های دینی و الهی و تعهد انقلابی لازمه پیشرفت واقعی کشور است و این موضوع باید در همه عرصه‌های کشور، اعم از اقتصاد، سیاست، کار علمی، اداره کشور و گزینش مدیران مورد توجه ویژه قرار گیرد.^۳

۲. جهاد فرهنگی برای آرمان ظهور

بر اساس آموزه‌های دینی، آرمان مهدویت نباید در حد حرف و شعار باقی بماند، بلکه باید آن را در متن فعالیت‌ها و رفتارها به جریان انداخت و طبعاً این مهم نیازمند فعالیت‌های فرهنگی به صورت جهادی است. این خود نکته مهمی است که مقام معظم رهبری به آن توجه می‌دهند:

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد، یعنی به عنوان

۱. ملایی، ما منتظریم، ص ۱۵۹.

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۳. دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۱۰/۱۳.

یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن. نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن، عمل بیاید.^۱

بررسی مفهوم‌شناسانه انتظار حکومت مهدوی نیز نشان دهنده آن است که پیشوایان دین، انتظار را نه تنها شوق درونی که آن را از جنس عمل دانسته و فرمودند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲ در همین جهت اقدام عملی در مسیر آرمان مهدویت را آمادگی و زمینه‌سازی ظهور باید معنا کرد و این همان نکته‌ای است که امام خامنه‌ای در بیانات مهدوی خود به صراحت این نکته را به مسئولان و مردم گوشزد کرده و فرمودند:

با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم‌به‌قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست؛ اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** زمینه‌های ظهور مهدی موعود **عَلَيْهِ السَّلَام** را فراهم خواهد کرد.^۳

این تصریحات معظم له درباره تلاش‌گری برای فراهم کردن زمینه‌های ظهور با خود لوازمی دارد که مهیا نمودن زمینه‌های فرهنگی از اهم آن‌ها است.

۳. حاکمیت اخلاق منتظرانه در رفتار مردم و مسئولان

آرمان مهدویت در جهت هدف انبیای الهی است که خدای متعال درباره آن‌ها می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛^۴ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

اما باید دانست که اخلاق رسولان الهی یکی از ابزارهای معنوی ایشان در مسیر دستیابی به هدف الهی آن‌ها بوده است بر این اساس، جامعه‌ای که آرمان حکومت مهدوی را در افق اندیشه خود دارد، نمی‌تواند نسبت به مقوله اخلاق بی‌تفاوت باشد. امام خامنه‌ای در یکی از دیدارهای خود در این باره چنین فرمودند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلیقات نیکو،

۱. ملایی، ما منتظریم، ص ۳۰۹.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۳. ملایی، ما منتظریم، ص ۱۹۸.

۴. صف: ۹.

نمی‌تواند به هدف‌های والای بعثت پیامبر دست پیدا کند.^۱ این سخن برخاسته از روح حاکم بر دین و احادیث مهدوی معصومان علیهم‌السلام است و گویای آن است که اخلاق محوری در امتداد انتظار امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چنان که امام صادق علیه‌السلام در این زمینه فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛^۲ هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد، باید به انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزکاری و خلق نیکو رفتار کند و اوست منتظر، پس اگر اجلس برسد و امام قائم پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش کسی است که آن حضرت را دریافته باشد.

۴. جریان فرهنگ انتظار در سبک زندگی عموم و کارگزاران

داشتن آرمان مهدویت در عصر غیبت با انتظار محوری، ملازمه دارد و آن آرمان انتظار ویژه‌ای می‌طلبد و این انتظار به همه رفتارها در همه ارتباطات انسانی نظامی می‌بخشد که به آن «سبک زندگی منتظرانه» گویند و هدف آن زمینه‌سازی برای آرمان ظهور است. وقتی وارد مقوله سبک زندگی می‌شویم، دیگر داشتن اخلاق فردی کافی نیست، بلکه باید نگاهی کلان به اخلاق داشته و با عدم محدودیت آن به جنبه‌های فردی (همان طور که از متون دینی نیز قابل استنباط است) برای اخلاق اجتماعی و سیاسی نیز سهم زیادی قائل شویم. به دلیل توجه به همین نکته است که مقام معظم رهبری در سخنی قابل توجه فساد اخلاقی و اقتصادی مسئولان در فعالیت‌های سیاسی و جمع‌آوری ثروت توسط کارگزاران حکومت را فاجعه‌بار خوانده و در سخنانی مبسوط می‌فرماید:

قانون‌دان‌های قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخم‌ها و دالان‌های تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند؛ اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود علیه‌السلام کاملاً منافات دارد.^۳

^۱. بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶.

^۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

^۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلائی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

ایشان در ادامه همین بیانات پس از آن که همه مسئولان بلندپایه دولتی را به مبارزه با این فسادها مکلف دانسته، پاکدامنی را شرط مبارزه می‌دانند و لزوم ورود شجاعانه دستگاه قضا را در صورت کوتاهی حتمی می‌دانند. ایشان سوء استفاده از قدرت و ثروت را در کشور امام زمان علیه السلام جرم دانسته و فرمودند:

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است، فریب و حيله‌گری برای جلب آرای مردم، خودش جرم است. استفاده از قدرت برای به‌دست آوردن پول، یکی از بزرگ‌ترین جرائم است. آن‌جا یاران حضرت مهدی علیه السلام موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است.

ایشان پس از تذکر به این که مسئولان حکومت اسلامی باید یاران امام زمان علیه السلام را الگو قرار دهند؛ جمع کردن ثروت شخصی را با استفاده از قدرتی که در اختیار دارند، به عنوان گناه معرفی کردند و همگان را از آن بر حذر داشتند.^۱

نکته مهمی که در بحث سبک زندگی وجود دارد، آن است که رهبر معظم این مقوله را به عنوان عامل جذب سایر ملت‌ها، برای توجه آن‌ها به کشور اسلامی و نیز آرمان بزرگ آن‌ها، یعنی مهدویت عنوان کردند. در این زمینه تحقق سبک زندگی در کشور امام زمانی، خود بهترین دلیل بر کارآمدی دولت اسلامی منتظر امام زمان است. ایشان در یکی از دیدارهای خود با مسئولان نظام با ایشان پس از بیان مراحل حرکت قیام در ایران به، انقلاب اسلامی. نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و در نهایت تمدن بین‌الملل اسلامی، به نکته مهمی تصریح فرمودند:

...باید به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لُنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لُنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی، یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم.^۲

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶.

ایشان این کار را سبب اثبات کارآمدی جمهوری اسلامی و پاسخگو به انبوهی از شبهاتی دانستند که امروزه در این باره مطرح می‌شود.

۵. فرهنگ عدالت‌خواهی و گسترش آن در همه سطوح

مهم‌ترین شعار مهدویت را بدون تردید باید مبتنی بر کلیدواژه «عدالت» دانست تا آن‌جا که با حتی مروری اجمالی بر احادیث مهدوی، این واژه را می‌توان از پرکاربردترین واژگان دانست و لذا عبارت «...الَّذِي يَخْلُقُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱؛ به وفور در متون روایی ما یافت می‌شود. به همین دلیل، ارتکاز ذهنی عموم مردم از مهدویت و حکومت مهدوی، همین عدالت است.

با تبیین این نکته می‌توان چنین استنتاج کرد که اگر آرمان انقلاب اسلامی، مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور است، آن‌گاه باید فرهنگ عدالت‌خواهی در عرصه زندگی خرد و کلان فراگیر شده و عنصر عدالت در رأس تمام سیاست‌گزاری‌ها و اقدامات عملی مورد نظر قرار گیرد؛ کما این که در هندسه تفکر مهدوی امام خاتمه‌ای همین اهمیت درباره مقوله عدالت وجود دارد: هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها و عمل‌ها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد.^۲

مقام معظم رهبری در این باره نکات مهم فراوانی دارند. اولین نکته آن که ایشان معیار پیشرفت در جمهوری اسلامی را عدالت دانسته و معتقد هستند که اگر از لحاظ مادی و سازندگی به سطح کشورهای پیشرفته دنیا هم برسیم؛ بدون عدالت، کافی نیست و ارزشی ندارد. این مطلب می‌رساند که در فرهنگ عمومی کشور، باید عدالت مهم‌ترین محور ارزشی قلمداد شده و پیشرفت نیز با این معیار، محک خورد. ایشان در همین جهت و در تبیین معیار ارزش پیشرفت در ایران اسلامی آن را به مقوله مهدویت گره زده و می‌فرماید: «بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌تعالی فرجه‌الشریف است و می‌خواهد مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی بیاید و چشم انتظار آن حضرت است؛ برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است.

^۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۵.

^۲. ملایی، ما منتظریم، ص ۲۰۴.

اصل قضیه این است که اگر ما کم داشته باشیم؛ اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر اینکه زیاد داشته باشیم و غیر عادلانه عمل کنیم»^۱

نکته دوم آن که ایشان فقط به ذکر عنوان کلی عدالت بسنده نکرده و مصادیق آن را نیز بیان می‌کنند. معظم له در سخنانی ضمن اشاره به مظهر بودن عدل الهی در شخص امام زمان و اهمیت عدالت در ساخت جامعه، عدالت را به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام، کمک به مردم محروم و ضعیف، دانسته و سپس در تطبیق با مصادیق روز می‌فرماید:

عدالت، یعنی این‌که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت؛ یعنی این‌که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ای قایل نباشند. عدالت؛ یعنی این‌که حقوق انسانی، اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود.

ایشان معتقد هستند چنان‌چه جلو کسانی گرفته شود که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقل‌های مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی دست یابند که حق آن‌ها نبوده است؛ در این صورت عدالت، تحقق پیدا کرده است.^۲

سومین نکته آن که ایشان در سخنی بسیار مهم، عدالت ورزی را معیار مشروعیت تمام مسئولان نظام، حتی خود رهبری دانسته که بدون آن، شخص از صلاحیت احراز پست در نظام اسلامی خارج می‌شود. بنا به تصریح ایشان:

فلسفه وجود من و امثال من در این‌جا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان می‌کنید که اعزّ همه خلائق عندالله و عند عباده الصّالحین است این است که می‌گوییم: «یملاالله به الارض عدلاً و قسطاً» نمی‌گویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه عدالت و دنبال عدالت است.^۳

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۰۲.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۶. تبلیغ و نشر آموزه و آرمان مهدویت در داخل و خارج از کشور

رسالت امام مهدی رسالتی «جهانی» است. او خواهد آمد تا جهان را با حاکمیت دین بر آن، نجات داده و زمینه سعادت همه انسان‌ها فراهم شود. طبیعتاً اگر این مقوله به عنوان آرمان یک جامعه و نظام قرار بگیرد، تکالیفی در باب فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای متوجه حکومت اسلامی و همه فعالان فرهنگی خواهد کرد و آن وظیفه انتشار آموزه مهدویت به عنوان اساسی‌ترین معارف شیعی و بلکه هویت تشیع، هم در سطح کشور و هم در جهان است. امام خامنه‌ای در سخنی که برداشت التزامی از آن ما را به همین نکته می‌رساند، خطاب به همه متولیان فرهنگی، اعم از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، مدیران آموزش و پرورش، جوانان زبده، مجموعه‌های مرتبط با مهدویت می‌فرماید:

...عقاید اسلامی‌مان، به‌خصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه‌ترین، منطقی‌ترین و مستحکم‌ترین عقاید است... این عقاید را بایستی اولاً، درست فهمید؛ ثانیاً، آن‌ها را با تدبّر و تأمل عمق بخشید؛ ثالثاً، آن‌ها را به‌درستی منتقل کرد... مجموعه‌های فرهنگی مرتبط با ملت‌های دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آن‌ها، مهم‌ترین کارشان این است که این حقایق را بتوانند با شیوه‌های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آن‌ها مطلع بشوند. در همین قضیه مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارت‌هایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدوبیتی است که در شیعه وجود دارد.^۱

علاوه بر آن، وظیفه مدیران و مسئولان فرهنگی آن است که نه تنها بایسته‌های ترویج مهدویت را فراهم کنند، بلکه باید از بروز هر زمینه‌ای که تقویت فرقه‌های انحرافی و یا وهن مهدویت را باعث شود، جلوگیری کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به همین منظور، پس از اتفاق ناگوار اسائه ادب به محضر امام زمان در سال ۱۳۷۸ اینگونه به مدیران فرهنگی کشور تذکر جدی داده و ضمن بیان انتظار خود مبنی بر این که فضای کشور از لحاظ فرهنگی نباید طوری باشد که کسانی به امام زمان گستاخی و یا غفلت کنند، با توجه به پشتوان قوی فرهنگ کشور و انبوه مراسمی که جهت ارادت به امام عصر در کشور برگزار می‌شود، می‌فرماید:

^۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

عیبی در یک جای کار هست که در فضای فرهنگی کشور کسی یا جرأت کند یا غفلت کند که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و به این اعتقاد به این اهمیت، این گونه اهانت کند. من از کسانی که الآن مسئولان رسمی امور فرهنگی هستند، توقع و خواسته‌ام این است که به‌طور جدی تجدید نظر کنند و ببینند عیب کارشان کجاست؟^۱

۷. تربیت انسان‌های صالح برای انقلاب مهدوی

بر اساس مبانی محکم در بحث زمینه‌سازی برای ظهور، پدیده قیام مهدوی، تنها با معجزه و امدادهای غیبی به وقوع نخواهد پیوست، بلکه ایجاد آمادگی و فراهم کردن بسترهای قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه له از بایسته‌های حتمی جامعه و حکومتی است که آرمان ظهور وی را در سر دارد. امام صادق علیه السلام در این زمینه سخنی راهبردی داشته و فرمودند:

«لَيُعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ»^۲ هر یک از شما باید [زمینه را] برای قیام حضرت قائم فراهم کند؛ ولو با تهیه یک تیر؛ پس هرگاه خداوند متعال نیت او را در این کار داند، امید است که عمرش را آن قدر طولانی کند که او را درک کرده و از یاران و انصار او شود.

واضح است که عنوان کردن تیر، فقط برای تعیین یک مصداق است و مقصود آن است که هر آنچه برای قیام امام زمان لازم است، باید به وسیله شیعیان حضرت مهیا شود. البته حضرت در هنگامه ظهور، با امدادهای غیبی یاری خواهد شد؛ اما بدون شک، یکی از زمینه‌های قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه له - همانند همه انقلاب‌ها- وجود کادر و نیروی مؤمن و کارآمد است. بدیهی است که این انصار یک دفعه به وجود نمی‌آیند، بلکه باید افرادی برای این آرمان بلند تربیت شوند و این همان بایسته مهم و راهبرد اساس است که رهبر انقلاب اسلامی به آن تصریح دارند و می‌فرمایند: «...این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است.» ایشان در ادامه همت همه انبیای الهی را تربیت انسان‌های صالح برشمرده و در تشریح علت اصلی بدبختی انسان‌ها می‌فرمایند:

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

^۲ نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰.

این بدبختی‌هایی که شما می‌بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارت‌ها و آثار مربوط به ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء آمده است: کما ملتت ظلما و جوراً؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می‌آید، همه زمین را از قسط و عدل پُر می‌کند؛ این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسان‌های ناصالح... انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند.^۱

۸. التزام به آرمان و اندیشه مهدوی امام خمینی در مدیریت فرهنگی کشور

یکی دیگر از الزامات فرهنگی مهمی که به واسطه اثبات مهدویت به عنوان کلان آرمان انقلاب اسلامی وجود داشته و باید به آن متعهد بود؛ توجه و پایبندی مردم و مسئولان به اندیشه‌های مهدوی امام خمینی است؛ زیرا همان گونه که در ابتدای نوشتار بیان شد، بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی با نگاه به آرمان مهدویت و همین انگیزه قیام کرده و در طول حیات پربرکت خود کشور اسلامی را به صورتی مطلوب رهبری کرد. بنابراین، مراجعه به سخن و سیره ایشان که این نظام را به سوی ظهور پیش می‌برد، برای استمرار جریان انقلاب اسلامی امری حتمی است؛ کما این که ایشان بی‌توجهی به این مقوله را خیانت به انقلاب اسلامی دانسته و فرمودند:

انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد...^۲

اگر این سخنان حضرت امام معیار قرار گیرد، آن‌گاه توجه به مهدویت در همه زمینه‌ها و از جمله امور فرهنگی باید کاملاً مورد توجه باشد.

بر همین مبنا، مقام معظم رهبری در طول سال‌های رهبری انقلاب اسلامی، نه تنها خود به این امر ملتزم بودند، بلکه بارها دیگران را به مراقبت از تعالیم امام خمینی و تعهد عملی به آن امر کرده و فرمودند:

^۱ ملایی، ما منتظریم، ص ۲۰۴-۲۰۷.

^۲ خمینی(امام)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

ملت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هرکس در هر جا که هست - چه مسئولان کشور و متصدیان و مدیران بخش‌های اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسئولان قضایی و چه آحاد ملت - این‌ها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این کار شد، آن وقت قلب مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه، إن شاء الله از این ملت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن^۱ فرموده است: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ).^۲

نتیجه‌گیری

بررسی دو مفهوم «انقلاب اسلامی» و «مهدویت» در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی و ارتباط آن دو با یکدیگر نتایج ذیل را خواهد داشت:

۱. برای دوام و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی ایران، نیازمند شناسایی آرمان آن هستیم؛
۲. در بیانات امام خامنه‌ای آرمان‌های زیادی برای انقلاب اسلامی شمرده شده است؛
۳. بررسی و تحلیل آرمان‌های گوناگون انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که این آرمان‌ها را باید در طول یکدیگر به صورت منطقی طبقه بندی کرد؛
۴. با چیدمان منطقی آرمان‌های انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب، «مهدویت» و «ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه»، به عنوان کلان آرمان انقلاب اسلامی شناسایی شد؛
۵. اثبات مهدویت، به عنوان هدف عالی انقلاب اسلامی با خود دارای بایسته‌هایی است که الزامات فرهنگی از جمله آن‌ها است؛
۶. مخاطب الزامات فرهنگی آرمان مهدویت برای انقلاب اسلامی ایران، هم مردم و هم مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی هستند؛
۷. الزامات فرهنگی که از منظر امام خامنه‌ای در جهت دستیابی به آرمان مهدوی انقلاب اسلامی باید رعایت شود، عبارت است از: توجه مستمر مردم و مسئولان به آرمان مهدویت؛

^۱ اعراف: ۹۶.

^۲ بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، ۱۶/۳/۱۳۷۵.

جهاد فرهنگی برای آرمان ظهور؛ حاکمیت اخلاق انتظار در رفتار مردم و مسئولان؛ جریان فرهنگ انتظار در سبک زندگی همگان و به ویژه کارگزاران؛ فرهنگ عدالت‌خواهی و گسترش آن در همه سطوح؛ تبلیغ و نشر آموزه مهدویت در داخل کشور و خارج از کشور؛ تربیت انسان‌های صالح همتراز با آنچه لازمه انقلاب مهدوی است و التزام به اندیشه‌های مهدوی امام خمینی در مدیریت فرهنگی کشور.

منابع

✽ قرآن کریم

۱. ابراهیم زاده، عیسی؛ فلسفه تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران بی تا
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۷ق.
۳. آراسته خو، محمد، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، انتشارات گسترده، تهران، ۱۳۶۹ش.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، دسترسی KHAMENEI.IR.
۵. خامنه‌ای (امام)، در مکتب جمعه (مجموعه خطبه‌های نماز جمعه تهران آیت الله خامنه‌ای) ج ۱ - ۷: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متن الکترونیکی (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم). تهران، ۱۳۶۹ش
۶. خمینی (امام)، روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۳ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتجهد، مؤسسه فقه شیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، قم، ۱۳۹۲ش.
۱۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران بی تا.
۱۱. ملایی، حسن، ما منتظریم (خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای)، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، مکتبه صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

حسین علی جباری^۱

چکیده

"آموزه مهدویت" یکی از مباحث بنیادین و اساسی در اسلام است که از متن آن، کنش‌های عمیق انسانی و اسلامی استخراج می‌شود. با تحقق انقلاب اسلامی ایران که بر مکتب تشیع پایه‌ریزی شده، جای این سؤال وجود دارد که آموزه بنیادین مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای چه جایگاه و نقشی است. سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، دارای قواعدی است که با توجه به قوانین بین‌المللی از مبانی ناب اسلامی، به ویژه "آموزه مهدویت" بهره گرفته شده است. در این مقاله که به صورت توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، نقش آموزه مهدویت در سیاست‌گذاری‌های خارجی و بین‌المللی مانند نفی سلطه جویی و سلطه‌پذیری و دفاع از مستضعفان و امثال این مبانی با توجه به مبانی اندیشگی آن، یعنی آیات قرآن، اندیشه رهبران و قانون اساسی، تبیین خواهد شد.

واژگان کلیدی: آیات قرآن، آموزه مهدویت، جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی، سیاست خارجی.

^۱ دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح ۴ مهدویت‌گرایش سیاسی - اجتماعی، ایمیل:

مقدمه

آموزه مهدویت نتیجه چیزی است که اسلام ناب بر مسلمانان به ودیعه گذاشته است. بسیاری از سیاست‌گذاری‌های زندگانی فردی و اجتماعی در عرصه‌های داخلی و خارجی در آموزه مهدویت، به عنوان چراغ راهنمای انسان‌ها گنجانده شده است. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان پرچمدار و مبلغ تأسیس جامعه منتظر در ابعاد ملی، مبانی بنیادین و کنشی خود را از آموزه مهدویت استخراج کرده و در پی تحقق جامعه آرمانی خود می‌باشد. از طرفی در ابعاد بین‌المللی و سیاست خارجی، در جهت تثبیت جامعه آرمانی خود و همچنین تبیین و گسترش آموزه مهدویت دارای گزاره‌های مختلفی از بخش‌های این آموزه می‌باشد.

اما سؤال اصلی این تحقیق، آن است که آیا آموزه مهدویت به عنوان نگرشی بنیادین، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش داشته و یا می‌تواند نقش داشته باشد؟ نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران در چه سطحی است؟ اندیشه رهبران جمهوری اسلامی از حیث کنشی در روابط بین‌المللی چگونه می‌باشد؟

تحقیقات فراوانی راجع به مبانی نظری، اهداف و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی صورت گرفته است از قبیل "کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، اثر منوچهر محمدی و کتاب "سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه" همچنین مقالات متعددی در این زمینه تدوین شده است؛ از جمله "مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی" اثر عباسعلی عمید زنجانی؛ "اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی" اثر هادی شجاعی و "مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی" پژوهش محمود یزدان‌فام.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بر مبنای اهداف عالی اسلام و وصول به جامعه آرمانی، یعنی مهدویت، تدوین و ترسیم شده است. گرچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از حیث نظری به مبانی اسلام ناظر می‌باشد؛ تاکنون نگاه غایت‌گرایانه به سیاست خارجی با توجه به جامعه آرمانی و مهدویت مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. نگارنده با توجه به مبانی بنیادین انقلاب، به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به آموزه مهدویت نگاهی دوباره و سیستمی و غایت‌گرایانه خواهد داشت.

مفاهیم

اول: سیاست خارجی

"سیاست خارجی"، مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی است که یک کشور و یا دولت در مواجهه بین‌المللی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظم سیاسی اعمال

می‌کند. در واقع سیاست خارجی، بازتاب اهداف و سیاست‌های کشور و یا دولت در صحنه روابط بین کشورها و دولت‌ها و جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی می‌باشد.

لذا سیاست خارجی هر کشور یا هر دولت به دنبال تحصیل اهداف ملی خود در عرصه بین‌الملل از طریق روش‌ها سیاست‌گذاری‌های مختلف می‌باشد. البته برخی محققان میان سیاست خارجی و منافع ملی یک کشور تفاوتی نمی‌بینند.^۱

معمولاً اعمال سیاست خارجی را در سه سطح ملت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تقسیم‌بندی کرده‌اند. که بررسی هر کدام به صورت مستقل از گستره این تحقیق خارج است.

دوم: آموزه مهدویت

"آموزه" به مجموعه معارف با رویکرد جامع و سازمان‌مند در مورد یک موضوع گفته می‌شود. "مهدویت" را از حیث لغتی دو گونه می‌توان تبیین کرد: ابتدا این‌که مصدر صناعی و جعلی از ترکیب اسم یا صفتی با کلمه «یت» به دست آید که در این صورت دارای دو جزء "مهدوی" و "یت" است، همانند خاتمیت و زوجیت؛ که در این صورت، مهدویت موضوع و اسمی است که دارای خواص، آثار و مباحث مربوط به حضرت مهدی می‌باشد و یا واژه مهدویت را مضاف و مضاف‌الیه بدانیم و آن را وصفی برای موصوف محذوف نظیر المسائل و المباحث لحاظ کنیم که در این صورت، مهدویت به معنای عقاید و مسائلی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه منسوب و مربوط است.^۲ با توجه به معانی لغتی آموزه مهدویت در اصطلاح به مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.^۳

با توجه به تعریف مذکور، آموزه مهدویت از حیث شناختی مبانی، ارزش‌ها و از حیث سازمانی هنجارها و نمادهای مهدوی را در بر خواهد گرفت.

آموزه مهدویت در سیاست خارجی

قوانین "سیاست خارجی" کشورها از مبانی اندیشه‌ای آن‌ها متأثر است. در جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی بر مبنای قوانین اسلام طراحی شده است. مهدویت آموزه‌ای است که در جهت‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی قواعدی مطابق با منابع وحیانی در خود گنجانده است. در قوانین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، گزاره‌هایی از آموزه مهدویت برای دستگاه

۱. محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۰.

۲. عرفان، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۴۱.

دیپلماسی نهاده شده که می‌تواند به عنوان چراغ راهنمایی برای اعضای دیپلماسی و تمامی نهادهای فعال در عرصه بین‌المللی عمل کند. از حیث و حیانی، برخی آیات قرآن، در عین حال که به آموزه مهدویت ناظر است، به چگونگی سیاست خارجی اشاره کرده است. از حیث قوانین اساسی جمهوری اسلامی روش‌ها و راهبردهایی برای سیاست‌گذاری‌های دستگاه دیپلماسی با توجه به آموزه مهدویت و ایصال به جامعه آرمانی نهاده شده است و در اندیشه و بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران، چگونگی عملکرد در سیاست خارجی، با توجه به در نظر گرفتن اهداف غایی اسلام و آموزه مهدویت به وفور دیده می‌شود که در ادامه به نقش و جایگاه آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

اول: در آیات قرآن

آموزه مهدویت بر آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام که مبین آیات الاهی هستند، مبتنی است. از طرفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از قانون اساسی است که بر پایه شرع^۱ و عرف^۲ بنا شده است. از حیث نظری، آرمان جمهوری اسلامی ایران به اجرای وظیفه و زمینه‌سازی حکومت جهانی امام زمان عجل‌الله‌تعالیه ناظر می‌باشد. لذا برای ایصال به مطلوب ناگزیر است، بینش، گرایش و منش خود را اهداف غایی اسلام که همان حکومت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه می‌باشد، ترسیم سازد. در ادامه برخی از آیاتی که گویای نگرش قرآن مجید راجع به آموزه مهدویت و حکومت جهانی الاهی است، بیان خواهد شد. خروجی و مبین این آیات، آیات دیگری است که به نوعی بینش، گرایش و منشی سیاست و دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران را معین می‌کند.

الف) آیه استخلاف و سیاست خارجی

یکی از آیاتی که گویای آینده محتوم جامعه بشری، به عنوان اصلی‌ترین گزاره آموزه مهدویت از حیث و حیانی در قرآن ذکر شده است، آیه "استخلاف" یا "وعد" می‌باشد. آیه‌ای که زندگانی و زیستن با امام زمان عجل‌الله‌تعالیه را وعده داده است. خداوند در این آیه به صالحان شایسته که در راه خدا ثابت قدم مانده و در عین حال، به واسطه اقدامات دشمنان هراسناک و در مواردی سرکوب شده‌اند، وعده حکمرانی و امنیت و آرامش داده است و می‌فرماید:

۱. شرع: مجموعه دستورات دینی برگرفته از قرآن، سنت، اجماع و عقل.

۲. عرف: مجموعه قواعد انسانی مورد تأیید شارع مقدس.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)^۱؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

مبانی و اهداف حکومت جهانی امام زمان علیه السلام می‌باید چشم انداز و چراغ راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. دیپلمات‌ها و کسانی که در عرصه بین‌المللی فعالیت می‌کنند، می‌باید با توجه به آیه مذکور از حیث فردی و اجتماعی، عملاً ایمان به خدا^۲ داشته و عمل صالح^۳ انجام دهند و در برابر دشمنان و حاکمان جور استقامت و مقاومت نشان دهند. گرچه در عرصه‌های گوناگون بین‌المللی متحمل سرزنش و ناامنی و ترس خواهند شد؛ با توجه به وعده الهی اجرشان محفوظ و در نهایت بر مستکبران غلبه خواهند کرد.

لذا ایدئولوژی که آموزه مهدویت به حاکمان و کارگزاران بین‌المللی می‌آموزد، زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی بر اساس چشم‌انداز آرمانی خود، یعنی نزدیک‌سازی اهداف و اقدامات بر مبنای حکومت امام زمان علیه السلام می‌باشد.

(ب) آیه استضعاف و سیاست خارجی

حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران در کل جهان مهم‌ترین بینش و منشی است که در آموزه مهدویت بدان اشاره شده است. این آیه علاوه بر آن‌که گزاره‌ای از آیات مستقیم و مرتبط با امام زمان علیه السلام می‌باشد و بشارت به مستضعفان نسبت به خروج آنها از استضعاف و سروری آنان و وراثت آنان است؛ مبین و پرچم سیاست خارجی کشوری است که انقلاب آن براساس مبارزه با استعمار و استثمار و مدافع استضعاف و مستضعفان شکل گرفته است.

۱. نور: ۵۵.

۲. مخالفت ایمان به خدا، بدین معناست که در زبان ایمان و اقرار می‌کنند و در عمل به کفر و ظلم تمسک و دل می‌بندند.

۳. اقدامات دیپلماتیک براساس رضایت خداوند و امام زمان داشته باشند.

به همین دلیل است که در بند شانزدهم اصل سوم و همچنین اصل ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی، پس از آن که معیار اسلام را "تعهد برادرانه" نسبت به همه مسلمانان می‌داند، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان را وظیفه ذاتی نظام اسلامی و دولت جمهوری اسلامی، به‌ویژه در عرصه بین‌المللی و سیاست خارجی عنوان می‌کند. آیه "استضعاف" چراغ راهنما و پرچم برنامه‌ریزی شده عملکرد سیاست خارجی و دفاع از مستضعفان است. در این آیه آمده است: (و نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)^۱؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم...

در ادامه به آیاتی دیگر که به چگونگی حمایت از مستضعفان توسط سیاست‌گذاران داخلی و بین‌المللی اشاره دارد؛ پرداخته خواهد شد:

در سوره نساء آیه ۷۵ آمده است: (وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)^۲؛ چرا در راه خدا، و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه]، که اهلش ستم‌گرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما!

حمایت حقیقی از مستضعفان، دفاع عملی از حقوق مسلمانان و حمایت از آن‌ها در برابر ظالمان و استعمارگران در عرصه بین‌الملل است. مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان در شهرهای خاص که به دست مستکبران مورد ظلم قرار گرفته‌اند؛ مسلمانانی که توسط حکام، کشور و یا قوانین مستبد مورد ستم قرار گرفته‌اند. سیاست خارجی جامعه منتظر و امام زمانی می‌باید در جهت حمایت و نجات آنان برآمده و در این زمینه تلاش کند.

قانون اساسی، تنظیم سیاست خارجی کشور را بر اساس معیارهای اسلام همراه با تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان می‌داند^۳؛ مسئله‌ای که برادری و همبستگی عمیق با توجه به تنوعات قومی و قبیله‌ای و نژادی را اصل اساسی اسلامی و در ادبیات مهدوی "انتظار پویا" می‌داند؛ چنان که در آیات وحی بدان اشاره شده است.

۱. قصص: ۵.

۲. نساء: ۷۵.

۳. کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، بند ۱۶.

سیاستگذاران و دستگاه دیپلماسی در جهت حمایت از مستضعفان نباید ترسی به خود راه دهند؛ چرا که خداوند می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ)؛ خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. دایره مستضعفان جهان نه فقط مسلمانان را دربر می‌گیرد، بلکه تمامی انسان‌ها را شامل می‌شود؛ تا جایی که پناه دادن به پناهندگان غیر تبهکار را وظیفه ذاتی سیاستگذاران حاکمیت اسلامی است. پناه دادن به ستم‌دیدگان مقدمه‌ای در جهت هدایت مستضعفان به معنای عام خواهد بود، تا زمینه برای حکومت مستضعفان خاص صورت بندد؛ مسئله‌ای که در سیاست خارجی کشورها باید دنبال شده و تعاملات و مقدمات این پناه را فراهم آورند؛ همچنان که قرآن می‌فرماید:

(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ)^۱؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود [و در آن بیندیشد]! سپس او را به محل امنش برسان؛ چرا که آن‌ها گروهی ناآگاهند.

حمایت از مستضعفان عالم و دفاع از حقوق آن‌ها در عرصه بین‌المللی، از حیث شناسایی و دفاع بر عهده سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که می‌باید هرگونه سلطه جویی و سلطه‌طلبی نفی کنند. نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، یکی از موارد بند ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی است و همچنین در اصل سوم بند ششم قانون جمهوری اسلامی ایران آمده است که دولت جمهوری اسلامی باید هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی را محو کند و این سیاست را به عنوان سیاستی عام در عرصه داخلی و بین‌المللی در اصول دیگر تشریح کرده است؛ نگرشی که شکل کامل آن در عصر ظهور تحقق پیدا خواهد کرد؛ چنان که خداوند در آیات مختلفی به نفی سلطه‌جویی و استکبار اشاره می‌کند و آنچه را از آن سلطه‌طلبان به عنوان برتری استفاده می‌کنند، رد و ملاک و معیار برتری را تقوا معرفی کرده است: (بِأَنَّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)^۲.

^۱ حج: ۳۸.

^۲ توبه: ۶.

^۳ حجرات: ۱۳ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ [این‌ها ملاک امتیاز نیست، بلکه] گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.»

از نظر علامه طباطبایی حق مطلب در جمله (جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ) ظاهر در مذمت تفاخر، به ویژه در انساب دارد؛ لذا در این جهات مردم با یکدیگر برابرند و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست و شعبات و قبایل مختلف به خاطر شناخت یکدیگر بوده است تا اجتماعاتشان نظام‌مند و ائتلافشان تمام شود؛ چراکه اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف. بنابراین، غرض از اختلافی که در بشر قرار داده شده، این است، نه این که تفاخر کنند.^۱ دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی براساس این آیه می‌بایست مُبَلِّغِ برابری حقوق انسان‌ها در عرصه‌های بین‌المللی باشد و در جهت تحقق آن تلاش کند.

جمله (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) نشان‌دهنده این است که نگاه بیش‌تر مردم به سروری و بلندی زندگی مادی و این دنیایی است و حال آن که مزایای زندگی دنیا موهوم و خالی از حقیقت است. در واقع این‌گونه امتیازات نه تنها ذره‌ای شرافت و کرامت به آن‌ها نمی‌دهد، بلکه آن‌ها را به سمت شقاوت سوق می‌دهد. لذا پس از بیان این جمله، حقیقت سروری و مقام را تقوا و پرهیزکاری عنوان کرده که سعادت دائمی در آخرت را در بر خواهد داشت؛^۲ همچنان که خداوند در سوره انفال آیه ۶۷ چنین تقسیم‌بندی‌یی را بیان می‌دارد: (تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)؛ شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را [برای شما] می‌خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است.

در نفی سلطه‌جویی، آیاتی با محتوای این که خداوند سلطه‌جویی را فساد معرفی می‌کند^۳ و این رویکرد را موجب نارضایتی پرودگار می‌داند^۴؛ ذکر شده است که به همین تعداد بسنده می‌شود. یکی دیگر از مصادیق حمایت از مستضعفان، وحدت مسلمین و اعتصام به ریسمان الهی می‌باشد. چنان که قرآن مجید چنین عنوان می‌کند: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)^۵؛ و همگی به ریسمان خدا

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۹۹.

۲. همان، ص ۴۹۰.

۳. (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛ این سرای آخر تو را [تنها] برای کسانی

قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! قصص: ۸۳.

۴. (إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ)؛ او مستکبران را دوست نمی‌دارد. نحل: ۲۳.

۵. آل عمران: ۱۰۳.

[قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت] چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

ایجاد وحدت امت و تقریب مسلمین در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، هدف والای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، مسئله‌ای که نظام مقدس جمهوری اسلامی، آن را به عنوان یکی از راهبردهای زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام دنبال می‌کند؛ چرا که با تحقق آن، حقیقت عودت، محقق خواهد شد؛ چنان که در آیات ذیل به آن‌ها اشاره شده است: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)^۱؛ و در آیه‌ای دیگر (وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)^۲. در جایی دیگر در وحدت مؤمنان فرموده است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)^۳؛ مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

ج) آیات غلبه دین و سیاست خارجی

غلبه دین حق از حقایق قطعی‌یی است که از آموزه مهدویت استخراج شده و این غلبه قطعی به کنش‌های متعددی در جهت امید و ایجاد روحیه مقاومت در میان معتقدان به این اندیشه منجر شده است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)^۴؛ و در آیه‌ای دیگر (وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا)^۵. لذا به حکم آیات قرآن و منش مهدویت نمی‌باید در برابر قدرت‌های سلطه‌گر تعهدی ایجاد کرد.

با توجه به آیات غلبه دین که گزاره‌های وحیانی آموزه مهدویت می‌باشد، یکی از مسائلی که بادی در دستور کار دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد، عدم تعهد

^۱. انبیاء: ۹۲: «این پیامبران بزرگ و پیروانشان همه امت واحدی بودند [و پیرو یک هدف]؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید. پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید!»

^۲. مؤمنون: ۵۲.

^۳. حجرات: ۱۰.

^۴. توبه: ۹ و ۳۳: «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

^۵. فتح: ۲۸: «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد.»

در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، اعم از یهود و نصارا و کفار و ظالمان می‌باشد؛ چرا که امید به آینده در سیاست خارجی براساس آموزه مهدویت، غلبه قطعی دین حق است. از طرفی تلاش و کوشش برای رسیدن به آینده مطلوب، یعنی تلاش و کوشش سیاست خارجی در عرصه بین‌المللی در جهت تحقق این وعده که از ارکان انتظار فرج است.

قرآن در خصوص عدم دوستی مؤمنان با یهود و نصارا عدم تبعیت از آنان در روابط بین‌المللی این چنین آورده است: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصارا را ولی [و دوست و تکیه‌گاه خود] انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند. خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)^۲؛ هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، مگر زمانی که [به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، و] از آیین [تحریف یافته] آنان پیروی کنی. بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است! و اگر از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

نیز در زمینه عدم تکیه بر ظالمان و کافران و عدم ازطاعت از آنان در روابط داخلی و خارجی این چنین عنوان شده است: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ)^۳؛ و بر ظالمان تکیه نکنید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ)^۴؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد.

۱. مائده: ۵۱.

۲. بقره: ۱۲۰.

۳. هود: ۱۱۳.

۴. آل عمران: ۱۴۹.

در نهایت به عنوان یک قاعده کلی به مؤمنان در عرصه‌های گوناگون که در واقع قاعده‌ای قطعی در سیاست خارجی در ارتباط با بیگانگان است، چینی می‌فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)^۱؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلط نداده است.

با اجرای سیاست‌های وحیانی، با توجه به گزاره‌های مهدوی در عرصه بین‌المللی توسط دستگاه خارجی جمهوری اسلامی در صورت غلبه سلطه‌طلبان و استعمارگران؛ می‌باید در جهت حفظ تمامیت ارضی اسلام، دستوراتی که در قالب احکام جهاد بیان شده است، عمل کرد؛ چنان‌که فرموده است: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)^۲؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست. (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)^۳؛ همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز این‌که می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست! و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد؛ و خداوند کسانی را که او را یاری کنند [و از آیینش دفاع نمایند] یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

رسیدن به این موفقیت‌ها در گرو عمل به دستورات جهاد و پیروی از مفسران حقیقی آن و علما می‌باشد.

دوم: در اندیشه امام و رهبری

حرکت اصلاحی امام خمینی از سال ۱۳۴۲ آغاز شد که البته این حرکت با سختی‌های فراوان روبه‌رو بود. پس از مجاهدت‌های ایشان و بسیاری دیگر از علما و شاگردان، انقلاب در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. اطلاع امام خمینی از تحولات و حوادث طول تاریخ، از جمله تجربه صفویان، قاجاریه و سپس رژیم مستبد پهلوی و آشنایی دقیق ایشان با مبانی ناب اسلامی، ایشان را به انقلابی بصیر و آگاه مبدل ساخته بود، تا جایی که تمامی حرکت‌های انقلاب را با

۱. نساء: ۱۴۱.

۲. حج: ۳۹.

۳. همان، ۴۰.

مبانی و آرمان‌های اسلام رصد و پیگیری می‌کرد. در ادامه به برخی از اصول و آرمان‌های امام راحل که بسیاری از آن‌ها در آموزه مهدویت ریشه دارد، پرداخته خواهد شد.

الف) اصل شناخت توحید در عصر غیبت

امام خمینی در مصاحبه با خبرنگار تایمز لندن فرمودند:

اعتقاد من و همه مسلمین، همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و با پیامبر اسلام و پیشوایان به حق بعد از آن بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ما است، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوامل موجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز است. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد، مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد.^۱

مبنا و اساس آموزه مهدویت، اعتقاد به توحید، حرکت به سوی توحید و رسیدن به توحید است. اصل توحید و یگانگی خداوند متعال در بسیاری از آموزه‌های اسلامی اشاره شده است. به عنوان نمونه خداوند در سوره صافات، آیه چهارم می‌فرماید: (إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ)^۲؛ معبود شما یگانه است. نیز بر اساس روایاتی، لازمه شناخت حقیقی پروردگار شناخت پیامبر و حجت خدا است. امام صادق علیه السلام در تبیین یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت می‌فرماید:

قَالَ يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۳

اندیشه امام خمینی، در آموزه مهدویت، یعنی توحید باوری ریشه دارد. انقلاب اسلامی در ایران بر محور آرمان‌های امام خمینی تأسیس و در حال رشد می‌باشد. با پیش فرض گرفتن تحقق این

۱. خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

۲. صافات: ۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۷.

آرمان‌ها در ابعاد داخلی، وظیفه محقق کردن آن‌ها در عرصه بین‌المللی بر عهده دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دستگاه دیپلماسی هر کشور به عنوان سفیر و آئینه تمام‌نمای آن کشور در عرصه بین‌المللی است، لذا دیپلمات‌های جمهوری اسلامی می‌باید از حیث اعتقاد و عمل و اقدام در جهت اثرگذاری و رساندن جمهوری اسلامی به اهداف ناب خود به اصل توحید تمسک همه جانبه داشته باشند؛ چرا که این اصل بنیادین، اساس ادیان الهی و اسلام و به صورت خاص، آموزه مهدویت می‌باشد.

ب) اصل ولایت فقیه در عصر غیبت

در طول تاریخ عصر غیبت، علمای فراوانی در عرصه روشنگری به عنوان "روایت حدیث" اعمال وظیفه کرده‌اند که مصداق بارز آن امام خمینی است. ایشان با قیام اصلاحی خود، علاوه بر وظایف نیابت عامه، در جهت زمینه‌سازی حکومت جهانی امام زمان علیه السلام برآمدند و ولایت فقیه را همسو با ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله دانسته؛ چنان که بیان می‌دارد:

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست و این‌ها از ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله هم می‌ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان علیه السلام حالا بیاید، باز این قلم‌ها مخالفان با او و آن‌ها هم بدانند که قلم‌های آن‌ها نمی‌تواند مسیر ملت ما را منحرف کند. آن‌ها باید بفهمند این که ملت ما بیدار شده است، و مسائلی که شما طرح می‌کنید، ملت می‌فهمد؛ متوجه می‌شود؛ دست و پا نزنید! خودتان را به ملت ملحق کنید. بیایید در آغوش ملت.^۱

"ولایت" آئینه تمام‌نمای توحید در زمین براساس مبانی اسلام و شیعه است. ولایت و سرپرستی حقیقی مال خداوند متعال می‌باشد. خداوند این ولایت را پس از خود به رسول خود و سپس به مؤمنانی تفویض کرده است که ویژگی‌شان این بود که اقامه نماز داشته و در چنین حالتی زکات پرداخت کردند، در حالی که در رکوع بودند؛ چنان‌که قرآن در سوره مائده بدان اشاره کرده است: **(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ**

^۱ خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

هُم رَاِعُونَ^۱). صراحت آیه مسئله ولایت را تبیین کرده و اطلاق آن نشان می‌دهد که مسئله ولایت از زمان تفکیک‌ناپذیر می‌باشد.

پس از رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ولایت به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و پس از ایشان حسین عَلَيْهِ السَّلَام و نه فرزند از فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام که نهمین ایشان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشند، این مسئله در روایات اثنا عشر خلیفه به صراحت اشاره شده است.^۲

با غیبت آخرین ولی خدا، دسترسی مستقیم به ایشان ناممکن شد؛ لذا با توجه به راهبرد ائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در عصر حضور، در زمینه‌سازی عصر غیبت، آموزش تبعیت از ولی زمان از طرق مختلف (مستقیم و با واسطه) آغاز شده بود. لذا در عصر حضور، برخی مراجعات به بعضی از علمای زمان و شاگردان ائمه ارجاع داده می‌شد. این مسئله زیر نظر ائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام ادامه داشت که از عصر غیبت صغری امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام آغاز شد و مسئله مراجعه مع الواسطه تحقق پیدا کرد. با توجه به این که عصر غیبت در حال گذار بود و جامعه شیعی به عصر غیبت کبرا نزدیک می‌شد، مواجهه مردم با مسائل توسط فعل و قول امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام برای همگان ترسیم و تبیین گردید. لذا امام در توقیع اسحاق بن یعقوب کلینی مراجعات مردم را به سمت روات حدیث، یعنی همان نایبان عام هدایت کردند و فرمودند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۳

به حکم تبعیت همه جانبه از ولایت فقیه در عصر غیبت، تبعیت همه جانبه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از منویات ولی فقیه الزامی است که این رویکرد به نزدیک شدن بیش‌تر جامعه اسلامی و مهدوی به اهداف خود منجر خواهد گردید. همچنان که بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخست وزیر کشور ژاپن در خرداد ۹۸ را می‌توان فصل الخطاب دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران دانست.

ج) اصل مقاومت و انقلابی بودن

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای تیم دیپلماسی کشور این‌گونه به تبیین سیاست خارجی پرداختند:

^۱ مائده: ۵۵: «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.»
^۲ نعمانی، الغیبه، ص ۵۷-۷۵.
^۳ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

سیاست خارجی کشور، همان سیاست خارجی نظام در قانون اساسی [است]. این سیاست خارجی متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان‌های انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمان‌ها هستند... سیاست خارجی کشور، مانند همه کشورهای جهان بر منافع بلندمدت و اصول و ارزش‌ها استوار است و با رفت و آمد دولت‌ها با سلاطین سیاسی گوناگون، تغییر نمی‌کند. دولت‌ها فقط در تاکتیک‌ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیرگذار و دخیلند... همه تاکتیک‌های دیپلماسی در دولت‌های مختلف باید در خدمت پیشبرد اصول سیاست خارجی در قانون اساسی باشد و نمایندگان سیاسی ایران در خارج، خود را نماینده و مدافع جدی و منطقی سیاست‌های نظام بدانند.

اصل مقاومت و نفی سبیل کافران بر مسلمین، هر گونه تسلط و نفوذ کافران را بر مسلمین منتفی و ممنوع می‌داند؛ یعنی هر گونه ارتباط و قراردادی که باعث تسلط غیر مسلمان بر مسلمانان شود، حرام و مورد ذم می‌باشد و مشی و رفتار مسلمین را مقاومت در برابر بیگانگان معرفی می‌کند؛ چنان که خداوند در سوره نساء آیه ۱۴۱ تأکید کرده است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

مسئله‌ای که جنبه سلبی سیاست‌های جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌المللی در بر می‌گیرد. یکی از مسائلی که در تبیین علل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه عنوان شده، این است که آن حضرت بیعت و پیمان کسی را بر عهده نداشته باشند؛ چرا که بیعت و پیمان تعهد آورده و در پیمودن مسیر کندی ایجاد می‌کند: ... وَ أَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَ قَدْ وَفَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَةٍ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَائِفِ فِي عُنُقِي...^۲ و اما علت وقوع غیبت آن است که خدای تعالی می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ)^۳؛ بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود؛ اما من وقتی خروج کنم بیعت

۱. نساء: ۱۴۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. مائده: ۱-۲.

هیچ سرکشی بر گردنم نیست.^۱ با توجه به این مسئله یکی از وظایف جامعه اسلامی؛ به ویژه سیاست خارجی الگو قرار دادن روایاتی است که در آموزه مهدویت بدان تمسک و تأکید شده است. لذا در عرصه بین‌المللی می‌بایست پیمان‌ها و قراردادهایی که به کندی حرکت جمهوری اسلامی ایران منجر می‌گردد، جلوگیری کنند.

اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی

برآیند اصول و مبانی ارزشی امام خمینی و مقام معظم رهبری، انشا و پیگیری اصلی بود که در توحید و ولایت الله و عدم تبعیت و تأثیرپذیری از دو بلوک قدرتمند شرق و غرب در دنیای معاصر ریشه داشت؛ اصلی که در آموزه مهدویت، به عنوان کلان راهبرد رهبران جمهوری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی (با تعبیر نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی) در حال پیگیری و عملیاتی شدن تا رسیدن به نقطه مطلوب می‌باشد.

این اصل نه تنها دیدگاه تعدل قوا را برای حفظ صلح جهانی مطرود و مردود می‌داند بلکه آن را ظالمانه و تنها برای حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و استعمارگر عنوان می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، اصل دو قطبی شدن جهان و حفظ تعادل بین دو ابرقدرت را کلاً مردود دانسته و به دو ابرقدرت، به عنوان مجموعه واحدی از مستکبران جهانی که حقوق ملل محروم و مستضعف، حتی ملت‌های خودشان را پایمال می‌کنند؛ نظاره می‌کند. انقلاب اسلامی نه تنها وابستگی به هیچ‌یک از ابر قدرت‌ها را منطقی و اصولی نمی‌داند و سیاست عدم تعهد را در این محدوده پیروی می‌کند، بلکه برای از بین بردن نظام موجود حاکم بر روابط بین‌الملل تلاش و مبارزه می‌کند. لذا این اصل بر خلاف تز عدم تعهد، حالت تدافعی و انفعالی نداشته است، بلکه با اتخاذ سیاستی تهاجمی فعال و پویا، علیه امپریالیسم و مستکبران جهانی از هر نوع مبارزه می‌کند و همچنین به حکومت واحد جهانی تحت لوای اسلام اعتقاد دارد و تز تعادل قوا را در حفظ صلح و برقراری عدالت جهانی غلط و مردود می‌شناسد.^۲

انقلاب اسلامی یکی از وظایف ذاتی خود را حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه جهان می‌داند و در این جهت تلاش‌های فراوانی کرده و می‌کند. امام خمینی علیه السلام در پیام خود به جنبش‌های آزادی بخش جهان می‌فرماید:

بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن نشأت می‌گیرد و تا استقلال

^۱ صدوق، کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۲۴۰.

^۲ محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴.

فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود، مفاخر و آثار ملی و فرهنگی خود را در یابید.^۱

مقام معظم رهبری، همچون امام خمینی با پیگیری و ادامه دادن اهداف والای ایشان به مسئله مذکور نیز اشاره کردند، مبنی بر این که دیگر اصول سیاست خارجی در قانون اساسی از جمله تعهدات برادرانه به همه مسلمانان جهان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در همه زمینه‌ها، حفظ استقلال همه‌جانبه، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد به قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحراب، خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها و حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان است که همه این‌ها گزاره‌های اصلی آموزه مهدویت می‌باشند. از دید ایشان: این اصول جذاب، نو و والا، ذهن ملت‌ها، به‌خصوص نخبگان را به خود جلب کرده است....

سیاست خارجی جمهوری اسلامی با این راهبردها و مختصات، سیاست خارجی انقلابی است و اگر در اجرا با راهکارهای هوشمندانه همراه شود، آثار شگفت‌انگیزی به همراه می‌آورد و ظرفیت حل بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام را داراست.^۲

ایشان سپس به راهبرد شگرف اشاره کرده. می‌فرمایند: ما باید معادلات جهانی را محاسبه کنیم. بنده با کسانی که معتقدند معادلات حاکم بر جهان را به کلی باید کنار گذاشت، موافق نیستیم؛ با کسانی هم که معتقدند باید یکسره در چهارچوب این معادلات کار کرد، موافق نیستیم. این معادلات تجزیه‌ناپذیر نیستند؛ می‌شود عناصر جدیدی را به آن‌ها وارد کرد و عناصری را هم نادیده گرفت و حذف کرد. این البته مخالفت‌هایی را برمی‌انگیزد. ما یک موجود زنده هستیم، تلاش می‌کنیم، کار می‌کنیم و از ابزارهای خودمان استفاده می‌کنیم و اثبات می‌کنیم که این راه درست است و همان را دنبال می‌کنیم. برای این کار از همه ظرفیت‌ها باید استفاده کرد. این، در زمینه مبنای اصولی سیاست خارجی ما، که آن را شما برادران و خواهران عزیز و مسؤولان و کارگزاران سیاست خارجی در نظر داشته باشید.^۳

^۱ همان، ص ۳۸.

^۲ در دیدار وزیر امور خارجه و سفیران و مسؤولان نمایندگی‌های ایران در خارج کشور، ۱۳۹۴/۰۸/۱۰.

<http://farsi.khmenai.ir.news-content/?id=31270>

^۳ همان.

سوم: در قانون اساسی

اصول و اهداف سیاست خارجی هر کشور، معمولاً مستفاد از قانون اساسی آن کشور است. از طرفی قانون اساسی هر کشور برگرفته از مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های آن کشور می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران قوانین سیاست خارجی بر مبنای اندیشه‌های فعال اسلام ناب، یعنی مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده‌سازی شده است. در ادامه به قوانین سیاست خارجی مستفاد از قانون اساسی که آن نیز از آموزه مهدویت متأثر است، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت

اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به اصول و اهداف سیاست خارجی پرداخته که آن‌ها از حیث مبانی، در دین و از حیث عملکرد، در آموزه مهدویت و زمینه‌سازی آرمان جمهوری اسلامی ایران، یعنی تحقق حکومت الهی مهدوی ریشه دارد.

در اصل ۱۵۲ قانون مذکور آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» سپس در تفسیر برخی موارد این اصل، اصل ۱۵۳ این قانون بیان می‌دارد: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»

آرمان‌های والای انقلاب اسلامی که در وحی ریشه دارد، به حیطة جغرافیایی ایران محدود نمی‌باشد، بلکه آن آرمان‌ها برای همه انبای بشر است؛ چنان‌که در اصل ۱۵۴ به صراحت بیان می‌کند:

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت-های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

پس از این اهداف ارزشمند، به پناهجویان حق‌طلب، حق ادامه مسیر و کمک می‌دهد و این مسئله را وظیفه ذاتی خود می‌داند: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد، مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبه‌کار شناخته شوند.»

در مورد سوم بند ششم اصل دوم این چنین ذکر شده که نظام جمهوری اسلامی به نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، بپردازد، همچنین در بندهای مختلف

اصل سوم قانون مانند بندهای پنجم و ششم و یازدهم و شانزدهم ذکر شده است که دولت جمهوری اسلامی موظف است در زمینه کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی تلاش ورزد؛ و به تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور پرداخته و با تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تعهد برادرانه داشته باشد.

با توجه به تبیین اصول و اهداف سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اندیشه‌های فعال اسلام، یعنی آموزه مهدویت ریشه دارد؛ موارد ذیل را می‌توان از این اصول و بندها استخراج کرد:

۱. نفی سلطه‌جویی؛
۲. نفی سلطه‌پذیری؛
۳. حفظ استقلال همه‌جانبه؛
۴. تمامیت ارضی؛
۵. دفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از آن‌ها؛
۶. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛
۷. روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب؛
۸. سعادت جامعه بشری؛
۹. حکومت حق و عدل، حق مردم جهان؛
۱۰. حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران در کل جهان؛
۱۱. پناه دادن به پناهندگان غیر تبهکار.

نتیجه‌گیری

"آموزه مهدویت"، جزء لاینفک مبانی اسلام و جمهوری اسلامی ایران است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید در حوزه‌های نظری و عملی اسلام و قانون اساسی، نگاه سیستمی داشته باشد؛ چرا که در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی اقدامات دیپلماتیک گویای مبانی فکری و ارزشی جمهوری اسلامی است. تمایز جمهوری اسلامی از دیگر کشورهای اسلامی، در نگاه جمهوری اسلامی به جامعه آرمانی و موعود می‌باشد. بنابراین، باید دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در اصول و اهداف به آموزه مهدویت توجه عمیق داشته و عملکرد خود را در جهت اهداف جامعه آرمانی اسلام که تحقق حکومت عدل می‌باشد؛ قرار دهد.

منابع

✽ قرآن کریم

۱۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ناشر: نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مترجم: پهلوان، منصور، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.

۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.

۱۶. دیدار وزیر امور خارجه و سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج کشور، <http://farsi.khmenei.ir.news-content?id=۱۳۹۴/۰۸/۱۰>، ۳۱۲۷۰.

۱۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران ۱۳۷۸ ش.

۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۲۱. صدرا، علیرضا، گفتمان مهدویت، ناشر: پژوهشگاه دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم ۱۳۹۵ ش.

۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، توکلی، محمد مهدی، مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، تابستان ۱۳۹۱ ش.

۲۳. عرفان، امیر محسن، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ناشر: دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ اول، قم ۱۳۹۳ ش.

۲۴. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر: دادگستر، تهران ۱۳۸۹ ش.

بررسی سیر مهدی‌پژوهی در غرب بعد از انقلاب اسلامی ایران

زهیر دهقانی آرانی^۱؛ محمد کزازی^۲

چکیده

آشنایی هرچه بیشتر با تلاش‌ها و اهداف محققان غربی فعال در حوزه مهدویت، از عمده ضرورت‌های عصر حاضر در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. یکی از لوازم تحقق این هدف، بررسی تحولات شیعه‌پژوهی به‌طور خاص تحقیقات مربوط به حوزه مهدویت در ادوار چهارگانه شیعه‌شناسی، با تمرکز بر تحول این مطالعات، در عطف تاریخی ۱۹۷۹ میلادی است. در این پژوهش، با جست و جوی گسترده در آثار مستشرقان به منظور یافتن مطالعات مهدوی، تحلیل آرا و تطبیق دیدگاه‌ها با وقایع، در ارتقا کیفیت اطلاعات به دست آمده، تلاش شده است. محصول این تحقیق، آشنایی با بخش‌هایی از حجم گسترده پژوهش‌های مهدوی مستشرقان غربی و بررسی برخی از مهم‌ترین آرای این افراد می‌باشد. با توجه به تقویت مطالعات مهدوی در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران، به‌خصوص پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و با عنایت به جایگاه ویژه و پرچم‌داری برخی گروه‌های ضد اسلامی، همچون صهیونیسم در این مطالعات، ورود گسترده و سازمان‌یافته نهادهای حوزوی و دانشگاهی به حوزه مهدی‌پژوهان غربی ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: مهدویت، مستشرقان، مهدی‌پژوهان غربی، انقلاب اسلامی.

^۱ پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا، ایمیل: Zdarani@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل: Mohamadamin@yahoo.com

مقدمه

عدم گنجایش انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران در قالب الگویی انقلاب‌های پیشین آن و محدود نبودن شاخصه‌های آن در مؤلفه‌های متداولی که تا آن زمان در دانش علوم سیاسی برای انقلاب‌ها بیان شده بود، پژوهشگران بسیاری را به مطالعه در مورد این پدیده واداشت. اگرچه محققان غربی از قرن‌ها قبل بر روی اسلام و مکتب تشیع همواره دارای مطالعاتی بوده‌اند؛ از آن‌جا که انقلاب اسلامی ایران در میان سایر انقلاب‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود، جلب توجه بیش از پیش پژوهشگران غربی، به مردم ایران، دین اسلام و مکتب تشیع را باعث گردید.

تحقیقات صورت گرفته در این باره، همچون مطالعات بر روی سایر پدیده‌ها، شامل ساحت‌ها، موضوعات و انگیزه‌های متعددی بوده است؛ ساحت‌هایی همچون سیاست، اجتماع، فرهنگ، جغرافیا و اقتصاد و موضوعاتی مانند قرآن، حدیث، فلسفه، کلام، ادبیات، عرفان و تاریخ. همچنین انگیزه‌هایی که گاه به شناخت و معرفی به سایرین و گاه شناخت مؤلفه‌های ضعف، جهت وارد آوردن لطمه بدان معطوف بوده است. در این میان، پژوهش‌های مهدوی محققان غربی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از برجستگی‌هایی، هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت برخوردار گشته است. به نظر می‌رسد عامل این برجستگی، نقش عمده این آموزه در شکل‌گیری نهضت امام خمینی و سرانجام آن، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت باشد. ژان پیر فیللیو^۱ محقق فرانسوی مدرسه عالی پو در بیان نقش این آموزه در انقلاب ایران می‌گوید: انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، موجب گسستی عمیق در سنت و روش آرامش‌گرایی شیعیان شد؛ چرا که امام خمینی برداشت جدیدی از آموزه مهدویت ارائه کرد و از عناصر منجی-باوری شیعی برای موفقیت خود بهره برد.^۲ الیور لیمن^۳، پژوهشگر آمریکایی دانشگاه‌های کمبریج و کنتاکی نیز انقلاب اسلامی را عامل تغییر نگاه‌ها به شیعه مبنی بر انفعال و سکوت سیاسی آن‌ها تا پیش از انقلاب بیان می‌کند.^۴

همچنین در زمینه آرا و آثار مستشرقان، به‌ویژه فعالان عرصه شیعه‌پژوهی و مهدویت آثار متعددی وجود دارد، همچون «بررسی و نقد دیدگاه‌های جونل ریچاردسون در زمینه مهدویت»،

1. Jean Pierre Filiu.

2. Filiu, Apocalypse in Islam, p.79.

3. Oliver Leaman.

4. Leaman, The Mahdi as a Source of Doctrinal Differentiation in Islam, p.65.

نوشته زهیر دهقانی آرانی و مهدی یوسفیان؛ «نقد و بررسی دیدگاه‌های تیموتی فرنیش در زمینه مهدویت»، نوشته زهیر دهقانی آرانی و سید رضی موسوی گیلانی؛ «جایگاه اصول اعتقادات شیعه دوازده‌امامی در آثار شیعه‌شناسان غربی»، نوشته مریم صانع‌پور و «بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و اندرو جی نیومن درباره مهدویت و مسائل پیرامونی»، نوشته اصغر فروغی ابری و ندا بدیعیان‌فرد. نزدیک‌ترین اثر به این پژوهش مقاله‌ای است با عنوان «دوره‌های مهدویت پژوهی مستشرقان»، نوشته علی اکبر جعفری و عبدالعلی ترابی ورنوسفادرائی که محور تقسیم ادوار مهدی‌پژوهی را حکومت صفویه قرار داده است. نوع زاویه نگاه، در تعیین نقاط تاریخی عطف مطالعات مهدوی، کم‌توجهی و عدم برجسته‌سازی تأثیر انقلاب اسلامی ایران، بی‌توجهی به وقایع سپتامبر ۲۰۱۱، پرداخت بیش از حد لزوم به آرا و افکار مستشرقان و عدم بهره‌وری از منابع اصلی آثار مستشرقان؛ از جمله خلاهایی است که رفع آن‌ها ارائه اثر کامل‌تر را اقتضا می‌کرده است. ویژگی تحقیق پیش رو، بررسی جنبه‌های مختلفی از ارتباط مطالعات مهدی‌پژوهی در غرب معاصر با انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد سنخ نگاه این مطالعه از حیث بررسی ارتباط میان این دو پدیده، تاکنون به‌طور مستقل، مورد دقت قرار نگرفته است.

ادوار مهدی‌پژوهی

با نگاهی به کارهای صورت گرفته در زمینه مهدویت، می‌توان ادوار مهدی‌پژوهی در غرب را چهار دوره دانست: این دوره‌ها به اجمال عبارتند از سال ۱۸۲۸ (که تاریخ اولین اثر مهدوی در دسترس می‌باشد) تا ۱۹۴۵ (مصادف با پایان جنگ جهانی اول)؛ دوره دوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹ (مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران)؛ دوره سوم از ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۱ (مقارن با حملات یازدهم سپتامبر در آمریکا) و آخرین دوره، از ۲۰۰۱ تا کنون. در این نگاره نگاهی آماری به کارهای صورت گرفته در دوره چهارم ارائه و برجسته‌ترین آثار آن معرفی خواهد شد. همچنین برخی از مهم‌ترین آرای دوره چهارم مهدی‌پژوهی در غرب، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی اجمالی زمینه‌ها و آمار کارهای صورت گرفته

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در دو قرن اخیر، مطالعات شیعه‌شناسانه، همواره در میان محققان غربی وجود داشته است؛ اما در دو مقطع تاریخی، توجهات به این سوژه مطالعاتی، بیش از دو برابر افزایش یافته است. اولین نقطه عطف این سیر، سال ۱۹۷۹ میلادی، مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دومین اتفاقی که موجب جلب بیش‌تر توجهات جامعه علمی غرب به مهدویت شد؛ حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بوده است. خط پررنگ و برجسته استکبارستیزی

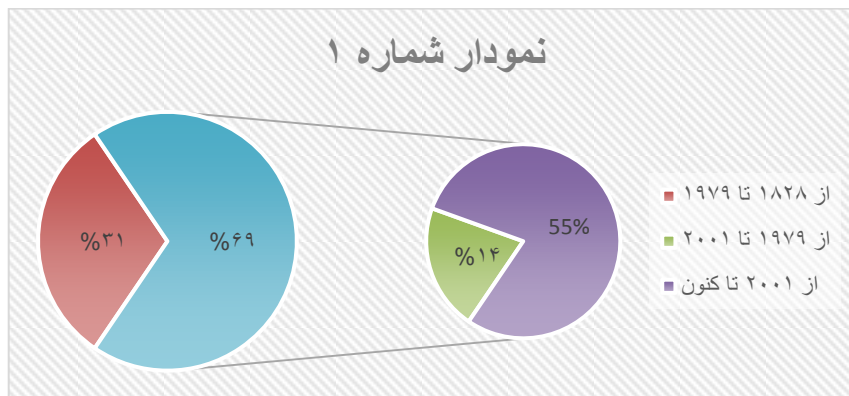
معارف اسلامی، که نمونه بارز آن انقلاب اسلامی ایران بود، طی دو دهه مطالعات اسلام‌شناسانه و شیعه‌پژوهانه دانشمندان غربی، از چشم سران این کشورها دور نمانده و با توجه به ظرفیت گسترده این مکتب، در صدد ریشه‌کنی آن برآمده‌اند و از جمله این‌ها پروژه‌ای با نام «اسلام‌هراسی» است که در رأس آن گروه اسلامی «القاعده الجهاد»، معروف به «القاعده» قرار داشت. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه، منجی‌گرایی فعال، به معنای اعتقاد به زمینه‌سازی ظهور منجی آخرالزمان، از طریق تأسیس «خلافت» بود.^۱ همین امر، توجه دو چندان بسیاری از محافل علمی و سیاسی را به مسئله مهدویت موجب شد.

در میان پژوهشگران غربی صاحب اثر در حوزه مهدویت، مجموعاً با ۱۹۳ نفر از محققانی رو به رو هستیم که در زمینه مهدویت، صاحب دیدگاه می‌باشند. در این میان، اولین اثر در دسترس، به جوزف توسان رینو^۲ مربوط می‌باشد که در سال ۱۸۲۸ نگاشته شده است. غیر از این ۱۹۳ نفر، ۵۲ نفر دیگر نیز دارای آثاری، اعم از کتاب، مقاله و سخنرانی در موضوع مهدویت می‌باشند. البته این افراد، مانند گروه قبل، در این حوزه صاحب‌نظر نبوده و تنها، تک‌نگاری‌هایی را در این موضوع دارا هستند.

از نظرگاه کمی، ۱۳۱ نفر از مجموع ۱۹۳ صاحب‌نظر غربی حوزه مهدویت، یعنی ۶۹٪ آن‌ها افرادی هستند که اثر یا آثاری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی دوره‌های سوم و چهارم داشته‌اند. از این ۱۳۱ نفر نیز، ۱۰۴ نفر کتاب‌ها و مقالاتی در سال‌های بعد از ۲۰۰۱ داشته‌اند که عدد ۷۹٪ را نشان می‌دهد. این عدد حاکی از رشد ۳/۷ برابری تعداد افرادی است که در دوره چهارم نسبت به افراد دوره سوم، آثاری منتشر کرده‌اند. در مقایسه تعداد افراد دارای اثر، طی ۱۸ سال اخیر، به انضمام تعداد مستشرقانی که از سال ۱۸۲۸ پا به این عرصه گذاشته‌اند، معلوم خواهد شد که بیش از نیمی (یعنی ۵۵٪) از این مستشرقان در بازه زمانی ۱۸ سال اخیر قرار گرفته‌اند.

^۱ مک‌کانت، رستاخیز داعش، ص ۳۴.

^۲ Joseph Toussaint Reinaud.



برخی از محققان شاخص عرصه مهدویت شیعی

۱. دیوید کوک^۱

دیوید برایان کوک، متولد آمریکا و فارغ التحصیل رشته مطالعات اسلامی در مقطع دکتری از دانشگاه شیکاگو^۲ است. وی رساله دکتری خود را در سال ۲۰۰۱ با عنوان «شروع اسلام در سوریه در دوره اموی»، نگاشته است. با توجه به تخصص علمی کوک، تحصیل کوک در مقطع کارشناسی دانشگاه عبری اورشلیم، با توجه به گرایش علمی او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. او هم‌اکنون در دانشگاه رایس آمریکا با رتبه دانشیاری، به فعالیت‌های پژوهشی مربوط به دو حوزه اسلام افراطی رمزآلود (کاوشی در تحول مذهبی جادویی و عرفانی صورت گرفته در جنبش‌های تکفیری اسلامی تندرو) و گفتمان آخرالزمانی رمزآلود شیعه مشغول می‌باشد.

برخی از مهم‌ترین نگاه‌های دیوید کوک عبارتند از:

۱. مطالعاتی در مورد نگاه آخرالزمانی مسلمانان: این کتاب که در سال ۲۰۰۳ منتشر شده، حاوی یک مقدمه، ۸ فصل و چند ضمیمه در مورد تبیین نگاه آخرالزمانی مسلمانان می‌باشد. وی در این کتاب، به جنبه‌های مختلف آخرالزمان اسلامی، ذکر برخی روایات آخرالزمانی و اصحاب امام مهدی و مکان‌های آن‌ها می‌پردازد؛
۲. گفتمان آخرالزمانی معاصر مسلمانان: شیوه پردازش کوک در این کتاب، اتکا بر مجموعه‌ای از موضوعات مطرح در میان نویسندگان معاصر مسلمان در زمینه مسائل آخرالزمانی است. این کتاب در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است؛

¹. David Brayan Cook.

². University of Chicago.

۳. شناخت جهاد؛
۴. شهادت در اسلام؛
۵. درک و نشان‌یابی حملات انتحاری؛
۶. کتاب الفتن: سنت آخرالزمانی مسلمانان سوری؛ ترجمه مقابله‌ای کتاب نعیم بن حماد مروزی.

وی همچنین مقالات متعددی در زمینه مهدویت نگاشته است. عناوینی همچون نگاه‌های آخرالزمانی به سال ۲۰۰ هجری و وقایع پیرامونی آن؛ عراق، مرکز سناریوهای آخرالزمانی؛ جنبش‌های آخرالزمانی شیعی و سنی در دوره آغازین اسلام؛ منابع هزاره‌گرایی اسلامی؛ ترس مسلمانان از سال ۲۰۰۰؛ انتظار برای امام دوازدهم؛ گفتمان آخرالزمانی معاصر شیعی و گمانه‌زنی‌ها در لبنان و ایران؛ زمینه‌های ضد یهودی در گفتمان جهادی و آخرالزمانی مسلمانان؛ منجی‌گرایی در هلال شیعی؛ اسلام و آخرالزمان؛ آغاز اسلام با رنگ و بوی جنبشی آخرالزمانی؛ آخرالزمان اخلاقی (معنوی) در اسلام نیز بخشی از مقالات وی در زمینه مهدویت است.

وی همچنین مقالات دایره‌المعارفی تدوین و نیز سخنرانی‌هایی مرتبط با اسلام شیعی ایراد کرده است. ارزیابی کلی از وی، تصویر شخصیتی پرتلاش طی دو دهه حیات علمی را نشان می‌دهد. وی برای تحقیقاتش به ایران سفر و از نقاط مذهبی مهمی بازدید کرده است؛ از جمله در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ به مشهد سفر کرد و از حرم مطهر رضوی و مرکز جامعه المصطفی‌العالمیه این شهر و همچنین در قم از مراکز علمی و حوزوی و نیز جمکران بازدید کرده است. به دلیل محدودیت این مقاله، در ادامه به بررسی برخی از آرای گسترده کوک در موضوع نگاه آخرالزمانی اسلام و منجی‌گرایی اسلامی پرداخته خواهد شد:

آخرالزمان اسلامی

از دیدگاه کوک، مسائل آخرالزمانی و منجی، از مهم‌ترین مسائل اسلامی و نیز پرطرفدارترین موضوعات در میان مسلمانان است. او مدعی است این گرایش، در چهار عنصر اصلی تحولات بومی، رویدادهای تاریخی، تفسیر قرآن و منابع خارجی ریشه دارد. از دیگر زمینه‌های مهم شکل‌گیری این باورها، از نظر این محقق، رشد اسلام در سوریه (و تاحدودی عراق) است که به نوعی این دو منطقه مرکز تلاقی ادیان مختلف یهودی، مسیحی و حتی زرتشتی بوده و تفکرات آخرالزمانی مردمان حاکم در آن عصر و نیز اعتقادات و تعصبات گذشته، بر این موضوع تأثیر شگرفی داشته است. البته به اعتراف کوک، این، به معنای گرت‌برداری کامل و عدم اصالت نگاه آخرالزمانی اسلام نیست؛ چراکه این موارد با ورود به اسلام، گزینش شده و تغییر و تحول یافته-

اند. وی با تأمل در روایات، محتوای آخرالزمانی این روایات را به سه بخش تاریخی، فراتاریخی و اخلاقی تقسیم کرده و جداگانه به تحلیل هریک می‌پردازد.^۱ در بخش تاریخی، به عناصری همچون شخصیت‌ها، مکان‌ها و عناصری قابل تشخیص تاریخی می‌پردازد.^۲ آخرالزمان فراتاریخی در نگاه کوک، مواردی را شامل می‌شود که به‌طور کلی با رویدادهای تاریخی، ظاهراً بی‌ارتباط بوده و صرفاً با نگاه فرجام‌خواهانه تنظیم شده‌اند. از جمله این موارد، جریان ابن صیاد و دجال، سفیانی، دابه الارض، یأجوج و مأجوج، جساسه، شعیب بن صالح و خسف بیداء است.^۳ آخرالزمان معنوی (اخلاقی)، تقسیم دیگری است که دیوید کوک در میان روایات و ایده‌های آخرالزمانی اسلام بدان پرداخته است. از منظر او، آخرالزمان اخلاقی در اسلام، بیانیه‌ای دینی، سیاسی و اجتماعی مختصر است که از قالبی خاص استفاده و به مخاطبان القا می‌کند که اکنون پایان جهان رسیده است. در این نگاه، مسائلی همچون شیوه برخورد با مردم، ساختارهای قدرت، تشکیلات مذهبی و نگاه به جامعه آرمانی و عدالت محور مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۴

آخرالزمان در قرآن

یکی از مباحث قابل توجه و تأمل در تحقیقات دیوید کوک، "گزاره‌های آخرالزمانی قرآن" است. او با توجه به وعده‌های بسیار قرآنی، درباره تحقق قریب الوقوع قیامت، که از آن به «پایان جهان» تعبیر می‌شود و نیز استنادات فراوان روایات آخرالزمانی به قرآن، این کتاب را به شدت آخرالزمانی تلقی می‌کند. وی با رجوع به روایت، آمار جالب توجهی از استنادات قرآنی موجود در روایات آخرالزمانی گردآوری کرده است. نتیجه این بررسی ۴۹۰ ارجاع قرآنی موجود در روایات است. از این تعداد ۲۷۹ مورد مختص به منابع شیعه، ۱۴۸ مورد ویژه منابع سنی و ۶۳ مورد مشترک می‌باشد.

تشابهات نگاه آخرالزمانی اسلام و مسیحیت

وی در بخش‌های مختلفی از آثار خود به این موضوع اشاره کرده است. ظهور ضد مسیح در آخرالزمان، بازگشت عیسی از آسمان و مبارزه او با دجال، انتخاب بیت المقدس (اورشلیم) به عنوان پایتخت حکومت مسیحایی و تشابه دوران صلح و صفای پس از ظهور با عبارات کتاب

^۱. Cook, Studies in Muslim Apocalyptic, p.151.

^۲. Cook, Understanding Jihad, Berkeley, p.34.

^۳. Ibid, p.92.

^۴. Cook, Hagarism: The Making of the Islamic World, p.41.

مقدس از این جمله موارد است. به نظر می‌رسد این بیانات با انگیزه بازتعریف دانستن اندیشه آخرالزمانی و منجی‌گرایانه اسلام از مسیحیت باشد.

منجی، غیبت و انتظار در شیعه

به درستی دلیل این امر روشن نیست؛ اما او معتقد است که نخستین چهره آخرالزمانی اسلام، عیسی بوده و مهدی به جایگزینی عیسی علیه السلام نیز در زمان‌های بعد اتفاق افتاده است.^۱ دیوید کوک در مقام تحلیل این جابه‌جایی شخصیت، قدرت‌طلبی قومی خاندان پیامبر (قریش) را در سایه اسلام مطرح می‌کند. بدین صورت که قریش واقف به موقعیت قدرت‌مند منجی بوده و درصدد بهره‌مندی از این قدرت نیز بوده‌اند.^۲

در مقام جمع‌بندی فعالیت‌های این شخص، می‌توان وی را فردی جزئی‌نگر، دقیق و پرکار معرفی کرد که آشنایی‌اش با زبان فارسی و عربی این امکان را به وی داده که تحقیقات خویش را با رجوع به منابع اصلی سامان دهد. با این حال وی دارای اشکالاتی جدی در برداشتها و نتیجه‌گیری‌های خود بوده که این مقوله نیازمند ورود و پاسخ اهل نظر می‌باشد.

۲. آندرو جی نیومن^۳

آندرو جی نیومن، محقق آمریکایی فارغ‌التحصیل از دانشگاه کالیفرنیا^۴ است. رشته تحصیلی وی در مقطع کارشناسی، تاریخ و در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، مطالعات اسلامی است. عنوان رساله دکتری وی "توسعه و اهمیت سیاسی مکاتب عقل‌گرا (اصولی) و سنت‌گرا (اخباری) در تاریخچه شیعه امامی از قرن سوم هجری/نهم میلادی تا قرن دهم/شانزدهم^۵ می‌باشد. عمق و دقت تحقیقات نیومن طی ۲۲ سال (از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۹) در مطالعات شیعی، وی را به یکی از چهره‌های شاخص در این شاخه از مطالعات اسلامی تبدیل کرده است. حوزه‌های مطالعاتی وی طبق اذعان خود او عبارتند از:

۱. تاریخ شیعه دوازده امامی؛

^۱. Cook, Understanding Jihad, Berkeley, p.178.

^۲. Ibid, p.178.

^۳. Andrew J. Newman.

^۴. University of California.

^۵. The Development and Political Significance of the Rationalist (Usuli) and the Traditionalist (Akhbari) schools in Imami Shi'i History from the Third/Ninth to the Tenth/Sixteenth Century.

۲. تاریخ فقه اسلامی؛
۳. مطالعات حدیثی؛
۴. تکامل مبادی قانونی نظریه‌ها و ایده‌های پزشکی در اسلام؛
۵. تاریخ ایران؛
۶. تاریخ و فرهنگ خاورمیانه در دوران کلاسیک، قرون وسطا و مدرن؛
۷. زبان و ادبیات فارسی؛
۸. ادبیات مدرن عربی^۱.

از جمله امتیازات این محقق در تحقیقاتش آشنایی با زبان، فرهنگ و متون اصیل جامعه هدف تحقیق می‌باشد. او مدت‌ها در ایران حضور و علاوه بر تدریس زبان انگلیسی، با محافل ادبی و دینی این کشور ارتباط داشته است. آثار منتشر شده از وی در حوزه مطالعات شیعی تا سال ۲۰۱۸ چهار اثر با عناوین «دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی» نگاهی به حدیث به‌عنوان گفتمان میان قم و بغداد، جامعه و فرهنگ خاورمیانه در اوایل دوران مدرن: مطالعاتی در مورد ایران صفوی، ایران صفوی: تولد دوباره یک امپراتوری فارسی، و شیعه دوازده‌امامی: وحدت و تنوع در طول حیات اسلام را تشکیل می‌دهد. از دیگر امتیازات رویکرد تحقیقی نیومن، تلاش به منظور ورود به مباحث اعتقادی بدون پیش‌داوری‌های متداول بسیاری از مستشرقان غربی، گستره وسیع و نسبتاً جامع در موضوعات منتخب برای پژوهش، تلاش برای سنجش اعتبار گزاره‌های شیعی با ملاکات شیعی، توجه به بسترهای تاریخی عقاید و احادیث شیعی و تحلیل ارتباط بین آن‌ها می‌باشد.^۲

از این محقق پرکار، مقالات و سخنرانی‌های تخصصی زیادی در حوزه شیعه‌شناسی منتشر و ایراد شده است. وی هم‌چنین در حدود ۳۰ سخنرانی مهم در حوزه‌های مختلف مطالعات شیعه داشته است. علاوه بر این موارد، فعالیت‌هایی همچون دانشیاری پژوهشی در مرکز تحقیقات علمی جهان ایرانی-هندی در فرانسه، رهبری تیم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در تاریخچه کتابشناسی ارتباط میان مسیحیان و مسلمانان، ویراستاری بخش ایران در دایره‌المعارف اسلام (ویرایش سوم) و برگزاری چهار سمینار علمی مهم با عنوان «تعارض شیعه و اهل سنت در اسلام: گذشته، اکنون و آینده» عضویت در هیات تحریریه اصلی بخش «مطالعات اسلامی» در

^۱ . [https://www.research.ed.ac.uk/portal/en/persons/andrew-j-newman\(fe1db6d7-4423-4b49-8ca1-533738d20778\).html](https://www.research.ed.ac.uk/portal/en/persons/andrew-j-newman(fe1db6d7-4423-4b49-8ca1-533738d20778).html).

^۲ دهقانی‌آرانی، بررسی سیر مهدی‌پژوهی مستشرقان در ۱۵۰ سال اخیر، ص ۵۳-۵۵.

«کتاب‌شناسی آنلاین آکسفورد» داشته است.^۱ از برجسته‌ترین کارهای نیومن، مطالعه تمام روایات و اسناد اصول، روضه کافی و بخشی از فروع کتاب کافی، تمام ۱۳۳۱ روایت کتاب بصائرالدرجات و تمام ۲۱۸۱ روایت باقی‌مانده از کتاب المحاسن برقی، مقایسه و دسته‌بندی موضوعات و راویان آن‌ها و تحلیل شیوه نگارش هریک از آن‌ها می‌باشد.^۲

از آن‌جا که تخصص اصلی نیومن در حوزه تاریخ بوده و این توان را در حوزه مطالعات شیعی در بخش تاریخ ایران صفوی به‌کار گرفته است؛ بخش‌هایی از مهم‌ترین آرای مهدوی این شخص مورد بررسی قرار می‌گیرد که به‌طور پراکنده در خلال آثاری همچون دو کتاب شیعه دوازده‌امامی: «وحدت و تنوع در طول حیات اسلام» و «دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی» و همچنین برخی از مقالات وی مطرح شده است:

۱. معرفی جمعیت شیعه دوازده‌امامی حاضر در عصر غیبت صغرا، که به‌طور طبیعی به حیات و غیبت امام دوازدهم معتقد بودند با عنوان «کوچک‌ترین اقلیت جامعه شیعه»؛^۳
۲. وجود اختلاف در میان آرای علمای این دوره در مورد «آخرین امام» بودن فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام.^۴ به‌طور مشخص نام بردن از صفار قمی، به‌عنوان «عالمی قائل به آغاز جانشینی امامان پس از امام دوازدهم»؛^۵
۳. اعتقاد عالمان این دوره به کوتاهی دوران غیبت امام و ظهور قریب الوقوع ایشان؛^۶
۴. تأثیر تفکر اعتزالی حاکم بر بغداد در تدوین عقایدی همچون غیبت امام، عصمت ائمه و واگذاری امر اداره جامعه شیعی و پیشبرد اهداف آن، بر عهده عالمان متخصص در الاهیات عقل‌گرای اخذ شده از همان تفکر حاکم، توسط بنی نوبخت؛^۷
۵. انکار صریح تعیین هرگونه نماینده‌ای توسط امام دوازدهم با تأکید بر سفرای چهارگانه. به-دلیل ناشناسی این افراد در ممالک اسلامی و نیز عدم اشاره کلینی به مناصب دو سفیر اول در هنگام نقل روایت از ایشان؛^۸

۱. همان، ص ۳۳.

۲. نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی، ص ۴۵۱.

۳. همان، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۴. همان، ص ۲۰۳.

۵. همان، ص ۲۵۱.

۶. همان، ص ۲۰۳.

۷. همان، ص ۱۳۱.

۸. همان، ص ۳۷۷.

۶. اعتقاد بر نگارش کتاب‌های کافی، بصائر و محاسن تحت تأثیر فضای اعتقادی حاکم بر محل نگارش. برای مثال معتقد است احادیث کتاب‌های بصائر و محاسن، متأثر از فضای قم و فشار حاکم بر شیعیان با هدف ایجاد دلگرمی و امیددهی به آنان، مبنی بر بازگشت قریب الوقوع امام مهدی نگاشته شده است؛^۱

۷. تردید در ماهیت و تعداد و مدت غیبت با استناد به ۳۱ روایت باب غیبت کافی که برخی از آنان را حاکی از وقوع یک و برخی دیگر را حاکی از دو غیبت دانسته است؛^۲

۸. ادعای خشونت‌آمیز بودن قیام امام مهدی عجله تعالی فرجه و ادعای این مطلب که انگیزه قیام امام صرف گرفتن انتقام رنج و شهادت وارد بر امامان به‌ویژه امام حسین علیه السلام؛^۳

۹. رواج باور به امامان دوازده گانه در میان محدثان نیمه اول عصر غیبت صغراً^۴ و وجود روایات مربوط به غیبت در سال‌ها قبل از ابتدای قرن سوم^۵؛ منعکس در کتاب "دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی". این دیدگاه در رد نگاه برخی مستشرقان، مبنی بر فقدان روایتی دال بر این عقیده در قرن اول و دوم هجری، دارای اهمیت زیادی است؛

۱۰. اذعان به اعتقاد مسلمانان به مهدویت و زمینه‌سازی این پیشینه برای پیروزی «مختار»، که از شعار مهدویت بهره می‌برد. این نگاه نافی باور کسانی است که تأسیس باور مهدویت را در زمان و در شخص مختار بیان می‌کنند؛^۶

۱۱. انتساب اندیشه حق حاکمیت مشروع در دوران غیبت (ولایت فقیه) به دوران بعد از قرن اول غیبت و فقدان چنان اندیشه‌ای در آن برهه.^۷

در مقام جمع‌بندی، آندرو نیومن را می‌توان محققى پرتلاش نامید که با تحقیقاتی گسترده بر برخی از مهم‌ترین منابع مکتوب شیعی در عصر غیبت صغرا، دیدگاه‌هایی ارائه کرده است. اشکالاتی همچون اتخاذ پیش‌فرض‌هایی ناصحیح، عدم مراجعه به کلام علمای تراز اول شیعه در فهم برخی گزاره‌ها، جزئی‌نگری و خلاً جامع‌نگری را می‌توان در کنار محاسنی چون استفاده

۱. همان، ص ۳۷۳.

۲. همان، ص ۳۱۷.

۳. همان، ص ۳۷۴.

۴. همان، ص ۲۱۶.

۵. همان، ص ۲۵۱ و ۳۷۳.

۶. Newman, Twelver Shi'ism: Unity and Diversity in the Life of Islam (The New Edinburgh Islamic Surveys), p.33.

۷. همان، ص ۳۷۸.

از منابع اصیل و اولیه شیعه، گستردگی دامنه تحقیق در موضوعی خاص و تحلیل تاریخی برخی آموزه‌ها، در آثار وی برشمرده.

۳. اتان کلبِرگ^۱

بی‌تردید کیفیت مطالعات مهدوی انجام شده، یکسان نبوده و برخی از این نگاره‌ها دارای برتری‌هایی از زوایای مختلف بر دیگر آثار می‌باشد. آثار اتان کلبِرگ، دانشمند اسرائیلی دانشگاه عبری اورشلیم^۲ نوعاً از دقت، گستردگی دامنه تحقیقات از منابع اصیل شیعه و عمق نگرشی برخوردار است. او یکی از سرشناس‌ترین استادان شیعه‌شناس اسرائیل است که افراد بسیاری را در زمینه شیعه‌شناسی پرورش داده است. کار عمده او بر روی شیعه دوازده‌امامی است. آثاری که از وی تاکنون انتشار یافته است و تاریخ انتشار هر اثر عبارت است از:

۱. از امامیه تا اثناعشریه، انتشار در سال ۱۹۷۶؛
 ۲. برخی دیدگاه‌های شیعی در مورد جهان پیش از طوفان حضرت نوح، انتشار در سال ۱۹۸۰؛
 ۳. امام و جامعه قبل از دوران غیبت، انتشار در سال ۱۹۸۸؛
 ۴. اعتقاد و قانون شیعه امامی، انتشار در سال ۱۹۹۱؛
 ۵. نخستین کاربردهای اصطلاح اثناعشریه، انتشار در سال ۲۰۰۰؛
 ۶. مکتب تشیع، انتشار در سال ۲۰۰۳؛
 ۷. کلیدواژه‌های "سفیر" و "رجعت" در دائرةالمعارف اسلام، انتشار در سال ۲۰۱۴.
- مهم‌ترین اثر وی مقاله «از امامیه تا اثناعشریه» می‌باشد که در آن به بررسی سیر تحول تفکر شیعه از اعتقاد به امامت بدون انحصار در تعدادی مشخص، تا اعتقاد به امامت انحصاری دوازده امام معین می‌پردازد. او در این اثر با تکیه بر منابع اولیه و معتبر اسلامی، شواهد و قرائن بسیاری، اعم از تاریخی و حدیثی در اثبات این نگاه ارائه می‌کند. برای نمونه او به مطرح نبودن نظریه ویژه شیعه دوازده‌امامی و عقاید خاص آن در زمان رحلت امام عسکری علیه السلام اشاره کرده و به عدم اشاره صفار قمی در بصائر الدرجات و نیز برقی در المحاسن به موضوع غیبت و دوازده امام استشهاد می‌کند.^۳

وی همچنین در مقام بیان شیوه شکل‌گیری نظریه غیبت در شیعه، این نکته را بیان می‌کند که فشار شدید به امامان آخر و کمک اندیشه غیبت به شیعه برای بازسازی و امیدبخشی به خود،

¹. Etan Kohlberg.

². Hebrew University Of Jerusalem.

³. Kohlberg, From Imāmiyya to Ithnā-ashariyya.

موجب شد تا عقیده حیات امام و زندگی درخفای او مورد قبول شیعیان واقع شود تا تمامی آمال و آرزوهای اقلیتی که مدتی طولانی تحت رنج و عذاب بوده، در او به عنوان "منجی" تبلور و تمرکز یابد.^۱

کلبه‌گ در اثر دیگر خود با نام «نخستین کاربردهای اصطلاح اثنا عشریه» به تفصیل در مورد همین عنوان، به کاوش و تحلیل پرداخته است. او سابقه این اصلاح را به قرن چهارم، و به کار رفته در کتاب *الفرق الشیعه* حسن بن موسی نوبختی منتسب می‌کند.^۲ او با مقوله مسئله کاربرد اصطلاح اثنا عشریه و نیز فرزندی امام مهدی برای امام حسن عسگری علیه السلام در برخی آثار مانند آثار ابوحاتم رازی (م ۳۲۴ق)، *مقالات الاسلامیین* بلخی (م ۳۱۹ق)، *مقالات الاسلامیین* ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق) و *مروج الذهب* مسعودی (م ۳۴۵ق)؛ در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که هیچ شاهد روشنی نیست که از اصطلاح اثنا عشریه در دوره غیبت صغرا استفاده شده باشد و معتقد است مثال‌های ذکرشده، یا در تاریخ مشکل دارند و یا لزوماً صریح نیستند. قدیمی‌ترین استفاده قابل استناد را، عبارت مسعودی در *التنبیه و الاشراف* می‌داند که عالمان دوازده‌امامی نیز ترجیح می‌دادند از اصطلاحات قدیمی‌تر استفاده کنند.^۳

اتان کلبه‌گ یکی از مقالات خود را نیز به مسئله‌ای عجیب اختصاص داده و آن جایگاه فرزندان نامشروع در روایات آخرالزمانی است. او معتقد است مقوله ولدالزنا در روایات آخرالزمانی دارای نقش برجسته‌ای است. یکی از آن نقش‌ها در زمینه دوره پیش از ظهور مهدی است که این دوره با علامت ازدیاد نسل ولدالزنا مشخص شده است. مورد دیگر، آن است که در دوران حکمرانی سفیانی همه قدرت‌ها در دست این افراد است و امام علی نیز گوشزد کرده که پیروان دجال غالباً از یهودیان و انسان‌های حرام‌زاده تشکیل می‌شود.^۴ در واقع از منظر کلبه‌گ یکی از شاخص‌های دوره آخرالزمان مقوله ولدالزنا و نقش چنین افرادی در حاکمیت و در مسائل اجتماعی است.

در مقام جمع‌بندی این شخصیت، نکاتی از قبیل دقت نظر، کاوش گسترده، بررسی تطبیقی موضوعات بین منابع و اشخاص متعدد به چشم می‌خورد. از سویی دیگر، وجود پیش‌داوری‌های متعدد در نگاه وی به آموزه‌های شیعه در آثار وی پررنگ می‌نماید. شاید بتوان چشم‌پوشی از

¹. Ibid.

². Kohlberg, Early attestations of the term "Ithna-'ashariyya", p.350.

³. Ibid, pp.352-344.

⁴. Kohlberg, Some Shi'i Views of the Antediluvian World, p.242.

برخی گزارش‌ها و قرائن را که مخالف آرای وی بوده در همین جهت مورد تحلیل قرار داد. عدم توجه به آرای این شخص در طی حدود چهل سال از مؤلفه‌های ضعف محققان اسلامی و شیعه تلقی می‌شود. توجه بیش از پیش به آرای مستشرقان، به ویژه افراد شاخص فعال در این زمینه لازمه ارتقای کیفیت تحقیقات آنان در زمینه مهدویت می‌باشد.

برخی آثار شاخص سایر محققان غربی پس از دوران انقلاب اسلامی

برخی از برجسته‌ترین آثار در بردارنده آرای مهدوی محققان صاحب‌نظر غربی در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران عبارت است از:

۱. کتاب *دولت و حکومت در اسلام قرون وسطی*، اثر آن لمبتون؛^۱ کتابی است که در آن آموزه غیبت و رجعت امام (اعم از ظهور و رجعت مصطلح) بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این کتاب مقوله‌های ذیل مطرح شده است: نظریه شیعه در باب حکومت ائمه،^۲ دیدگاه‌ها به دو عقیده غیبت و رجعت در دو قرن نخست اسلام و تعریف این عقاید ذیل تفکرات غلات؛^۳ همچنین دیدگاه‌های شیخ صدوق در عقاید شیعه در مورد مسئله امامت (لزوم وجود حجت‌های الهی در زمین) و مسئله امامت و ویژگی‌های امام دوازدهم^۴ باورهای منجی‌گرایانه حکام صفوی؛^۵ دیدگاه‌های برخی شخصیت‌های مذهبی شیعه در مورد ارتباط شاهان صفوی با امام عصر عجل‌تعالیه؛^۶ باورهای امامت و حکومت نزد اسماعیلیه؛^۷ باورهای اسماعیلیه بر وجود مهدی از نسل علی در فرزندان اسماعیل، پسر امام صادق عجل‌تعالیه؛^۸ دیدگاه‌های فیلسوفانی از جمله فارابی در مورد مدینه فاضله و تطبیق آن بر حکومت امام مهدی عجل‌تعالیه در آخرالزمان.^۹ قابل ذکر است که این شخصیت، یک ایران‌شناس برجسته نیز محسوب می‌شود.

¹ Ann K. S. Lambton.

² Lambton, *State and Government in Medieval Islam*, pp.219-241.

³. Ibid, pp.219-220.

⁴. Ibid, p.223.

⁵. Ibid, p.226.

⁶. Ibid, p.275.

⁷. Ibid, pp.288-360.

⁸. Ibid, p.288.

⁹. Ibid, p.316.

۲. کتاب *پایان دنیا در اسلام*، اثر کینث کراگ^۱. وی در این کتاب به‌طور مستقیم و مبسوط به باورهای منجی‌گرایانه مسلمانان، به‌ویژه شیعیان می‌پردازد.
۳. کتاب *آخرالزمان از دیدگاه تاریخ اسلامی*، مقالات تشیع، مقاومت و انقلاب؛ شیعه در تاریخ اسلام، زبان سیاسی اسلام، یهودیان اسلام، اسلام و غرب، اثر برنارد لوئیس^۲. وی در آثار ذکر شده، به آموزه مهدویت و نقش آن در مناسبات سیاسی اجتماعی شیعه توجه وافری داشته است. نیز در باب مسائلی همچون تمایزات اعتقادی شیعه و سنی در باب حکومت^۳، جایگاه ممتاز امام در اندیشه شیعه^۴ و ویژگی‌های امام دوازدهم شیعیان^۵ مطالب در خور توجهی نگاشته است. وی فردی بسیار شناخته شده در جهان است که کتاب‌ها و مقالات او در موضوعات مختلف سیاسی و عقیدتی مورد توجه است. او به علت یهودی بودن، به اسرائیل دلبستگی زیادی دارد و همچنین یکی از مراجع اسماعیلیه شناسی جهان به حساب می‌آید. این دو ویژگی بر نگاه او به شیعه و آموزه مهدویت آن تأثیر به‌سزایی داشته است.
۴. کتاب‌های *مذهب و سیاست در ایران*: شیعه از سکوت تا انقلاب، ایران و جهان اسلام: مقاومت و انقلاب، مقالات ایران، حل معما: دیدگاه یک مورخ، تشیع و انقلاب، ایران مدرن: ریشه‌ها و علل انقلاب، اثر نیکو کیدی^۶. وی در بخش‌های متعددی از آثار خود به ارتباط انقلاب اسلامی ایران با آموزه مهدویت به‌عنوان زمینه‌ها و علل آن پرداخته است.
۵. کتاب‌های ولایت در شیعه *اثنا عشری در دوران غیبت امام معصوم (علیه السلام)*، سفیانی در میان سنت و تاریخ، عبدالله بن زبیر و روایات آخرالزمانی مهدی، پیشگویی‌ها در حمص در عهد بنی امیه، کلیدواژه المهدی، سفیانی، امامت و شیعه در دائره المعارف اسلام^۲، اثر ویلفرد مادلونگ^۷.
۶. کتاب *تصورات غلط در مورد جایگاه فقهی/قانونی علمای ایران*، شیعه اثنا عشری: نظریه حقوقی سیاسی و ولایت قانونی، مدخل "امام حسن عسکری" در *دایره المعارف اسلام* اثر

¹ Kenneth Cragg.

² Bernard Lewis.

^۳. لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ص ۱۸۵.

^۴. همان، ص ۱۸۴.

^۵. همان.

⁶ Nikki R. Keddie.

⁷ Wilferd Madelung.

ژوزف الیاش^۱، وی که اطلاعات بسیار دقیقی دارد، از باورها، منابع، شخصیت‌ها و فقه شیعه در آثار خود به‌طور نسبتاً دقیقی به معرفی عقاید شیعه و ویژگی‌های این مکتب می‌پردازد. بیان وجه انحصاری عقاید شیعه مبنی بر باورداشت غیبت امام در عین حیات وی^۲، سعی در اثبات نامشروع بودن حکومت غیر امام در دوران غیبت با استناد به عدم صدور جواز این امر برای وکلای چهارگانه^۳؛ دیدگاه علما نسبت به نمایندگی فقها از جانب امام غایب^۴؛ توصیف نسبتاً مفصل از حدیث عمر بن حنظله در بحث ولایت فقیهان^۵؛ بیان عاملیت ضرورت‌های عملی و اجرایی همراه با ملاک‌های عقلانی الاهیات شیعه دوازده‌امامی، در صدور اجازه نانوشته توسعه مفهوم اجتهاد، بعد از غیبت کامل امام، با پروبال‌یابی شاخه اصول فقه^۶؛ انکار مشروعیت ادعای جانشینی امام دوازدهم در زمان غیبت ایشان با استناد به عدم وقوع این ادعا توسط وکلای چهارگانه و همچنین، فقدان دلیلی مبنی بر جواز دریافت خمس توسط علمای با ادعای نمایندگی یا عاملیت از جانب امام^۷؛ بیان نسبتاً دقیق امکان رؤیت امام غایب در خواب یا بیداری در عین عدم ترتب آثار حقوقی و اعتقادی بر این دیدارها^۸؛ از جمله مباحث مطرح در دو مقاله الیاش می‌باشد.

۷. کتاب *الاهیات و جامعه در قرن دوم و سوم هجری*، آغاز الاهیات اسلامی، اثر ژوزف فان اس^۹، وی فردی پرتلاش در حوزه مطالعات اسلامی، به‌ویژه فرقه‌های اسلامی است که آرای بی‌بعضاً منحصر به فرد در حوزه مهدویت دارد. اشاره به شکل‌گیری ایده مهدویت در میان مسلمانان پس از رحلت پیامبر، به‌عنوان رهبری دنیوی که عدالت را در آخرالزمان حاکم می‌کند^{۱۰} وجود انتظارات آخرالزمانی و هزاره‌گرایانه از همان آغاز اسلام و زمان پیامبر که

¹ Joseph Eliash.

² Eliash, *The Ithnā'asharī-Shī'ī Juristic Theory of Political and Legal Authority*, p.27.

³ Ibid.

⁴ Eliash, *Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama*, p.11.

⁵ Ibid, p.12.

⁶ Ibid, p.15.

⁷ Ibid, pp.17-18.

⁸ Ibid, p.24.

⁹ Josef van Ess.

¹⁰ Ess, *Theologie und Gesellschaft im 2. Und 3. Jahrhundert Hidschra*, p.4.

القای قریب الوقوع بودن آخرالزمان می‌شد؛^۱ اشاره به اعتقادات منجی‌گرایانه فرقه‌های سبائیه و تطبیق مهدی بر اشخاص مختلف توسط ایشان؛^۲ اشاره به اعتقادات فرقه‌های مختلف شیعی در مورد امام مهدی علیه السلام و غیبت ایشان؛^۳ بخشی از دیدگاه‌های وی به مهدویت شیعی می‌باشد.

۸. کتاب عبارات آخرالزمانی در جهان اولیه اسلامی، اثر مایکل گریگوری مورونی.^۴
۹. کتاب‌های انقلاب ایران و بازتاب جهانی، آینده اسلام، تاریخ اسلام آکسفورد، اسلام و سیاست آکسفورد، جنگ نامقدس: ترور به اسم اسلام، ایران در تقاطع، اثر جان اسپوزیتو.^۵ وی فردی پرکار در زمینه معرفی اسلام به غربیان در عصر کنونی است و در این زمینه کتاب‌های ازشمندی نگاشته است. اشاره به شکل‌گیری تفکر شیعی در صدر اسلام؛^۶ عدم تحقق آرمان‌های شیعه به دلیل زندگی تحت خلافت سنیان از یک‌سو و غیبت و اختفای امام از سوی دیگر؛^۷ به رسمیت نشناختن مشروعیت مذهبی حاکم دنیایی توسط علمای شیعه در عین ناگزیری پذیرش واقعیت حکومت ایشان؛^۸ تغییر دیدگاه شیعه در باب حکومت از مشاوری به حاکم به زعامت حکومت در قالب مسئله ولایت فقیه توسط امام خمینی؛^۹ باور به هدف قرار دادن مکان‌های مقدس شیعیان توسط اهل سنت افراطی، با هدف تضعیف یکی از منابع قدرت و الهام شیعیان و باور ایشان به بازگشت مهدی؛^{۱۰} حل معضل ناپدید شدن امام دوازدهم با ارائه دکترین غیبت؛^{۱۱} از جمله آرای منعکس شده در آثار این محقق می‌باشد.

¹ Ibid, p.7.

² Ibid, p.286.

³ Ibid, p.145.

⁴ Michael Gregory Morony.

⁵ John L. Esposito.

^۶ جان اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۴۲.

^۷ همان، ص ۴۵.

^۸ همان، ص ۵۱.

^۹ همان، ص ۵۳.

^{۱۰} همان، ص ۸۰-۸۱.

^{۱۱} همان، ص ۵۲.

۱۰. کتاب *تاریخچه‌ای از روایات آخرالزمانی در اسلام اولیه* و مقاله تاریخ‌گذاری روایات آخرالزمان در کتاب حدیث پژوهی در غرب، نوشته مونتسکی اثر مایکل کوک^۱.
۱۱. کتاب *پیروی از امام: مقدمه‌ای بر اسلام شیعی*، اثر یوهان ترهار^۲.
۱۲. کتاب‌های تشیع، اسلام شیعی: از مذهب تا انقلاب، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی علمی آنان، *امپراتوری مهدی و صعود فاطمیان*، اثر هایتس هالم^۳. این دانشمند آلمانی متخصص شیعه‌شناسی بوده و در این زمینه صاحب‌نظر محسوب می‌شود. سرچشمه گرفتن تشیع از محافل عربی کوفه، تجلی روحیه ایرانی بودن آن (که مدت‌ها عقیده بر آن بوده است) و یا انتقام ایران‌گرایی آریایی از اسلام و اعراب^۴؛ انتساب ریشه مهدویت و غیبت به مختار و قیام وی^۵؛ برابری اعتقاد به امام غایب یا پنهان با عقیده به امام زنده حاضر^۶؛ نفی ولادت امام مهدی و وفات بدون فرزند امام عسگری^۷؛ شیوه شکل‌گیری دکترین ولایت فقیه در زمان غیبت^۸؛ بخشی از دیدگاه‌های هالم در زمینه مهدویت است.
۱۳. کتاب *اسلام شیعی، فرقه‌ها و تصوف: ابعاد تاریخی، افعال مذهبی و ملاحظات روش‌شناسی*، اثر فردریک دی یونگ^۹.
۱۴. کتاب‌های در میان کتاب مقدس و قرآن: فرزندان اسرائیل و خودتصویری اسلامی، آخرالزمان و مشروعیت در روایات اسلامی: ظهور رهبران دوازده‌گانه، اثر یوری روبین^{۱۰}.
۱۵. کتاب‌های *اسلام شیعی عقاید و ایدئولوژی*، *امام غایب: تاریخ شیعه در ایران*، سیاست اسلامی ایران، تفکر امروزی ایران مدرن: ریشه‌ها و نتایج انقلاب، اثر یان ریچارد^{۱۱}.

¹ Michael Cook.

² Johan ter Haar.

³ Heinz Halm.

⁴ Halm, Shi'a Islam: From religion to revolution, p.45.

⁵ Ibid.

⁶ Ibid, p.68.

⁷ Ibid, p.73.

⁸ Ibid, pp.78-81.

⁹ Frederick de Jong.

¹⁰ Uri Rubin.

¹¹ Yann Richard.

۱۶. کتاب‌های سؤال مسیحی از اسلام/اولیه، محمد و خلافت در تاریخ اسلام آکسفورد، اثر فِرد دونر^۱. وی فردی معروف در زمینه اسلام‌شناسی در آمریکاست و در زمینه تشیع و مهدویت آرایایی در برخی آثار وی منعکس شده است. از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان به تقسیم شیعه به دو جناح اهل سکوت و فعال^۲ قیام ابن تومرت و ادعای مهدویت او^۳ اشاره کرد.
۱۷. مدخل "مهدی" در دایرة المعارف جهان اسلام آکسفورد، اثر رابرت کرامر^۴.
۱۸. کتاب سفرای امام دوازدهم در دوره تکوین شیعه دوازده‌مامی، بحث نمایندگان (نواب) مهدی در دائرة المعارف ایرانیکا، از جمله آثار ورنه کلم^۵ می‌باشد. وی شیعه‌شناسی برجسته در آلمان و ناشناس در ایران است. ورنه کلم به نقش سفرای در شکل‌گیری نگاه کنونی مهدویت در میان شیعیان امامیه پرداخته و مسائلی چون غیبت را ابزاری برای علمای عصر پس از امام عسکری علیه السلام به منظور تثبیت موضوع نزد شیعیان می‌داند.^۶
۱۹. کتاب روی کار آمدن شیعیان برون‌گرای دوازده‌مامی در عصر صفویه و تحکیم آن در سایه علامه محمدباقر مجلسی، تشیع و تحول در عصر صفوی، انتظار پایدار برای [ظهور] امام: معمایی حل نشده، "انتظار" در شیعه دوازده‌مامی، اثر کالین ترنر^۷.
۲۰. کتاب اهمیت کتاب الفتن ابن حماد در نگاه منجی‌گرایانه مسلمانان، اثر جردی آگاده^۸. برخی دیدگاه‌های مهدوی وی عبارتند از: علت توجه غربیان به منجی‌گرایی اسلامی در دو قرن اخیر: مواجهه و حتی شکست انگلیس، بزرگ‌ترین قدرت زمانه با چند جریان منجی‌گرایانه، از جمله مهدی سودانی یا در سومالی و نیز ظهور یک مدعی مهدویت در مراکش و...^۹ ادعای ساختگی بودن روایات مهدویت و عدم اصالت آن‌ها، مستنداً به کتاب نعیم بن حماد^{۱۰}: تحلیل اعتقادات منجی‌گرایانه نعیم بن حماد.

^۱. Fred McGraw Donner.

^۲. دهقانی‌آرانی، بررسی سیر مهدی‌پژوهی مستشرقان در ۱۵۰ سال اخیر، ص ۷۵.
^۳. همان.

^۴. Robert S. Kramer.

^۵. Verena Klemm.

^۶. دهقانی‌آرانی، بررسی سیر مهدی‌پژوهی مستشرقان در ۱۵۰ سال اخیر، ص ۶۰.

^۷. Colin P. Turner.

^۸. Jordi Aguadé.

^۹. دهقانی‌آرانی، بررسی سیر مهدی‌پژوهی مستشرقان در ۱۵۰ سال اخیر، ص ۷۴.
^{۱۰}. همان، ص ۷۸.

۲۱. کتاب شیعه، مقاومت و انقلاب (مقدمه)، اثر مارتین کرامر^۲.

نتیجه‌گیری

گونه‌شناسی و طیف‌بندی نگاه محققان غربی به آموزه مهدویت گستره بسیار وسیعی دارد؛ اما با توجه به سیل گسترده توجهات جامعه سیاسی، مذهبی و علمی غرب به اسلام و انجام مطالعات شیعه‌شناسانه و در ادامه همین راه، ورود به حوزه راهبردی‌ترین آموزه اسلام، یعنی "مهدویت"، آشنایی با اشخاص و آثار این جامعه، برای محققان شیعه، امری ضروری می‌نماید. بدین منظور لازم است نهادهای سیاست‌گذار حوزوی و دانشگاهی با اتخاذ تدابیری، زمینه را برای آشنایی هرچه بیشتر محققان و دانش‌پژوهان داخلی، با جامعه علمی شیعه‌پژوه غرب، به‌خصوص افرادی که در سال‌های اخیر به تحقیق در حوزه مهم مهدویت روی آورده‌اند، فراهم کنند. از جمله نتایج قابل پیش‌بینی به فعلیت رساندن این قوه در جامعه علمی کشور، می‌توان به این موارد اشاره کرد: استفاده از برداشت‌های صحیح آن‌ها به‌عنوان قاتلان غیرشیعی در مواجهه با مخالفان تفکرات شیعه؛ پاسخ‌گویی به شبهات و رفع علمی ایرادهای آن‌ها (به‌عنوان مراجع جهانی معرفی شیعه) به منظور معرفی سیمای حقیقی شیعه در دنیا. بهره‌مندی از روش‌های متنوع و به‌روز پژوهش و در نهایت دستیابی به جایگاه‌های معتبر علمی، به‌عنوان مراجع اصیل معرفی در سطح بین‌المللی.

^۱. همان، ص ۸۱.

^۲ Martin Kramer.

۱. اسپوزیتو، جان. انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، باز، تهران، ۱۳۹۳ش.
۲. دهقانی‌آرانی، زهیر، بررسی سیر مهدی‌پژوهی مستشرقان در ۱۵۰ سال اخیر، رساله منتشر نشده دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، گروه مدرسی معارف، قم، ۱۳۹۷ش.
۳. لوئیس، برنارد، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا بهروزی لک، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ش.
۴. مک کانت، ویلیام، رستاخیز داعش، ترجمه قدیری، حامد، نشر اسم، تهران، ۲۰۱۵م.
۵. نیومن، آندرو، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی، ترجمه مؤسسه شیعه‌شناسی، قم، ۱۳۸۵ش.
6. Brunner, Rainer. Islamic ecumenism in the 20th century: the Azhar and Shiism between rapprochement and restraint. Leiden; Boston: Brill. (2004).
7. Cook, David; Contemporary Muslim Apocalyptic Literature, Syracuse: Syracuse Univ. Press. (2005).
8. Cook, David; Martyrdom in Islam, Cambridge: Cambridge University Press. (2007).
9. Cook, David. Messianism in the Shiite Crescent. In Current trends in Islamist ideology. Washington, D.C.: Hudson Institute, Center on Islam, Democracy, and the Future of the Muslim World. (2011).
10. Cook, David; Studies in Muslim Apocalyptic, Darwin Press, Princeton. (2003).
11. Cook, David; 'The Book of Tribulations: The Syrian Muslim Apocalyptic Tradition': An Annotated Translation by Nu'aym b. Hammad al-Marwazi, Edinburgh University Press; Ant Tra edition. (2017).
12. Cook, David; Understanding and Addressing Suicide Attacks: The Faith and Politics of Martyrdom Operations, Greenwood, Praeger Press. (2007).
13. Cook, David; Understanding Jihad, Berkeley: University of California Press. (2005).
14. Cook. Michael. Hagarism: The Making of the Islamic World. (1977).
15. Eliash, Joseph. The Ithnā'asharī-Shī'ī Juristic Theory of Political and Legal Authority, in Studia Islamica (Vol. 29, pp. 17-30). Paris: Brill. (1969).
16. Eliash, Joseph. Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama, in International Journal of Middle East Studies (Vol. 10, pp. 9-25). London: Cambridge University Press. (1979).
17. Esposito, John L. Iran at the Crossroads. In Basingstoke: Palgrave Macmillan US. (2011).

18. Esposito, John L. *The Future of Islam*. In Oxford: Oxford University Press. (2013).
19. Ess, Joseph van. *Theologie und Gesellschaft im 2. Und 3. Jahrhundert Hidschra*. New York: Walter d Gruyter. (1991).
20. Ess, Joseph van. *Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen*. New York: Walter d Gruyter. (2011).
21. Filiu, Jean-Pierre. *Apocalypse in Islam*. (M. B. DeBevoise, tran). Berkeley: University of California Press. (2011).
22. Gleave, Robert. *Velayat-e Faqih*. In *Encyclopedia of Islam and the Muslim World* (Vol. 2, pp. 722-723). Farmington Hills: Gale. (2016).
23. Halm, Heinz. *Shi'a Islam: From religion to revolution*. Princeton, NJ: Markus Wiener Publishers. (1997).
24. Keddie, Nikki R. *Shi'ism and Revolution*. In *Religion, Rebellion, Revolution* (pp. 157-182). London: Palgrave Macmillan. (1985).
25. Kohlberg, Etan. "From Imāmiyya to Ithnā-'Ashariyya." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, vol. 39, no. 3, pp. 521–534 , (1976).
26. Kohlberg, Etan. "Some Shī'ī Views of the Antediluvian World." *Studia Islamica*, no. 52, pp. 41–66. JSTOR, www.jstor.org/stable/1595361, 1980.
27. Lambton, Ann K. S. *State and Government in Medieval Islam* New York: Oxford University Press. (1981).
28. Landau, Yehezkel. (n.d.). *Shi'ite Mahdism and Jewish Messianism: The Ambivalent Mingling of Piety and Politics*.
29. Leaman, oliver. *The Mahdi as a Source of Doctrinal Differentiation in Islam*. *The Bright Future*, 6(0), 60-74. (2011).
30. Mervin, Sabrina. *Les Autorités religieuses dans le chiisme duodécimain contemporain*. *assr Archives de sciences sociales des religions*, (125), 63-77. (2004).
31. Newman, Adnrew. *Twelver Shi'ism: Unity and Diversity in the Life of Islam* (The New Edinburgh Islamic Surveys). United Kingdom: Edinburgh University Press. (2013).
32. Scarcia, Gianroberto, : *I TRATTI 'NEO—BÀBI' DEL KHOMEINISMO*. In *Oriente Moderno* (Vol. 62, pp. 91-101) Italian: Istituto per l'Oriente C. A. Nallino. (1982).
33. Turner, Colin P. *ISLAM: The Basics*. New York: Routledge: Taylor and Francis. (2006)
34. Turner, Colin P. *Still Waiting for the Imam: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism*, (15), 29-47. (1993).

مآخذشناسی و بررسی سندی دعای سلامتی

(با بررسی سیر تطوّر متن دعا در منابع)

علی ربانی^۱

چکیده

"دعای سلامتی" امام عصر علیه السلام دعایی مختصر و مفید است که ارتباط معنوی با امام مهدی علیه السلام را تقویت می‌کند. برخی از روشن‌فکرانها تلاش کرده‌اند با خدشه در سند، این دعا آن را غیر معتبر قلمداد کنند. با توجه به منابع معتبری که این دعا را نقل کرده‌اند، می‌توان در جهت اتقان بخشی دعا حرکت کرد. این نوشتار با بررسی مآخذ دعای سلامتی و کیفیت نقل آن‌ها به سیری که متن دعا در منابع دارد، پرداخته است. در ذیل هر منبع سند دعا بررسی و به خصوصیات آن منبع اشاره شده است. مستدل کردن چگونگی تعلیق سند دعا و بررسی همه منابع، مزیتی است که این نوشتار از آن برخوردار است و این تحقیق را از دیگر آثار مشابه، متمایز کرده است.

واژگان کلیدی: دعای سلامتی، سندشناسی، سیر تطوّر، تعلیق، صالحین.

^۱ پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا، ایمیل: Rabbanyali@chmail.ir.

مقدمه

راه‌های اعتماد به هر نوشته و از جمله دعا و اطمینان برای عمل به آن مختلف است. گاهی به یک نمونه دعا به واسطه سند متصل و صحیحی که دارد اعتماد می‌گردد و گاهی محتوای غنی‌یی که دعا از آن برخوردار است، موجب وثوق به صدور دعا از معصوم و ممتنع بودن صدورش از غیر معصوم می‌شود و گاهی آنچه موجب اطمینان به دعا می‌شود، اتقان منابعی است که آن دعا را نقل کرده‌اند. اعتماد به دعای سلامتی از راه سوم یعنی "اتقان منابع" امکان‌پذیر بوده و هدف اصلی در این نوشتار بر همین پی‌ریزی شده است.

با هدف گسترش معارفی که در قالب ادعیه ماثور به ما رسیده است، تلاش کرده‌ایم با اتقان بخشی به این معارف از طریق مآخذشناسی و بررسی سندی، از بهانه‌تراشی مخالفان و بی‌اعتنایی نسبت به معارف دعاها کاسته، در پی شناخت دعاها ماثور و تمیز سره از ناسره گامی علمی برداریم.

به صورت طبیعی می‌بایست این نوشتار در دو بخش مآخذشناسی و بررسی سندی مقاله طراحی می‌شد؛ اما به جهت اختصار، بحث بررسی سندی در ذیل منابع اصلی که سند را ذکر کرده‌اند، آمده و با عنوان مستقل به سندشناسی پرداخته نشده است. تمرکز اصلی بحث سندشناسی کتاب "کافی" است و در دیگر منابع به صورت مختصر به سند اشاره شده و در ذیل هر منبع به خصوصیات آن منبع و کیفیت نقل و متن دعای سلامتی در آن منبع، توجه شده است.

برای پژوهش در این مورد دو کتاب^۱ و یک مقاله^۲ به چشم می‌خورد که دو کتاب بیش‌تر به بررسی محتوای دعا و در مقاله به بررسی سند دعا، پرداخته‌اند. وجه تمایز این نوشتار با پژوهش‌های یاد شده در این است که مقاله پیش‌رو ناظر به پژوهش‌های پیشین نوشته شده و علاوه بر ارائه دلیل در بررسی سندی و بیان سبب تعلیق سند و گزینش راویان، به منابع دعا به صورت کامل پرداخته است.

منابع دعا

اکثر منابع، دعا را در اعمال ماه مبارک رمضان و در شب بیست و سوم آن که احتمال شب قدر است، ذکر کرده‌اند و در همه آن‌ها تأکید شده که این دعا در هر حال و در هر زمانی از این شب خوانده شود. در سند دعا بر مداومت و تکرار دعا تأکید شده و نیز این که این دعا به شب قدر منحصر نبوده در بقیه زمان‌ها مداومت بر آن مطلوب عنوان شده است. این دعا در زمره دعا‌های

۱. شرح دعای سلامتی، محسن قرائتی به کوشش حسن سلم‌آبادی / شرح دعای اللهم کن لولیک، محمدرضا فؤادیان.

۲. فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۸، بررسی سندی دعای سلامت امام زمان، حمید احمدی جلفایی.

است که در بین جامعه منتظر انتشار داده شده تا پل ارتباط معنوی میان منتظران با امام شود. از آداب این دعا که قبل از دعا کردن انجام می‌شود، حمد و ثنای الاهی و صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت پاکش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بیان شده است.

این دعای مختصر در منابع مختلفی نقل شده که برخی از آن‌ها جزء "کتب اربعه" می‌باشند. واقع شدن یک دعا در اثر مذکور مزیتی است که اطمینان افرادی چون ثقه الاسلام کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و شیخ الطائفه شیخ طوسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را پشتوانه خود دارد. قبل از بحث در خصوص منابع دعا، اصل آنچه به عنوان این دعا رایج و مرسوم است عنوان می‌گردد:

منابع دعا به ترتیب اهمیت و قدمت عبارتند از:

۱. کافی

اولین و قدیمی‌ترین منبعی که به این دعا پرداخته، کتاب کافی شریف است که مرحوم کلینی (م ۳۲۹ ق) در کتاب الصوم و در باب دعا در دهه آخر ماه مبارک رمضان آن را نقل کرده است.^۱

اول سند، محمد بن عیسی است که به اسنادش از صالحین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعا را نقل کرده است.^۲ در نگاه ابتدایی به این سند، مرحوم کلینی نمی‌تواند بدون واسطه از شخص محمد بن عیسی روایت نقل کند. به این سبب، در این‌گونه موارد، غالب صاحب‌نظران و محققان، امثال این اسانید را بر سند حدیث و یا احادیث قبلی معلق فرض کرده‌اند. اگر بخواهیم واسطه یا واسطه‌های بین مرحوم کلینی و محمد بن عیسی را کشف کنیم، چاره‌ای نیست جز تعلیق بر اسناد گذشته یا غالب اسناد روایات کتاب کافی.

در اسناد کتاب کافی شریف، مرحوم کلینی نزدیک به سیصد مورد (۲۹۲ روایت) با یک واسطه که علی بن ابراهیم باشد، از محمد بن عیسی نقل روایت داشته است که در میان این تعداد، ۱۷۸ مورد قبل از سند این دعا واقع شده است. اگر سند دعا را بر غالب طریق مرحوم کلینی از محمد بن عیسی حمل کنیم، علی بن ابراهیم واسطه می‌شود؛ اما اشکال این تعلیق آن است که متعارف نبوده و فاصله بین سند این دعا با سند تعلیق شده بر آن ۴۳ صفحه می‌شود و در واقع این روش را تعلیق نمی‌گویند.

در اسناد قبل از این دعا، یعنی دومین دعا از همین باب، محمد بن عیسی وجود دارد که صحیح‌تر آن است که سند دعا بر آن معلق شود و در واقع سند دعای سلامتی بدین ترتیب می‌-

^۱ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۲.

^۲ مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

شود: «أحمد بن محمد عن علي بن الحسن [تعلیق] عن محمد بن عیسیٰ یاسناده عن الصالحین عليهم السلام»^۱

در سند دعای دوم^۲ که دعای سلامتی بر آن تعلیق شده، علی بن الحسین آمده؛ اما با توجه به دیدگاه آیت الله خوئی، منظور علی بن الحسن است. ایشان با توجه به راوی قبل که احمد بن محمد باشد، آن را بین احمد بن محمد بن سعید بن عقده و احمد بن محمد العاصمی مردّد می‌داند و لذا دیدگاه ایشان، آن است که با توجه به هر دو احتمال، هیچ کدام یک مورد هم از علی بن الحسین روایت نقل نکرده است. ایشان پس از ارائه قریب به ده شاهد از روایات کافی نتیجه می‌گیرد که در این جا تحریف صورت گرفته و منظور از علی بن الحسین همان علی بن الحسن است.^۳ در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی که دومین منبع به شمار می‌آید، در سندی که دعای سلامتی بر آن تعلیق شده، این راوی با نام علی بن الحسن آمده است.^۴

شرح حال راویان

تشخیص و شناسایی اشخاصی که در سلسله سند واقع شده‌اند، کار بسیار دقیقی است که قبل از بیان شخصیت راویان و جرح یا تعدیل آن‌ها باید انجام شود. بهترین روش برای شناسایی "راوی" دقت در این است که از چه کسانی روایت نقل کرده و چه کسانی از او روایت نقل کرده‌اند؛ به تعبیر دیگر، چه کسی استاد او بوده و چه کسی در محضر او شاگردی کرده است.

احمد بن محمد

طبق دیدگاه آیت الله خوئی که بیان شد، دو احتمال در مورد این راوی وجود دارد: یک احتمال آن که منظور از این راوی ابو العباس احمد بن محمد بن سعید، مشهور به "ابن عقده" باشد و احتمال دیگر آن که مراد احمد بن محمد العاصمی باشد. ابن عقده مذهب زیدی جارودی داشته و تا پایان عمر بر این مذهب بوده است. او بیش‌تر عمر خود را در کوفه گذرانده است. هر چند ابن عقده با مرحوم کلینی معاصر بوده؛ ایشان کم‌تر از ابن عقده روایت نقل کرده است، یعنی به صورت صریح بیش‌تر از سه روایت از ابن عقده در کافی دیده نمی‌شود. چه بسا دلیل کمی روایت از ابن عقده حجاب معاصریت، یا مذهب وی و یا تفاوت محل زندگی باشد. در هر صورت با

^۱ ارزیابی سندی نرم افزار درایه النور از کتاب کافی شریف.

^۲ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَظْظِينَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْهُمْ عليهم السلام.

^۳ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۲۱.

^۴ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۱.

توجه به کمی روایت و طریق خاصی که در روایت کلینی از ابن عقده وجود دارد، می‌شود اطمینان پیدا کرد که منظور از احمد بن محمد در سند دعای سلامتی همان احمد بن محمد العاصمی باشد.

اشخاص دیگری با نام احمد بن محمد در کتاب‌های رجال به آن‌ها پرداخته شده؛ اما با توجه به طبقه آن راویان، احتمال قرار داشتن آن‌ها در زمره مشایخ بلاواسطه کلینی مردود است. به طور مثال احمد بن محمد البرقی و یا احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی که معمولاً با یک یا چند واسطه از آن‌ها در کافی روایت نقل شده است، نمی‌توانند منظور از این راوی باشند.

در مورد شخصیت احمد بن محمد العاصمی که نام کامل وی، احمد بن محمد بن احمد بن طلحه العاصمی است، باید گفت که وی از مشایخ کلینی بوده و از علی بن الحسن روایت نقل کرده که منظور، علی بن الحسن بن فضال است و از او با تعابیر مختلف «التیمی» یا «السلمی» و یا «المیثمی» از او در اسناد روایات نام برده شده است.^۱ مرحوم نجاشی در توثیق وی می‌گوید:

او برادر اَبی الحسن علی بن عاصم المحدث است که به او العاصمی گفته می‌شود. در حدیث ثقة بوده و سالم و خیر بوده است. اصلش کوفی است و ساکن بغداد بوده و از شیوخ کوفیین روایت نقل نموده است.^۲

آیت‌الله خوئی همین توثیق نجاشی را در ترجمه عنوان "احمد بن محمد بن احمد بن طلحه" آورده و توثیق شیخ طوسی را در ترجمه‌ای با عنوان "احمد بن محمد بن عاصم" ذکر کرده و برای این توثیقات معارضی بیان نکرده و معتقد است که این دو عنوان متحد و با عنوان احمد بن محمد العاصمی یکی است.^۳

علی بن الحسن

از راوی قبل و بعد مشخص می‌شود که منظور از ایشان، علی بن الحسن بن علی بن فضال است. صاحبان آثار رجال شیعه از وی به فقیهی بزرگ و حدیث‌شناسی ماهر و صاحب تصانیف فراوان، یاد کرده‌اند و با وجود این که در ابتدا فتحی‌مذهب بوده، به وثاقت وی اذعان کرده‌اند. آیت‌الله خوئی بعد از نقل کلام مرحوم نجاشی و شیخ طوسی و مرحوم کشی در نهایت این گونه

^۱ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۳۴.

^۲ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۹۴: «هو ابن أخی اَبی الحسن علی بن عاصم المحدث یقال له العاصمی کان ثقة فی الحدیث سالماً خیراً أصله کوفی و سکن بغداد روی عن الشیوخ الکوفیین.»

^۳ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۸۵.

نتیجه گیری می‌کند: «فصل الخطاب کلام این است که در وثاقت علی بن الحسن بن فضال هیچ شکی نیست.»^۱

آنچه مسلم است این راوی زمان امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را درک کرده و ظاهراً در بخش عمده‌ای از غیبت صغرا حضور داشته است.^۲ پدرش، یعنی الحسن بن علی بن فضال، هشت ماه قبل از سال ۲۲۱ و نیز سال ۲۲۴ وفات کرده است.^۳ بر این اساس پدرش زمان امام جواد و امام رضا علیهما السلام را به صورت قطعی درک کرده است.

محمد بن عیسی

این عنوان در اسناد ۱۰۹۲ روایت واقع شده است.^۴ از بین چند محمد بن عیسی باید به این تشخیص رسید که کدام محمد بن عیسی منظور است. در نرم افزار درایه النور این راوی را محمد بن عیسی بن عبید دانسته و او را امامی ثقه ارزیابی کرده است؛ اما طبق تتبع آیت‌الله خوئی در ترجمه محمد بن عیسی بن عبید، آن‌جا که مروی عنه را ذکر می‌کند، گزارشی از نقل روایت علی بن الحسن (راوی قبل) از این راوی وجود ندارد.^۵ ممکن است این تتبع بر اساس قید ابن عبید باشد و در سند تعلیق شده این قید وجود ندارد تا در تتبع ایشان گنجانده شود.

برای تشخیص این راوی سراغ استادان وی و کسانی می‌رویم که از آن‌ها روایت نقل کرده است. در سندی که دعای سلامتی بر آن تعلیق شده محمد بن عیسی، آن را از ایوب بن یقظین نقل کرده و ایوب نیز فرد شناخته شده‌ای نیست تا از طریق او محمد بن عیسی را بشناسیم؛ چون از او فقط در همین سند نام برده شده است. در خود سند دعای سلامتی هم راویان بعدی مشخص نیست/نیستند و با تعبیر "باسناد" آمده است. پس، از طریق کسانی که محمد بن عیسی از آن‌ها روایت نقل کرده است، نمی‌توان تشخیص داد که منظور از ایشان چه کسی است.

قرائن و شواهدی وجود دارد که می‌توان فهمید منظور از این راوی، محمد بن عیسی بن عبید است. یکی از این قرائن، سال‌های زندگی راوی قبلی، یعنی علی بن الحسن بن فضال به جهت تشخیص طبقه راوی است. محمد بن عیسی باید با پدر علی بن الحسن بن فضال در یک طبقه

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۳۴: «و الذی یسهل الخطب أن علی بن الحسن بن فضال لا ینبغی الشک فی وثاقتہ لما عرفت.»

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۶.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۱۱۱.

باشد و همان‌طور که بیان شد، پدرش دوران امام جواد علیه السلام را درک کرده است. محمد بن عیسی بن عبید در همین طبقه و از کسانی است که دوره این امام همام را درک کرده است. شاهد دیگر، سندی است که سید بن طاووس آن را در اقبال آورده و از کتاب ابن ابی‌قره با اسنادش از علی بن الحسن بن فضال از محمد بن عیسی بن عبید، دعا را نقل می‌کند. در این سند، به ابن عبید بودن محمد بن عیسی تصریح شده است. این سند از طریق دیگری، غیر از کلینی به دست سید بن طاووس رسیده است؛ اما بخش عمده‌ای از روایان با طریق کلینی مشترک هستند.

مرحوم نجاشی در مورد شخصیت محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین می‌گوید:

«از بزرگان اصحاب ماست که ثقه و عین است. روایت زیاد دارد و صاحب

تصانیف نیکوست و از امام جواد علیه السلام مشافهتاً و مکاتبتاً روایت نقل کرده است.»^۱

شیخ طوسی وی را ضعیف دانسته و دلیل ضعف وی را این نکته بیان داشته که صدوق و ابن ولید این راوی را از رجال نوادِر الحکمه استثنا کرده‌اند.^۲

آیت‌الله خوئی بعد از بیان دیدگاه رجالیان در مورد محمد بن عیسی، این دیدگاه را جمع‌بندی کرده و تضعیف شیخ را بی‌اساس دانسته و آن را با توثیق نجاشی و دیگر توثیقات معارض نمی‌داند. ایشان معتقد است که استثنای صدوق به تبع از استادش، ابن ولید، به جهت مناقشه در شخصیت محمد بن عیسی بن عبیدی نیست، بلکه تنها در نقل روایتش از یونس مناقشه کرده‌اند. بهترین شاهد، اعتماد صدوق بر روایات او از غیر یونس است و این‌گونه نیست که به کل روایات او عمل نکرده باشند؛ هر چند آیت‌الله خوئی در مورد نقل روایتش از یونس هم مناقشه ابن ولید را نپذیرفته و آن را ناشی از اجتهاد غیر ظاهر می‌داند.^۳ مرحوم کلینی نیز به روایت محمد بن عیسی از یونس اعتماد کرده و روایات زیادی در کافی با این طریق آورده است. آنچه در بین کلام رجالیان جلب توجه می‌کند، کتاب‌ها و تصانیف فراوان از این محدث است. مرحوم کشی بعد ذکر نام کتاب‌های وی، طریق خود به این کتاب‌ها را بیان می‌کند. همچنین شیخ طوسی به برخی از این کتاب‌ها طریق داشته است.

برای محمد بن عیسی این امکان وجود داشته که به صورت شفاهی و بدون واسطه از برخی از معصومان معاصر خود روایت نقل کند. در کتاب‌های رجالی، گاهی ایشان را از اصحاب امام

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۳۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۲.

۳. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸.

عسکری علیه السلام و گاهی از اصحاب امام هادی علیه السلام برشمرده‌اند و نیز از افرادی عنوان شده است که به صورت شفاهی و نامه نگاری از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند؛ و حتی شیخ طوسی در رجالش وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته است.^۱

صالحین علیهم السلام

منظور از "صالحین"، امامان معصوم علیهم السلام هستند. در نقل شیخ طوسی در تهذیب نیز، بجای "صالحین"، واژه "صادقین" آمده و منظور از صادقین به طور قطع معصومان علیهم السلام است. نظیر این جابه‌جایی تعبیر، در روایتی دیگر صورت گرفته و در نقل کتاب "من لایحضر" کلمه "صالحین"^۲ و در نقل کتاب کافی واژه "صادقین" آمده است.^۳

در لسان راویان، تعبیر صادقین به جای امامان معصوم علیهم السلام به کار رفته است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

(الف) بعد از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام دو نفر از سران واقفه به یونس بن عبد الرحمن پیشنهاد مال فراوان دادند تا دست از ولایت و امامت علی بن موسی بردارد؛ اما او در پاسخ آنان، به کلام معصومان علیهم السلام استناد کرده است و می‌گوید:

«إِنَّا رُوِينَا عَنِ الصَّادِقِينَ: أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ؛ مَا

از امامان معصوم علیهم السلام روایت کرده‌ایم که آنان فرموده‌اند زمانی که بدعت‌ها ظاهر شود، بر علمان واجب است که علمشان را ظاهر سازند.»^۴

(ب) در نامه‌ای که عبدالله بن جعفر الحمیری به امام عسکری علیه السلام می‌نویسد؛ از ایشان مسئله‌ای فقهی را که از معصومان علیهم السلام شنیده است، سؤال می‌کند و برای آنان تعبیر "صادقین" را به کار می‌برد: «أَنَّهُ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِينَ: أَنْ اخْتَبْنَا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ يَطْهَرُوا وَ...» و حضرت پاسخ وی را می‌دهند.^۵ همان‌طور که اشاره شد در نقل دیگر تعبیر "صالحین" به کار رفته است.^۶

۱. همان، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۵.

۴. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۱۳.

۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۵.

۶. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸.

ج) از فضل بن شاذان النیشابوری فرعی فقهی در مسئله ارث بیان شده که ایشان در استدلال خود به عدم روایت از معصومان علیهم السلام در این زمینه استناد کرده است و می‌گوید: «لم أرو بهذا حديثاً عن الصادقين...»^۱

در لسان علما نیز از امامان معصوم علیهم السلام به صادقین تعبیر شده که به چند مورد اشاره می‌شود:
الف) شیخ مفید رحمته الله موارد متعددی از روایات را از معصومان علیهم السلام نقل کرده و از ایشان به "صادقین" تعبیر کرده است. عبارتش این است: «رَوَى عَنِ الصَّادِقِينَ علیهم السلام ...»^۲

ب) مرحوم ابن مشهدی رحمته الله در مورد زیارت جامعه می‌گوید: «وَالْقَوْلُ فِي مُبْتَدَأِ الْأَمْرِ فِي الزِّيَارَةِ إِلَى آخِرِهَا وَرَدَّتْ عَنِ الصَّادِقِينَ؛ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ قُبُورِ الْأَئِمَّةِ فَلْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ عِنْدَ الْعَقْدِ عَلَى الْعَزْمِ وَ النَّيَّةِ؛ در مورد گفتار زایر در امر زیارت از اول تا آخرش از صادقین علیهم السلام چنین وارد شده است: زمانی که خواستی به زیارت قبور امامان علیهم السلام بروی، باید همانند گفتار در زمان عقد، صاحب عزم و نیت باشی.»^۳

ج) سید بن طاووس رحمته الله روایتی در مورد برابری صدقه به یک مد طعام را با یک روز روزه مستحبی نقل کرده و آن را این چنین به امامان معصوم علیهم السلام نسبت می‌دهد: «فقد رأينا و روينا بإسنادنا إلى محمد بن يعقوب الكليني و غيره عن الصادقين عليهم السلام»^۴

د) ابن فهد حلی در کتاب عده الداعی از این تعبیر برای معصومان علیهم السلام استفاده کرده است.^۵
استفاده از تعبیر "صادقین" برای همه معصومین علیهم السلام منشا قرآنی دارد. خداوند در قرآن ما را به رعایت تقوا و همراهی با "صادقین" امر کرده است؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)^۶ چون همراهی با صادقین در همه عرصه‌های زندگی است و استثنایی صورت نگرفته

۱. صدوق، المقتع، ص ۴۹۱.

۲. مفید، المقتع، ص ۹۷ و ۱۰۹ و ۱۱۷ و ۱۶۴.

۳. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۹۱.

۴. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۹۷.

۵. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۶۶.

۶. سوره توبه: ۱۱۹.

است؛ باید کسی که تبعیت از او واجب شمرده شده، یعنی صادقین، معصوم باشد. این استدلالی است که حتی مفسران اهل سنت را به اذعان به معصوم بودن صادقین واداشته است. با توجه به کلمه "باسناده" در عبارت "محمد بن عیسی باسناده عن الصالحین" مشخص می-شود، بین این راوی و صالحین علیهم السلام واسطه وجود دارد. اگر کسی بگوید؛ وجود واسطه دلیلی است بر این که از معصومانی که با آنان هم دوره بوده، این دعا را روایت نکرده (چون برای نقل از معصوم عصر، به واسطه نیازی نیست) می-گوییم؛ ممکن است یک راوی با امامی هم عصر باشد؛ اما به دلیل فاصله مکانی و یا عدم دسترسی به امام و یا دیگر شرایط زمانی، از امام هم عصرش با واسطه روایت نقل کند. علاوه بر آن که با تتبع در روایات این راوی دیده می-شود که باواسطه از معصومان هم عصرش روایت نقل کرده است. پس وجود واسطه دلیل نمی-شود که معصومان هم عصر ایشان، جزء صالحین نباشند؛ یعنی هر یک از عسکریین علیهم السلام (امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام) می-تواند منظور از صالحین باشد.

در ارزیابی سند کافی از این دعا با وجود وثاقت راویان، باید گفت سند از یک جهت دچار مشکل است؛ چون محمد بن عیسی با اسنادی که مشخص نیست چه کسانی هستند، از معصومان علیهم السلام دعا را نقل می-کند. اگر این مشکل را بتوانیم حل کنیم، سند دعا از طریق کلینی به معصومین علیهم السلام متصل می-شود. در غیر این صورت، باید به روشی دیگر در پی اتقان بخشی دعا باشیم.

متن دعا در این کتاب با نقل مشهور تفاوت‌هایی دارد. تفاوت اول در ترتیب کلمات دعا و تفاوت دیگر در اضافه شدن واژه "عوناً" قبل از لغت "عیناً" است. دعا بدین صورت نقل شده است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيْلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيْلًا.»

۲. تهذیب الاحکام

شیخ طوسی رحمته الله (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) در این کتاب که از "کتب اربعه" شیعه است، این دعا را ذکر کرده است.^۱ تعلیقی که در کافی بر سند دعا صورت گرفته بود، در این کتاب نیز وجود دارد، با این تفاوت که به جای واژه "صالحین" واژه "صادقین" به کار رفته است و چون شیخ این چند

^۱ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۳.

دعا را از مرحوم کلینی رضی الله عنه نقل می‌کند، در سندی که سند دعا بر آن تعلیق شده، "محمد بن یعقوب" افزوده شده است. تفاوت دیگر نسبت به یکی از روایان به نام علی بن الحسن است که در کافی به نام "علی بن الحسین" آمده بود و طبق دیدگاه آیت‌الله خوئی منظور از آن، همان علی بن الحسن بن فضال بود که ترجمه آن گذشت.

هر چند اکثر محققان کتاب کافی و کتاب تهذیب الاحکام، صادقین و صالحین را به صیغه جمع اعراب‌گذاری کرده‌اند؛ احتمال تشبیه بودن این دو واژه نیز وجود دارد. اگر این احتمال قوت یابد، منظور از صادقین به صورت تشبیه، امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌باشند که محمد بن عیسی با اسناد خودش از این دو امام این دعا را نقل می‌کند. در عین حال باز همان اشکال مرسله بودن به قوت خود باقی است و این روایانی که بین او تا امام صادق علیه السلام هستند، نامشخص می‌مانند و کلامی که در مورد سند کافی گفته شد، این‌جا نیز ساری و جاری است.

۳. مصباح‌المتهجد

این کتاب را شیخ طوسی به منظور عمل کردن مخاطبان به آموزه‌های آن تدوین کرده است. ایشان در مقدمه کتاب، غرض از تألیف کتاب را، ذکر دعاهایی که در آثار فقهی ایشان نیامده، بیان داشته است.^۱ استاد ذوالفنون چون ایشان در تدوین آثار خود، به ویژه آثاری که برای عمل تدوین می‌کنند، تمامی جوانب حدیثی آنچه را نقل می‌کنند، در نظر دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هر آنچه ایشان در این کتاب نقل کرده است، در نظر ایشان برای عمل مناسب بوده و از اعتبار لازم برای این کار برخوردار است. اطمینانی که صاحب تألیفات کتاب‌های دعایی به دعا یا زیارتی داشته و به جهت آن اطمینان دعا را در اثر خود نقل کرده‌اند، یکی از طرق اطمینان به ادعیه و زیارات است.

ممکن است گفته شود؛ با توجه به مبنای "تسامح در ادله سنن" به اطمینان به صدور امور مستحبی نیازی نیست و صرف نقل یک دعا یا زیارت، عمل کردن به آن جایز بوده و لازم نیست معتبر شناخته شود؛ بنابراین، از نقل دعا در مصباح‌المتهجد نمی‌توان اطمینان شیخ طوسی را به این ادعیه کشف کرد؛ زیرا چه بسا ایشان با مبنای تسامح، این ادعیه را نقل کرده است. در مقام پاسخ گفته می‌شود شیخ طوسی به این مبنا پایبند نبوده است؛ چون اساساً مبنای "تسامح در ادله سنن" که هم قاعده‌ای اصولی و هم قاعده‌ای فقهی به شمار می‌آید، در بین

^۱ همان، ج ۱، ص ۴: «و المقصود من هذا الكتاب مجرد العمل و ذکر الأدعية التي لم تذكرها في كتب الفقه.»

متقدمان مطرح نبوده و از بین متان از علمای شیعه، شهید اول و ابن فهد حلی به این قاعده اشاره کرده‌اند و در واقع تاریخچه این قاعده به زمان شهید اول برمی‌گردد. دعای سلامتی در این کتاب با سند بدون تعلیق بیان شده و شیخ در این کتاب به خلاف کتاب تهذیب که دعا را از صادقین نگاشته، دعا را از صالحین علیهم‌السلام نقل کرده است. متن دعا با متن مشهور در بین مردم یکسان است و گویی متن دعا بر حسب کتاب مصباح در بین مردم شهرت یافته است. متن دعا بنا بر این نقل، بدین صورت است:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا
وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

۴. المزار الكبير

ابوعبدالله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری، معروف به "ابن مشهدی"؛ مؤلف این اثر ارزشمند است. تولد ایشان سال ۵۱۰ قمری است؛ اما از تاریخ وفات ایشان سندی در دست نیست. ایشان تا تاریخ ۵۹۴ قمری زنده بوده و اتمام تألیف این کتاب، بعد از این زمان بوده است. علامه مجلسی این کتاب را "المزار الكبير" نام نهاده و آن را بزرگ شمرده و آن را از جمله آثار معرفی می‌کند که سید بن طاووس به آن اعتماد و آن را مدح کرده است.^۱ علامه مجلسی در جای دیگر می‌فرماید:

و المزار الكبير يعلم من كيفية إسناده أنه كتاب معتبر و قد أخذ منه السيدان ابنا
طاوس كثيرا من الأخبار و الزيارات، از کیفیت إسناد کتاب مزار کبیر دانسته می-
شود کتاب معتبری است و سید بن طاووس و برادرش، بسیاری از اخبار و زیارات
را از آن أخذ کرده‌اند.^۲

ابن مشهدی در مقدمه المزار الكبير، به اتقان ادعیه و زیارات این کتاب شهادت داده و می-
فرماید:

فإني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ما ورد في الترغيب
في المساجد المباركات و الأدعية المختارات و ما يدعى به عقيب الصلوات و ما
يناجي به القديم تعالى من لذيذ الدعوات و الخلوات، و ما يلجأ إليه من الأدعية

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۵.

عند المهمات، مما اتصلت به ثقات الرواة إلى السادات...؛ من در این کتابم فنون زیارت کردن مشاهد مشرفه و آنچه موجب رغبت حضور در مساجد را دارد و دعاهایی که اختیار شده و در تعقیبات نمازها خوانده می‌شود و مناجات‌هایی که در خلوتگاه‌ها خوانده می‌شود و استغاثه‌هایی را که هنگام گرفتاری‌های بزرگ باید انجام شود، را جمع‌آوری کرده‌ام که با سند متصل به واسطه راویان مورد وثوق به معصومان می‌رسد.^۱

آیت‌الله خوئی نسبت به این عبارت از کتاب، دیدگاه مساعدی نداشته و این عبارت را به عنوان توثیق عام نمی‌پذیرد؛ زیرا علاوه بر معتبر ندانستن توثیق متأخران، در این که مؤلف کتاب چه کسی است، تردید دارد.^۲ به نظر می‌رسد مبنای سخت‌گیرانه ایشان مانع قبول اعتبار این کتاب شده؛ اما ما به تخصص کتابشناسی علامه مجلسی اطمینان داشته و دیدگاه ایشان در مورد کتاب مزار کبیر را ترجیح می‌دهیم.

یکی از دعاهایی که در این کتاب آمده، دعای سلامتی است که مشخص نشده دعا از چه منبعی نقل شده است. متن دعا، بیش‌تر به متن مصباح المتهجد شبیه است؛ اما عین متن نیست و دارای تفاوت اندکی است و در مزار به جای عبارت "فِي هَذِهِ السَّاعَةِ" عبارت "فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ" آمده است.^۳

از شهادت ابن مشهدی، به اتصال آنچه در کتابش آورده، استفاده می‌شود که این دعا در نظر ایشان متصل بوده و مشکل ارسال در سند ندارد. چه بسا تفاوت عبارت "فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ" قرینه‌ای باشد بر این که ایشان طریق دیگری غیر از طریق کافی در اختیار داشته که در آن طریق، عبارت بدین صورت نقل شده و با توجه به آن طریق سند متصل بوده است.

۵. إقبال الأعمال

سید بن طاووس رحمته الله (۵۸۹-۶۶۴ ق) مؤلف این کتاب است. شخصیت بی‌نظیری که حدود ۵۰ تألیف دارد و بسیاری از آن‌ها در موضوعات دعا و زیارت است. او دارای کتابخانه‌ای غنی‌یی بوده است که حدود ۱۵۰۰ کتاب در آن وجود داشته و در تألیف کتاب‌های خویش از آن‌ها استفاده می‌کرده است.

^۱ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۸.

^۲ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۲.

^۳ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۱۲.

وی در این کتاب، دعای سلامتی را از کتاب ابنُ اُبی قُرَّة نقل و سند دعا را این چنین بیان کرده است:

ذَكَرَهُ ابْنُ أَبِي قُرَّةٍ فِي كِتَابِهِ: فَقَالَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱؛ ابن اُبی قره این دعا را در کتابش ذکر و دعا را با اسنادش از علی بن الحسن بن الفضال از محمد بن عیسی بن عبید که با اسنادش از صالحین نقل کرده؛ آورده است.

سید بن طاووس در این کتاب، برای نقل دعا، از طریق جدّ مادری‌اش، یعنی شیخ طوسی اقدام نکرده تا به سند کافی برسد، بلکه طریق دومی را که همان دسترسی به کتاب ابن اُبی قره باشد، برگزیده است. راویان این طریق جدید در بخشی از آن، با راویان تهذیب الاحکام و کافی شریف یکی هستند. در نتیجه در بررسی سندی این طریق به ترجمه ابن اُبی قره بسنده می‌شود.

ابن اُبی قره

نام کامل وی "محمد بن علی بن محمد بن اُبی قره" است که با عبارت "محمد بن علی بن یعقوب بن اسحق بن اُبی قره" نیز معرفی شده است.^۲ کنیه‌اش اَبوالفرج و با وصف‌های مختلف القنائی، العنانی، القناتی،^۳ و القناتی از وی یاد شده است. وصف دیگرش الکاتب است. وی از مشایخ و استادان مرحوم نجاشی بوده است.^۴

ایشان صاحب تصانیف و کتاب‌هایی از جمله "کتاب الدعاء" بوده و مرحوم ابن مشهدی و سید بن طاووس از کتاب‌های وی بهره فراوانی برده‌اند.^۵ مرحوم نجاشی قبل از شمارش کتاب‌های وی در توثیق ابن اُبی قره ابو الفرج القنائی الکاتب می‌فرماید: «کان ثقة، و سمع کثیرا، و کتب کثیرا و کان یورق لأصحابنا و معنا فی المجالس.»^۶ آیت‌الله خوئی همین توثیق نجاشی را ذکر کرده و معارضی برایش نیاورده است.^۷

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۸۵.

۲. امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۴۵ و ج ۲۱، ص ۱۸ و ج ۸، ص ۱۸۴.

۴. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۱.

۵. تهرانی، الذریعه، ج ۸، ص ۱۸۴.

۶. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۹۸.

۷. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۴۲.

اولین ذکر نام حضرت به جای عبارت فلان بن فلان

تا قبل کتاب اقبال الاعمال، در هیچ منبعی نام وجود مقدس امام عصر علیه السلام در دعا نیامده و به صورت رمزی عبارت "فلان بن فلان" آمده است. اولین منبع که به جای این عبارت، لقب حضرت را با صلوات بر اجداد طاهریش ذکر می‌کند، این کتاب است که حتی نام حضرت را با خاص (که برخی به کار بردن آن را جایز نمی‌دانند) آورده است.

در صدر دعا همان تأکید بر خواندن دعا در هر زمان، به خصوص در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و در هر حالتی آمده و این چنین از حضرت نام برده شده است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ مُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا...»

برخی الفاظ دعا با نقل مشهور متفاوت است؛ یعنی به جای واژه "عَيْنًا" واژه "مُؤَيِّدًا" آمده است. طبق نقل کتاب ابن ابی قره، دعا مفصل‌تر است و دعا بعد از عبارت «و تَمَتَّعُهُ فِيهَا طَوْلًا وَ عَرْضًا وَ تَجَعَّلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَنْئِمَةِ الْوَارِثِينَ...» ادامه پیدا می‌کند.^۱

شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که این، دعای دیگری است؛ اما از هماهنگی صدر دعا با نقل کافی و یکی بودن شان نزولش و همچنین از بیان سید در کتاب دیگرش که معرفی خواهد شد؛ استفاده می‌شود که این همان دعای سلامتی است؛ با این تفاوت که طولانی‌تر است. ایشان در کتاب فلاح السائل بعد از این که در مقام فضیلت دعا برای برادران، دعا برای حضرت در نماز وتر را به عنوان حق حضرت می‌داند؛ همین دعای سلامتی را به این منظور معرفی کرده و می‌فرماید:

ذکره محمد بن ابی قره فی کتاب عمل شهر رمضان و روایة ابن ابی قره أطول دعاء و إنما نذکره بروایة جدی ابی جعفر الطوسی، این دعا را محمد بن ابی قره در کتاب اعمال ماه رمضان آورده و روایت او از دعا طولانی‌تر است و من این دعا را با روایت جدم شیخ طوسی ذکر می‌کنم.» و سپس ایشان دعای سلامتی را ذکر می‌کند.^۲

^۱ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص: ۸۵.

^۲ ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۴۶.

نکته دیگری که از این عبارت سید در کتاب فلاح السائل به دست می‌آید، آن است که نام کتاب ابن ابی قره که سید از آن دعا را نقل کرده کتاب "عمل شهر رمضان" بوده است. در گزارش نجاشی از کتاب‌های ابن ابی قره، نام کتاب "عمل الشهور" ذکر شده است.^۱ چه بسا منظور سید از کتاب اعمال ماه رمضان همان کتاب عمل الشهور بوده که به صورت خاص نام یکی از آن ماه‌ها را برده است.

۶. فلاح السائل و نجاح المسائل

سید بن طاووس در این کتاب، فصلی با عنوان "فواید زیاد مناجات کردن و فضیلت دعا برای برادران در غیاب آنان و فضایل دعا برای ائمه هدی علیهم‌السلام" آورده است. در این فصل در فضیلت دعا برای امام عصر علیه‌السلام این دعا را به نقل از جدش، شیخ طوسی آورده که با نقل کتاب مصباح‌المتبهجد برابری دارد. پس سند دعا در این کتاب همان سند شیخ طوسی است که در قبل به آن اشاره شد.

نکته قابل توجه در این کتاب آن است که با وجود این که سید همه نقل‌ها از دعا را در اختیار داشته، به نقل عین عبارت شیخ طوسی در مصباح اهتمام داشته و حتی تعبیر "فلان بن فلان" را ذکر کرده و نام حضرت را جایگزین این تعبیر نکرده است.^۲

سید بعد از نقل دعا بر این نکته تأکید دارد که معصومان علیهم‌السلام بر دعا برای وجود مقدس حضرت مهدی علیه‌السلام اهتمام داشته و این اهتمام را از همین دعا برداشت می‌کند. سپس در مقام بیان وظیفه و تکلیف ما در جهت اهتمام به دعا برای حضرت و کوتاهی نکردن در این امر می‌فرماید: «از بسیار دعا کردن برای او- صلوات الله علیه- و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای واجب، جایز است؛ خودداری مکن!»^۳

۷. مختصر البصائر

مؤلف کتاب مذکور، حسن بن سلیمان حلی رحمته‌الله است. زمان ولادت و وفات وی روشن نیست؛ ولی اجازه‌نامه ای از وی به تاریخ ۸۰۲ هجری وجود دارد که نشان می‌دهد تا این زمان در قید حیات بوده است. ایشان دعای سلامتی را بدون ذکر سند آورده است اما اشاره می‌کند که دعا را از کتاب مصباح‌المتبهجد شیخ طوسی اخذ کرده است. عبارت دعا همانند نقل شیخ در مصباح

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۹۸.

۲. ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۴۶.

۳. همان.

است و در نقل هیچ تغییری نیافته است. در این کتاب به شرح دو عبارت پایانی دعا پرداخته شده است.

۸. البلد الامین و الدرع الحصین

کفعمی (۸۲۰ - ۹۰۵ ق) در این کتاب بدون ذکر سند و منبع، دعا را به معصومان علیهم السلام نسبت می‌دهد. از آن‌جا که متن نقل شده همانند نقل شیخ طوسی در مصباح است معلوم می‌شود که دعا را از کتاب مصباح المتجهد شیخ اخذ نموده است.^۱

یکی از علمایی که در شناخت ادعیه ماثوره مهارت داشته، تقی‌الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی رحمته الله است. ایشان کتاب البلد الامین را قبل از المصباح که کتاب دعایی دیگر ایشان است، به رشته تحریر در آورده است. روش کفعمی در غالب دعاها و زیارات، این گونه است که فقط معصومی را که دعا از وی آن نقل شده است، ذکر کرده و سلسله راویان تا معصوم علیهم السلام را نمی‌آورد. شاید ایشان با مبنای تسامح در ادله سنن برای عمل به این ادعیه و زیارات، دانستن این نکته را دعا از کدام معصوم عنوان شده، کافی می‌دانسته.

در دو جای دیگر از این کتاب، عبارت‌هایی مشابه دعای سلامتی وجود دارد که در ضمن دعاها دیگر آمده و دعای سلامتی نیست. یکی از آن‌ها، بخشی از دعای معروف به "کنز العرش"^۲ و دیگری در ضمن دعای ساعت دوازدهم^۳ که مخصوص امام عصر علیه السلام است، قرار گرفته‌اند. این موارد دعای سلامتی به حساب نمی‌آید؛ چون سند و شأن نزول آن متفاوت است؛ اما از مشابهت این عبارات با دعای سلامتی می‌توان ماثور بودن این دعا را استنباط کرد؛ چرا که معصومان علیهم السلام همگی نور واحدند و کلامشان با یکدیگر همگونی داشته و مشابهت دارد.

۹. المصباح (جُنَّة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية)

کفعمی در این کتاب دعای سلامتی را بدون ذکر سند آورده و آنان را فقط به معصومان علیهم السلام نسبت داده است.^۴ تنها تفاوتی که با نقل البلد الامین وجود دارد، این است که به جای واژه "فلان بن فلان" نام حضرت، یعنی "محمد بن الحسن المهدی" را قرار داده است. اگر نقل سید بن طاووس از کتاب ابن ابی قره را با دعای سلامتی یکی بدانیم، اولین کسی که به جای

^۱. کفعمی، البلد الامین، ص ۲۰۳.

^۲. همان، ص ۳۶۰.

^۳. همان، ص ۱۴۵.

^۴. همان، المصباح، ص ۵۸۶.

تعبیر فلان بن فلان نام حضرت را قرار داده، محمد بن ابی قره است و اگر آن نقل را دعای دیگری بدانیم، اولین نفر در این جایگزینی، مرحوم کفعمی در همین کتابش می‌باشد. کفعمی در مقدمه می‌گوید: «کتاب مصباح را از کتاب‌های مورد اعتمادی جمع‌آوری کردم که باید به ریسمان محکم آن‌ها چنگ زده شود.»^۱ این کلام نظیر شهادت ابن مشهدی در مقدمه کتابش باعث اعتبار ادعیه این کتاب می‌شود که یکی از آن‌ها همین دعای سلامتی است.

۱۰. روضه المتقین

نویسنده کتاب مذکور محمدتقی بن مقصود مجلسی رحمته الله (۱۰۰۳ - ۱۰۷۰ ق) پدر علامه مجلسی است. وی این کتاب را در شرح کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق گردآوری کرده است. ایشان در کتاب الصوم در ضمن دعا‌های شب‌های ده آخر ماه مبارک رمضان، متعرض دعای سلامتی شده و دعا را از مرحوم کلینی در کافی شریف با سند ایشان نقل می‌کند.^۲ ایشان در متن دعا بعد از عبارت فلان بن فلان به صورت جمله معترضه می‌فرمایند: «ظاهره جواز التسمیه و یؤول باللقب جمعا بین الأخبار»؛ یعنی ظاهر عبارت این است که نام بردن از حضرت جایز است و لقب حضرت را جایگزین کردن، وجه جمع بین روایات است. از این عبارت، دلیل رمزگونه بودن واژه فلان بن فلان کشف می‌شود. از دیدگاه ایشان بنا بر برخی روایات، چون تسمیه و نام بردن حضرت حرام بوده، تعبیر فلان بن فلان را به کار برده‌اند؛ اما وجه جمع بین روایات آن است که به جواز نام بردن از حضرت قائل شویم و به جای نام خاص، القاب حضرت را جایگزین کنیم.

۱۱. برخی شروح کافی (الوافی - مرآة العقول)

فیض کاشانی رحمته الله (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق) در کتاب وافی و علامه مجلسی رحمته الله (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق) در مرآة العقول (به منظور شرح کتاب کافی) این دعا را ذکر کرده‌اند.^۳ نکته در خور توجه، نسخه‌هایی از کتاب کافی است که در اختیار این دو بزرگوار بوده است. در زمانی که صنعت چاپ نبوده، روش تکثیر کتاب‌ها به این گونه بوده که یک نفر از روی نسخه اصلی قرائت کرده و کاتبان می‌نوشتند. بعد از اتمام، اگر نسخه‌ای با اصل، مقابله قرائت می‌شد، در اول نسخه درج می‌شد و قیمت بالاتری داشت. مرحوم مجلسی به دلیل تمکن مالی، این دعا را از نسخه‌ای نقل

۱. همان، ص ۴: «و قد جمعت من كتب معتمد علی صحتها مأمور بالتمسك بوثقی عروتها لا یغیرها کر العصرین و لا مرء الملوین»

۲. مجلسی، روضه المتقین، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۴۰۶ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۳۹۴.

کرده که مقابله شده است و لذا نقل مجلسی از دعا دقیق بوده و عین عبارات کافی فعلی است؛ اما نقل مرحوم فیض کاشانی اندک تفاوتی داشته و دقیق نیست. البته ممکن است این، بدان دلیل باشد که مرحوم فیض به نقل کتاب تهذیب الاحکام شیخ نیز نظر داشته و خواسته باشد بین این دو نقل جمع کند علاوه بر آن که احتمال دارد بی‌دقتی در نقل نسخه کتاب وافی صورت گرفته باشد.

۱۲. کتاب‌های دیگر علامه مجلسی

ایشان در دو کتاب دیگرش یعنی کتاب "ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار" و کتاب "بحار الانوار" این دعا را ذکر کرده است. در کتاب ملاذ الاخیار دعا را از کتاب تهذیب الاحکام دعا را نقل کرده و عبارت وی، عین عبارت کتاب تهذیب است که نشان دهنده دقت نقل و فاخر بودن نسخه‌هایی است که نزد علامه مجلسی موجود بوده است.^۱

علامه در جلد ۹۴ بحار الانوار چاپ بیروت، دعا را طبق نقل سید بن طاووس (در کتاب اقبال الاعمال) آورده است. در جلدهای دیگر بحار عباراتی شبیه دعای سلامتی وجود دارد که این دعا نیست؛ اما دربردارنده مفاهیم و کلمات دعا است. به عنوان نمونه در جلد ۸۶ و جلد ۹۹ از همین چاپ، ایشان دعا را از اصلی قدیمی دعا را نقل می‌کند که بعد از نماز صبح روز جمعه باید خوانده شود و در بخشی از آن این عبارت آمده است: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ مِنْهَا طَوْلًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ فِيهَا الْأَيْمَةَ الْوَارِثِينَ...»^۲ عبارت مذکور بسیار شبیه عبارات دعای سلامتی است. همچنین در جلد ۸۳ در ضمن ادعیه ساعات، در دعای ساعت دوازدهم عبارت «كُنْ لَهُ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ قَائِدًا وَ كَالِئًا وَ سَاتِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»^۳ گنجانده شده که با دعای سلامتی هم‌معنا است.

۱۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (محدث نوری)

این کتاب همان طور که از نامش پیدا است، به منظور تکمیل روایات کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حر عاملی تألیف شده است. مرحوم محدث نوری رحمته الله (۱۲۵۴ - ۱۳۳۰ق) در این کتاب این دعا را از کتاب کافی شریف نقل کرده است. در کتاب کافی، به خلاف دیگر نقل‌ها از

^۱. مجلسی، ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۱۰۷.

^۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص: ۳۴۰ و ج ۹۹، ص: ۳۱۴.

^۳. همان، ج ۸۳، ص ۳۵۵.

دعا، کلمه "عوناً" قبل از کلمه "عیناً" آمده است؛ اما ایشان در نقل خود این کلمه را جا انداخته و نیاورده است.^۱ ایشان در پایان دعا اشاره کرده است که دعا با اختلاف کمی در مصباح کفعمی آمده است که شاید به تغییر عبارت فلان بن فلان و نام بردن از حضرت اشاره باشد. النجم الثاقب کتاب دیگر این محدث بزرگ است که در مورد امام عصر ع نگاشته شده است. دوازدهمین دلیل ایشان در پاسخ به یک شبهه، استناد به همان عبارتی است که علامه مجلسی در بحار از اصلی قدیمی به منظور دعا بعد از نماز صبح جمعه، نقل کرده و ما متعرض آن شدیم. همان طور که گفته شد، این دعا، دعای سلامتی نیست بلکه دعای دیگری است که با دعای سلامتی دارای عبارت‌هایی مشابه است.^۲

۱۴. مفاتیح الجنان و منتهی الآمال، اثر شیخ عباس قمی ر (۱۲۹۰-۱۳۵۹ق)

در دو کتاب "مفاتیح الجنان" و "منتهی الآمال"، این دعا ذکر شده است. در کتاب مفاتیح، ایشان دعاهای دهه آخر ماه مبارک رمضان را که از جمله آن‌ها دعای سلامتی است، از کافی و مقنعه و مصباح نقل و ادعا کرده که در کتاب کافی به صورت "مسند" و در دو کتاب دیگر به صورت "مرسل" این دعاها نقل شده است.^۳ همان طور که مشاهده شد، کتاب مقنعه جزء منابع دعا نیامده بود؛ اما ایشان این کتاب را نیز جزء منابع دعا شمرده است. این، بدان جهت است که در کتاب مقنعه، دعاها برای ده شب دهه آخر ماه مبارک رمضان آمده؛ اما به جای دعای سلامتی در شب بیست و سوم، دعای دیگری معرفی شده که شیخ عباس قمی آن دعا را قبل از دعای سلامتی برای این شب آورده است. بنابراین، منظور ایشان کل دعاهای ده روز است و دعای سلامتی را جداگانه در شب بیست و سوم جای داده است. لذا آوردن مقنعه به عنوان منبع دعاهای دهگانه صحیح است و منظور منبع برای دعای سلامتی نیست.

اگر منظور شیخ عباس قمی از مصباح، المصباح کفعمی باشد، "مرسل" بودن دعاها در این کتاب و کتاب مقنعه نیز تایید می‌شود و استنادش به مرسل بودن دعاها در این دو کتاب صحیح است. اما اگر منظورش مصباح المتعجد باشد، در این کتاب برخی دعاها "مستند" آورده شده؛ الاً این که منظور شیخ عباس غالب آن دعاها باشد، که در این صورت صحیح خواهد بود.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳.

۲. نوری، النجم الثاقب، ص ۴۴۲.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۷۶.

دعای سلامتی در مفاتیح، با نقل مصباح المتهجد مناسبت دارد. در مفاتیح به تبعیت از مقنعه و مصباح المتهجد، اول دعای دیگری برای شب بیست و سوم ذکر شده که با عبارت «یا رب لیلۃ القدر» شروع می‌شود و سپس دعای سلامتی عنوان شده است. شیخ عباس بعد از دعای سلامتی دعایی را نقل می‌کند که در کتاب مصباح المتهجد نیامده است اما در کتاب مقنعه بعد از پایان دعاهای دهگانه، دعای سلامتی جداگانه برای اعمال شب بیست و سوم آمده است. از این مطالب استفاده می‌شود که روش ایشان برای بیان دعاهای شب بیست و سوم، الگوگیری از کتاب خاصی نبوده، بلکه با گزینش از کتاب‌های مختلف عمل کرده است.

کتاب دیگر ایشان منتهی الامال است. در فصل ششم کتاب که در مقام بیان شمه‌ای از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر علیه السلام است؛ به عنوان سومین تکلیف، دعا برای حضرت بیان شده و دعای سلامتی به این منظور معرفی گردیده است. ایشان در این کتاب، همانند آنچه در مفاتیح آورده، توصیه کرده است که به جای فلان بن فلان تعبیر "الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه" گفته شود.^۱ با توجه به فراوانی کتاب مفاتیح در منازل و مساجد، دعای سلامتی با این تعبیر شیخ عباس قمی شهرت یافته و امروز همه با این تعبیر برای امام عصر علیه السلام دعا می‌کنند. اکثر کتاب‌هایی که بعد از ایشان نوشته شده، همین عبارت را به کار برده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم آیت‌الله بروجردی در کتاب جامع احادیث الشیعه و مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی در کتاب مکاتیب الاثمه همین عبارت را برگزیده و دعا را نقل کرده‌اند.^۲

نتیجه‌گیری

برای وثوق به هر دستورالعمل و از جمله "دعا"، نیازمند طریقی برای تحصیل اطمینان هستیم. یکی از راه‌های تحصیل وثوق به دعا، کثرت منابع و اعتماد به مؤلفان کتاب‌های روایی و دعایی است. به دعای شریف این پژوهش (دعای سلامتی) علما و حدیث‌شناسان زیادی اعتماد کرده و آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند. مقدمه برخی کتاب‌ها که بررسی شد نشان‌دهنده آن بود که این بزرگان به آنچه نقل کرده، وثوق داشته و کلامشان در مقدمه، گویای این اعتماد است. برخی منابع همانند کافی و تهذیب از کتب اربعه شیعه دعا را نقل کرده‌اند که به همین دلیل اعتبار دعا افزون می‌گردد.

^۱ همان، منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۳.

^۲ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۳۱، ص ۷۷۸ و احمدی میانجی، مکاتیب الاثمه، ج ۱، ص ۱۶.

دو سند برای دعا بررسی شد: اول طریقی که کلینی به محمد بن عیسی داشت و دیگری سندی که سیدین طاووس از کتاب ابن ابی قره نقل کرده که راویان این دو سند یکسان بوده و به محمد بن عیسی بن عبید می‌رسید. از جهت وثاقت راویان، مشکلی متوجه سندها نبود و تنها مشکل، بعد از محمد بن عیسی بود که مشخص نبود به واسطه‌ی چه افرادی دعا را از صالحین نقل کرده است. در مورد صالحین احتمالاتی بیان شد؛ اما به قطعیت نرسیدیم که آیا این واژه به صورت تثنیه است که مراد صادقین باشند یا به صیغه جمع است و مشخص نشد آن چند امام، کدامین معصومان علیهم‌السلام هستند.

در ضمن مأخذ شناسی و بررسی سندی، به تغییراتی که متن دعا در منابع یافته بود، و نیز سیر تطوّر برخی واژگان این دعا مورد بررسی واقع و نتیجه این شد که آنچه امروز به عنوان دعای سلامتی یا فرج در بین عموم مردم شایع شده است، بهترین صورت از متن دعا است که وجه جمع بین همه نقل‌ها است و این دستاورد اخلاص مرحوم شیخ عباس قمی است که آن را در کتاب مفاتیح الجنان آورده؛ چنان که شیوع این کتاب نیز به اخلاص آن مرد و لطف الاهی رقم خورده است. متن آنچه امروز به عنوان دعای سلامتی رایج است در ابتدای این پژوهش آورده شد.

* قرآن کریم.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۴۰۶ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ق.
۵. احمدی جلفای، حمید، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۸، بررسی سندی دعای سلامت امام زمان
۶. احمدی میانجی، علی مکاتیب الاثمه، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ق.
۷. امین، محسن، اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۸. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، انتشارات فرهنگ سبز، تهران ۱۳۸۶ش.
۹. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، دار الأضواء، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، منشورات مدینه العلم، قم. بی تا.
۱۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم. ۱۴۱۳ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، المقنع، مؤسسة امام مهدی، قم. ۱۴۱۵ق.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، مؤسسة فقه الشیعه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین، نشر ستاره، قم، ۱۴۲۰ق.

۱۸. فوایدان، محمد رضا، شرح دعای اللهم کن لولیک، سبط النبى، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ش.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۲۰. قرائتی، محسن، شرح دعای سلامتی، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۲۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات مشرقین، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۰ش.
۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح (جنة الأمان الواقیة)، دار الرضی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، دوم. ۱۴۰۳ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۶ق.
۲۹. مجلسی، محمد تقی بن مقصود، روضة المتقین، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۶ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، کنکره جهانی شیخ مفید، قم. ۱۴۱۳ق.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، موسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، قم، ۱۳۶۵ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ق.

۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، النجم الثاقب، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم،

۱۴۲۹ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلة الموعود - فصليتان - علمية السنة الأولى، العدد الأول، لشهرى الربيع والصيف لسنة

هيئة التحرير (حسب ترتيب الحروف):
الهي نژاد، حسين (أستاذ معيد فى معهد العلوم والثقافة الإسلامية)
بهروزى لك، غلامرضا (الأستاذ فى جامعة باقر العلوم)
دهقانى آرانى، زهير (باحث فى معهد الدراسات للمهدوية وموعود الإنتظار البويا)
شاكرى زواردهى، روح الله (أستاذ معيد فى جامعة طهران)
صفرى فروشانى، نعمة الله (أستاذ فى جامعة المصطفى العالمية)
عرفان، اميرمحسن (أستاذ مساعد فى جامعة المعارف الاسلامية قم المقدسة)
كلباسى، مجتبی (استاذ فى الحوزة العلمية فى قم)
معنوى، سيدمجتبی (فاضل فى الحوزة، باحث فى معهد الدراسات للمهدوية وموعود الإنتظار البويا)
يوسفیان، مهدى (فاضل فى الحوزة، أستاذ مساعد فى جامعة المصطفى العالمية)

صاحب الامتياز:
معهد البحوث والدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا؛ مركز المهدوية التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسة
المدير المسؤول:
حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسى
رئيس التحرير:
حجة الإسلام والمسلمين مهدى يوسفیان
المدير الداخلى و سكرتير التحرير:
حسين على الجبارى
ويراستار:
ابوالفضل عليدوست
المترجم الإنجليزى:
زينب فرجام فرد
المترجم العربى:
ضياء الذهاوى

عنوان مكتب المجلة : شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصى، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود

الإنتظار البويا. رقم الهاتف : ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰ ؛ رقم الفاكس : ۱۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰ ؛ الصندوق البريدى : ۳۷۱۳۵۱۱۹

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة : www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

سعر المجلة: ۳۰۰۰۰۰ ريال

التفكير والتأمل فى النظرية الإسلامية الشاملة فى مجتمع عصر الظهور

حسين إلهى نجاد^١

الخلاصة

المقالة التى بين أيدينا تتطرق الى تبين وتوضيح وتحليل إنتشار رقعة الدين الإسلامى الحنيف فى أوساط المجتمع العالمى ودولة الإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام ونفى وزوال الأديان الأخرى من قبيل المسيحية واليهودية والزرذشتية وقد تم الإتيان والتمسك بالادلة المختلفة الواردة فى الآيات القرآنية والروايات الشريفة وذلك من أجل إثبات هذا الأمر، فعلى سبيل المثال فقد أكد القرآن الكريم فى عدة آيات على نزول النبى عيسى عليه السلام وإعتناق جميع أهل الكتاب الإسلام^٢ وكذلك الغلبة الظاهرية والمنطقية للإسلام على سائر الأديان الأخرى وتسليم أتباع جميع الأديان فى مقابل دين الحق وهو الإسلام^٣ وقد تناول الأئمة المعصومين: أيضاً وفى روايات مختلفة لإثبات وبيان هذا الموضوع والبشارة على الوحدة العقائدية والدينية فى الحكومة العالمية للإمام المهدي عليه السلام بعد التصريح بالإعلان عن نفى حالات الإنقسام والتشتت فى الأديان. وبالإضافة الى وجود الآيات والروايات العديدة التى توضح جميعها إنتشار وحاكمية الدين الإسلامى الحنيف فى نهاية التاريخ هناك أدلة أخرى مثل نمو ورشد البعد العقلى والمعرفى لدى الناس فى زمن الظهور والرسالة الخاصة للإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام فى تعامله وسلوكه مع المخالفين وتطبيق الأحكام المتعلقة بالجزية والتقية كلها تحكى تحقيق الوحدة العقدية والدينية فى عصر ظهور الإمام المهدي عليه السلام.

المصطلحات المحورية: مجتمع عصر الظهور، الإمام المهدي، شمولية الإسلام، المسيحية، اليهودية، الجزية، التقية.

^١. معيد فى مركز العلوم والثقافة الإسلامية. البريد الإلكتروني: hosainelahi1212@gmail.com .

^٢. سورة النساء، الآيات ١٥٧، ١٥٨، ١٥٩.

^٣. سورة التوبة، الآية ٣٣، سورة الفتح، الآية ٢٨، سورة الصف، الآية ٩.

دراسة مقارنة للآية ١٥٨ من سورة الانعام من منظار الفريقين

على المؤيدى^١

الخلاصة

تُخبر سورة الانعام وفي أواخر الآية ١٥٨ منها عن مجيء يوم في مستقبل أمة الخاتم حيث تظهر في ذلك اليوم بعض الآيات الإلهية، وحينما نتأمل وتعمق في تلك الآية نجد فيها بيان من لم يؤمن قبل ذلك اليوم ولم يقدم نصيباً من العمل الصالح فلن ينفعه الإيمان بعده ويكون من الخاسرين، وهناك ثلاثة آراء مطروحة حول هذه الآية فالقول المشهور للفريقين يراها تتعلق "بشرائط الساعة" وهناك بعض منها يعتقد بأنها تتعلق "بالعذاب الدنيوي" ويرى بعض من مفسري الشيعة إنها مربوطّة "بقيام ونهضة الإمام المهدي عليه السلام والسؤال الأساسي لهذه المقالة هو جعل وعدّ علاقة هذا المقطع من الآية الشريفة مع "قيام الإمام المهدي عليه السلام" والسؤال الاصلى هنا هو كيف يمكن توجيه وتحليل هذا المقطع من الآية مع قيام ونهضة الإمام المهدي عليه السلام؟ فالنظرية المختارة هنا هي عبارة عن تلفيق ودمج الاقوال الثلاثة وبهذه الشكل سنظهر في آخر الزمان وفي زمن قيام الإمام المهدي عليه السلام بعض من الآيات الإلهية فتم التعبير عنها "بأشراط الساعة" وكذلك سيكون وحسب السنن الإلهية حكم دنيوي بين الأمة يتزامن معه نزول العذاب الإلهي وذلك لأجل القضاء على الظالمين وأستخلاف الصالحين بقيادة ومحورية خليفة الله. والمقالة هذه تم كتابتها بأسلوب توصيفي - تحليلي.

المصطلحات المحورية: اشراط الساعة، آيات العذاب، قيام الإمام المهدي عليه السلام، عذاب الإستئصال، الإستخلاف، الصالحون.

^١ طالب في السطح الرابعه لدراسه المهدييه في القران والحديث، مركز المهدييه التخصصي. البريد الإلكتروني:

المهدوية التطلع الأمثل والأنموذج الحذى للثورة الإسلامية وضروراته الثقافية فى فكر ورؤية الإمام

الخامنى

حسن الملائى^١

الخلاصة

مما لاشك فيه فإن حدث وقيام الثورة الإسلامية فى ايران وإنصارها يحظى بأهمية قصوى ومعادلات قيمة ولكن السؤال الذى يقفز الى السطح ماهو " التطلع والأنموذج الأعلى " لهذه الثورة وماهى الإلزامات والضروريات والتعهدات التى يجب مراعاتها وذلك لأجل حفظ وديمومة الثورة الإسلامية التى تنصب لتحقيق أهدافها المنشودة. وقد إستخلص هذا التحقيق والبحث الذى تمحور حول الرؤى والأفكار والتطلعات التى يحملها قائد الثورة الإسلامية سماحة آية الله السيد الخامنى والذى كُتب بأسلوب وصفى - تحليلى الى نتيجة مفادها اولاً : إعتبار المهدوية وظهور الإمام صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه هو المثل والتطلع والأنموذج الغائى للثورة الإسلامية الإيرانية وثانياً: إن هناك ضروريات وإلتزامات ثقافية لا بد للعمل والإلتزام بها وذلك لأجل تهيئة الأرضية المناسبة لهذا المثل المقدس وبالتالي الوصول إليه من قبيل الإهتمام والتوجه المستمر بالتطلع والهدف الأسمى للمهدوية والجهاد الثقافى من أجل توطأت المناخ الملائم للظهور والإنتظار المحورى فى طريقة واسلوب الحياة وإيجاد العدالة فى كل المجريات والشرائح وتربية الطبقة الصالحة المنتظرة.

المصطلحات المحورية : الثورة الإسلامية، التطلع والأنموذج، المهدوية، الإنتظار، وظائف المنتظرين، آية الله السيد الخامنى.

^١ طالب فى السطح الرابع فى الحوزه العلميه و فى معهد البحوث و الدراسات المهدويه وموعود الإنتظار البويا. البريد الإلكتروني: hmollaie@chmail.ir

دور التعاليم المهدوية فى السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية

حسين على الجبارى^١

الخلاصة

لاشك ولاريب فإن " التعاليم المهدوية " تعتبر من البحوث الاساسية فى الإسلام حيث يمكن ومن خلال نصوصها الواردة إستخراج التطبيقات والرؤى والاساليب الإنسانية والإسلامية العميقة والمتعالية، ولعل السؤال الذى يدور فى الذهن إنه ماهى المكانة التى تتبوها التعاليم المهدوية الأصلية والأساسية فى رسم السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية وماهو دورها المنوط بعد إنتصار الثورة الإسلامية فى ايران والتى تقوم على حاكمية وترسيخ المذهب الشيعى؟ ومن المؤكد فإن السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية لها قواعد واصول وضوابط مشخصة ونظراً للقوانين والأعراف الدولية فإنها تستفيد وتنهل من الأسس الإسلامية الأصيلة ولاسيما " التعاليم المهدوية " والأخذ منها. وهذه المقالة والتى تم كتابتها بشكل توصيفى - تحليلى توضح وتبين دور التعاليم المهدوية فى صنع السياسات الخارجية والدولية لها مثل نفى الهيمنة والتسلط والدفاع عن المستضعفين وامثال تلك القواعد والمباني وذلك بالنظر الى وجود الاسس الفكرية لها يعنى العمل بالآيات القرآنية والرؤى للقيادات الحكيمة والقانون الأساسى.

المصطلحات المحورية : الآيات القرآنية، التعاليم المهدوية، الجمهورية الإسلامية الإيرانية، القانون الأساسى، السياسة الخارجية.

^١. طالب فى السطح الرابع للحوزه العلميه و طالب فى المرحلة الرابعه للتوجه السياسى - الإجتماعى فى مركز المهدويه التخصصى، البريد الإلكتروني: jabbari.h110@gmail.com

دراسة سير التحقيقات المهدوية في الغرب بعد الثورة الإسلامية الإيرانية

زهير دهقاني الآراني^١ / محمد الكزاي^٢

الخلاصة

من المؤكد فإن عملية التعرف أكثر على المساعي والأهداف التي يحملها المحققين والباحثين الغربيين الناشطين في مجال المهدوية هو من أهم الضروريات الملحة في العصر الراهن وذلك في مرحلة بعد إنتصار الثورة الإسلامية في إيران، وبطبيعة الحال فإن واحد من لوازم وضروريات تحقق هذا الهدف ونيله هو دراسة التغيرات والإعتبارات للتحقيقات والدراسات الشيعية بشكل عام والدراسات التي تتعلق بالمواضيع المهدوية في الأدوار والمراحل الأربعة لمعرفة الشيعة بشكل خاص وذلك من خلال تسليط الضوء والتركيز على التغيرات التي تزامنت مع هذه تلك الدراسات في التحول التاريخي الذي جرى في سنة ١٩٧٩ ميلادي وسعت هذه الدراسة وبواسطة البحث والغور في الآثار التي دوّنها المشتريين من أجل معرفة الدراسات المهدوية الى تحليل وتطبيق الآراء والنظريات الواردة مع الأحداث والوقائع وبالتالي الإرتقاء بالمعلومات المكتسبة والواصلة عن هذا الطريق والنتيجة التي خرجت منها هذه الدراسة هي التعرف على دائرة واسعة من التحقيقات والدراسات في مجال المهدوية للمستشرقين الغربيين والعمل على دراسة أهم النظريات والآراء التي كتبها أهم العلماء. ولاشك فإن الدخول الواسع والمنظم للمؤسسات الحوزوية والجامعات في معترك الدراسات الغربية للمهدوية من الضروريات الملحة إذا ما أخذنا بنظر الإعتبار تعزيز وتقوية الدراسات المهدوية في مرحلة بعد إنتصار الثورة الإسلامية خاصة بعد الأحداث التي جرت في ١١ سبتمبر وذلك نظراً الى المكانة الخاصة لبعض الجماعات المعادية للإسلام مثل الصهاينة في تلك الدراسات.

المصطلحات المحورية : المهدوية، المستشرقون، الدراسات الغربية للمهدوية، الثورة الإسلامية.

^١. باحث في معهد الدراسات للمهدوية وموعد الإنتظار البويا، البريد الإلكتروني: Zdarani@yahoo.com.

^٢. طالب في المرحلة الثالثة في مركز المهدوية التخصصي قم، البريد الإلكتروني: Mohamadamin@yahoo.com.

معرفة مصدر ودراسة سند دعاء السلامة

(من خلال دراسة سير تطور نص الدعاء في المصادر)

على الرباني^١

الخلاصة :

إن "دعاء السلامة" للإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام هو من الأدعية المختصرة والمفيدة حيث يعمل على تقوية الآواصر المعنوية مع هذا الإمام الغائب الحاضر وقد عمل بعض ممن يطلق عليهم المستنيرين ومن خلال الطعن في السند الوارد الى عدم إعتبارية هذا الدعاء وإبطاله وبالطبع فإنه يمكن ونظراً الى المصادر المعتبرة التي قامت بنقل هذا الدعاء السير والتحرك نحو تعزيزه وإتقانه وتثبيتته وتطرق هذه المقالة ومن خلال دراسة مصادر هذا الدعاء وطريقة نقلها له متابعة نصه الموجود في تلك المصادر ومجرياته ودراسة سنده في ذيل كل مصدر والإشارة الى خصوصيات ذلك المصدر وتعتبر عملية الإستدلال على كيفية علاقة وتعليق سند هذا الدعاء وإرتباطه ودراسة جميع مصادره هو ماتميز به هذا المقال وجعله يختلف عن سائر الآثار المشابه له.

الصلحات المحورية : دعاء السلامة، معرفة السند، سير التطور، التعليق، الصالحون.

^١ . محقق و باحث في معهد الدراسات المهدويه و موعود الإنتظار البويا، البريد الإلكتروني: Rabbanyali@chmail.ir.

Knowing the Sources and Investigating the Documentation of “Health Prayer”

(By Examining the Development Process of the Prayer Text in the Sources)

Ali Rabbani¹

Abstract

The “health prayer” for Imam of the Time (A.S) is a brief and useful prayer that strengthens the spiritual connection with the Imam of the Time. Some of the so-called intellectuals have attempted to call it invalid by defecting the documentation of the prayer. According to the credible sources that have quoted this prayer, one can move towards accepting part of the prayer. This article examines the process the prayer content has gone through in the sources by examining the sources of the “health prayer” and their transmission quality. Below each source of the prayer document is reviewed and the characteristics of that source are mentioned. Reasoning how to suspend the prayer document and review all sources is an advantage this paper has and distinguishes it from other similar works.

Keywords: health prayer, document-ology, the development process, suspension, the righteous.

¹. Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Intezar Pouya (Dynamic Awaitening). Email: Rabbanyali@chmail.ir

Investigating the Course of Mahdi Studies in the West after the Islamic Revolution of Iran

Zoheir Dehghani Arani¹, Muhammad Kozazi²

Abstract

Being more acquainted with the efforts and goals of Western scholars active in the field of Mahdism is one of the major necessities of the modern era after the victory of the Islamic Revolution. One of the necessities of realizing this goal is to study the changes of Shiite studies, specifically the study of the Mahdism in the four periods of Shi'ism, focusing on the evolution of these studies in the historical turning point of 1979. In this research, by an extensive search on the works of the Orientalists in order to find Mahdavi studies, analyze the views and adapt the viewpoints to the events, it has been attempted to improve the quality of the information obtained. The product of this research is to familiarize with some of the extensive amount of Mahdavi studies of Western Orientalists and to examine some of their most important views. Considering the strengthening of Mahdavi's studies in the post-Islamic Revolution period, especially after the events of 9/11, given the special status and flagship of some anti-Islamic groups, such as Zionism in these studies, the widespread and well-organized entry of religious and academic institutions into the realm of Western Mahdi-researchers is necessary.

Keywords: Mahdism, Orientalists, Western Mahdi-researchers, Islamic Revolution.

¹. Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Intezar Pouya (Dynamic Awaitening). Email: zdarani@yahoo.com.

². Graduate Student of Level 3 at the Specialized Center of Mahdism. Email: mohamadamin@yahoo.com.

The Role of Mahdism Doctrine in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

Hussein Ali Jabbari¹

Abstract

The “doctrine of Mahdism” is one of the fundamental and basic discussions in Islam from which deep humane and Islamic acts can be derived. With the realization of the Islamic Revolution which is based on the Shiite school, there is this question that what the role and position of the fundamental doctrine of Mahdism is in the Islamic Republic’s foreign policy. The foreign policy in Islamic Republic of Iran has rules that have benefitted from the pure Islamic principles specially the Mahdism Doctrine considering the international laws. In this descriptive-analytic article, the roles of Mahdism doctrine will be explained in foreign and international policy such as the rejection of hegemony and domination and the defense of the weak and the like with regard to its intellectual principles, i.e. the Qur’anic verses, the thought of its leader and the constitution.

Keywords: doctrine of Mahdism, foreign policy, the Qur’an’s verses, Islamic Republic of Iran, constitution.

¹. Graduate Student of Level 4 at Qom Seminary, and Student of Level 4 of Mahdism, the Political-Social Branch at the Specialized Center of Mahdism in Qom. Email: jabbari.h110@gmail.com.

Mahdism, the Great Ideal of the Islamic Revolution and its Cultural Implications in Imam Khamenei's thought

Hasan Mollai¹

Abstract

The occurrence of the Islamic Revolution of Iran is of paramount importance, but the question is what “the grand ideal” of this revolution is, and what the requirements for the maintenance and continuation of Islamic Revolution are to pursue its noble goals. This research, by focusing on the ideas of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Ali Khamenei, with a descriptive-analytic method, has come to the conclusion that firstly, Mahdism and the appearance of Imam of the Time (A.S) is the final goal of the Islamic revolution; secondly, in order to pave the ground for this sacred goal and attain it, we must adhere to some cultural necessities, such as constant attention to the ideal of Mahdism, cultural jihad to pave the ground for appearance, centrality of awaiting in life-style, justice spread at all levels, upbringing of righteous awaiting human beings.

Keywords: Islamic Revolution, Mahdism, Awaiting, responsibilities of the awaiters, Ayatollah Khamenei.

¹. Graduate Student of Level 4 at Qom Seminary and Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pouya (Dynamic Awaiting). Email: hmollaie@chmail.ir.

A Comparative Study of Verse 158 of Surah Al-An'aam from the Two Sects' Viewpoint

Ali Mo'ayedi¹

Abstract

At the end of verse 158 of Surah al-An'aam, it has announced the coming of a day in the last Ummah (nation) in the future in which some of the Divine revelations will be revealed on that day, and those who did not have faith or righteous deeds before that day, their acceptance of a creed will be of no use in that they. There are three premises about this section of the verse: the famous words of the two sects mention it is about the "Ashrat al-Saa'at" (signs of the hour (for resurrection)); some relate it to the "worldly torment" and some of the Shiite interpreters relate it to the appearance of Imam Mahdi (A.S). The main question of this research is that how this part of the verse is relation to the "rise of Imam Mahdi (A.S) and is justified and analyzed. Mokhtar's theory is a combination of all three sayings; in the Apocalypse, at the time of rise of Imam Mahdi (A.S), some of the Divine verses which are interpreted as "Ashrat Al-Saa'at" become apparent and according to Divine's Sunnah, a worldly judgment occurs amongst the Ummah (nation) which will be accompanied with the downfall of the Divine retribution for the destruction of the oppressors and succession of the righteous with the centrality of the God's Caliph. The present paper is organized on the descriptive-analytic method.

Keywords: Ashrat al-Saa'at (signs of the hour (for resurrection)), punishment verses. Imam Mahdi's rise, exterminating retribution, succession of the righteous.

¹. Graduate Student of Level 4 of Mahdism, Qur'an and Hadith Branch, at the Specialized Center of Mahdism. Email: alim313@chmail.ir.

A Reflection on the Theory of Comprehensiveness of Islam in the Society of Appearance Era

Hussein Elahinezhad¹

Abstract

The following article explores and analyzes the spread of Islam in the global society at the time of Imam of the Time (A.S) and the rejection of other religions, such as Christianity, Judaism, and Zoroastrianism. To prove this claim, various reasons mentioned in the verses and traditions have been resorted to; for example, the Qur'an emphasizes the revelation of Jesus Christ and the conversion of all people of the book², as well as the apparent and logical predominance of Islam over other religions, and the submission of other religions to the true religion of Islam³. The infallible Imams (A.S) have also proven this issue in various traditions and have promised the unity of religion and belief in Imam Mahdi (A.S)'s global government by rejecting division in the religions. In addition to several verses and traditions, which justify the spread of Islam at the end of history, there are other reasons such as the intellectual and epistemic growth of people at the Appearance era, the special mission of Imam of the Time (A.S) in dealing with the opposition and the expiration of the rules of tribute and prevarication at the time of Appearance; all of them suggest the unity of religions and beliefs during the period of Imam Mahdi's Appearance.

Keywords: society of the time of Appearance, Imam Mahdi (A>S) the spread of Islam, Christianity, Judaism, tribute, prevarication.

¹. Associate Professor at the Research Center of Islamic Sciences and Culture. Email: hosainelahi1212@gmail.com.

². Al-Nisa: 157, 158, 159.

³. Al-Tawbah: 33; Al-Fat'h: 28; Al-Saf: 9.

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism
First Year, Vol. 1, Spring and Summer 2019

Magazine Owner:

Mahdism and Messianism
Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaitening), Specialized
Center of Mahdism of Qom
Seminary

Managing Editor:

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi

Editor in Chief:

Clergy of Islam Mehdi Yousefian

Internal Manager and

Editorial Staff:

Hussain Ali Jabbari

Editor:

Abolfasl Alidoost

English Translator:

Zeynab Farjamfard

Arabic Translator:

Ze'ya az-zahavi

Editorial Board (Alphabetically
Ordered):

Elahinezhad, Hussein (Associate
Professor of Islamic Sciences and
Culture Research Center)

Behrouzi Lak, Gholamreza
(Professor at Baqir al-Ulum
University)

Dehghani Ara, Zoheir
(Researcher in Mahdism and
Messianism Research Center of
Intezar Pooya)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah
(Assistant Professor at Tehran
University)

Safari Foroushani, Nematollah
(Professor at Al-Mustafa
International University)

Erfan, Amir Mohsen (Assistant
Professor at Islamic Maaref
University)

Kalbasi, Mojtaba (Professor at
University and Seminary)

Ma'navi, Seyyed Mojtaba
(Researcher in Mahdism and
Messianism Research Center of
Intezar Pooya)

Yousefian, Mahdi (Seminary
Scholar, Assistant Professor Al-
Mustafa International University)

Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pouya,
Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh),
Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119

Website: <http://mouoodmag.ir>

Email: mouoodmag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

Price: 300000 Rials